خطر واقعی امپریالیسم آمریکاست

صفحه ۲

اتحاد مردم
ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران
شماره ۱۱۳ دوره سوم دوشنبه ۵ بهمن ماه ۱۳۶۰ برابر با ۲۹ ربیع الاول ۱۴۰۲ و ۲۵ ژانویه ۱۹۸۲ بها ۳۰ ریال

حرکت دشوار از جامعهٔ مصرفی به جامعهٔ تولیدی و خودکفا

نه چندان تند برویم که ضد انقلاب سوء استفاده کند و نه چندان کند که توده‌ها نومید شوند

یکی از خواست‌های امپریالیسم آن است که کشورهای "جهان سوم" (آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین)، کشور

بقیه در صفحه ۱۴

نرمش با آمریکا مقدمهٔ سازش با آمریکاست

صفحه ۹

ملت‌گرائی نه میهن دوستی آری!

میهن دوستی بمعنای واقعی این کلمه، یعنی مبارزهٔ آگاهانه وپی‌گیروایثارگرانه در راه بهروزی مردم. میهن دوستی واقعی خواستار همبستگی همه خلقهای جهان درقبال ستمگران وغارتگران است.

درایران دواصطلاح رامعمولا با هم یکسان می‌گیرندویا خلط می‌کنند. یکی "ملت‌گرائی" (یا "ملی‌گرائی"، که درزبانهای اروپائی "ناسیونالیسم" می‌گویند) ودیگری "میهن دوستی" (که آنرا "پاتریوتیسم" می‌خوانند).

ملت‌گرائی درکشورهای "جهان سوم" شیوه‌تفکر بخشی از بورژوازی است که برخلاف بخش دیگر (یعنی بورژوازی وابسته) نمی‌خواهد "امربر" ساده امپریالیسم باشد، بلکه‌خواستار "شراکت" با اودربهره‌کشی عمومی است واز این جهت بحد معینی از استقلال بسود مقاصد و منافع طبقهٔ خود، معتقداست.

اگربخواهیم که یک تعریف کلی بدست بدهیم، بایدبگوئیم‌که ملت‌گرائی سیاست و ایدئولوژی بورژوازی محلی (یعنی بورژوازی هر کشور و هر ناحیه) درمسئله‌حقوق‌ملی است و بر حسب شرایط مختلف تاریخی می‌تواند نقشهای مختلفی بازی کند.

ملت‌گرائی تا زمانیکه‌تنها نیروی واقعی وفعال (یاعمده‌نیرو) برای مقاومت درقبال‌سیاست‌استعماری و نواستعماری امپریالیستی است، نقش مترقی دارد؛ ولی‌هنگامیکه سرکردگی جنبش ازدست او خارج شود و "دمکراتهای‌انقلابی" یا "انقلابیون کارگری" بر راس نهضت قرارگیرند، نقش او به ارتجاعی یاترمزکننده مبدل می‌شود، زیراخواست‌های محافظه‌کارانه‌اش درچارچوب خواست‌های بنیادین دمکراتهای‌انقلابی یا انقلابیون‌کارگری نمی‌گنجد.

دربسیاری ازکشورهای‌اروپایی و غیراروپائی، در دوران انتقال‌ازجامعهٔ فئودالی به‌جامعه سرمایه‌داری، ملت‌گرایان درایجادرستاخیز ملی در راه استقلال و "تکوین‌ملی" نقش مثبتی ایفا کردند.

بعدها بورژوازی کوشید از "احساس ملی" برای مقابله دادن‌ملت‌ها، بسود منافع مغرضانه خود و برانگیختن احساس نفاق‌وایجادتصادم (تاحدتصادم نظامی) استفاده کند و ایدئولوژی ملی‌گرایانه راجانشین‌ایدئولوژی‌انقلابی قشرهای‌مختلف مردم سازد (یعنی‌آن‌ایدئولوژی‌که در کنار استقلال‌سیاسی‌واقتصادی، خواستار عدالت اجتماعی وحاکمیت‌واقعی خلق نیز بوده وهست).

بقیه در صفحه ۱۴

باتوطئه‌های ضد انقلاب در صنایع نفت مقابله کنیم

- خواستهای کارگران مبارز صنایع نفت را برآورده سازیم
- از کم‌کاری و تحصن و اعتصاب جلوگیری کنیم و تولید را افزایش دهیم

صفحه ۱۵

رئیس مجلس شورای اسلامی و آزادیهای سیاسی

امسال سال قانون است
(امام خمینی)

اکنون، نیروهای راستین پیرو خط امام خمینی وبه‌ویژه مسئولان قضائی کشور برآنند، تا این فرمان رهبر انقلاب را اجرا کنند. کوشش‌همه‌جانبه‌ای برای استقرار قانون درجامعه‌آغاز شده‌است، که‌بخشی ازآن‌مربوط به‌اجرای قوانین جمهوری اسلامی ایران و نظریات رهبر انقلاب وبنیانگزار جمهوری اسلامی ایران ومسئولان درجهٔ اول کشور دربارهٔ آزادی های سیاسی است.

مابرای آنکه، به‌سهم‌خود دراین زمینه هم به‌استقرار قانون یاری رسانده‌باشیم، نظریات و قوانین موجود را دربارهٔ آزادی‌های سیاسی به ترتیب منتشر خواهیم کرد.

درچهارشماره پیش نظریات **امام خمینی**، رهبر انقلاب وبنیانگزار جمهوری‌اسلامی‌ایران، **شهید بهشتی**، **شهید مطهری وحجت‌الاسلام خامنه‌ای** رئیس جمهوری اسلامی ایران رامنتشر کردیم. دراین شماره به انتشار نظریات **حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی** رئیس‌مجلس شورای اسلامی دراین‌باره می‌پردازیم:

"... همانطوری‌که قبلا هم گفته‌ام، اگر در چارچوب قانون‌اساسی گروه‌ها حاضر باشند فعالیت سیاسی کنند و قانون را مراعات کنند، مجلس ازفعالیت آنها حمایت خواهد کرد وباید اجازه بدهیم که قانونی باشند و فعالیت‌کنند... مشروط به مراعات قانون، مجلس تحقیقا حمایت ازکارشان خواهد کرد..." (ازمصاحبهٔ مطبوعاتی رئیس مجلس درتاریخ ۳ شهریور ۵۹)

"... من همین جابه‌گروه‌های مخالف جمهوری‌اسلامی، که‌ایدئولوژی مارا قبول ندارند، یافقه ما را قبول ندارند و مسلمانند، به آن‌ها عرض میکنم که مامیتوانیم باهم کاملا با رفاقت در محیط سلامت زندگی بکنیم. اگر شما دست به شیطنت نزنید... اگربه‌جای خدمت خیانت نکنید برای ماندن دیگران، اگر به‌حق خودتان قانع باشید، داعیهٔ سیاسی هم‌که‌داشته باشید، دراین‌مملکت‌میتوانید بمانید وجمعیت داشته باشید وکلوب داشته باشید وبعدا میتوانید میتینگ داشته باشید ومتیوانید نشریه داشته‌باشید..." (ازسخنان رئیس مجلس شورای اسلامی در مراسم نماز جمعه ــ ۱۸ دی‌ماه ۶۰)

"... دراین‌مملکت قانون‌اساسی حزب را آزادگذاشته، نشریات‌راآزاد گذاشته. میتوانیم باهم همکاری‌کنیم..." (همانجا)

"وقتی‌که این‌تروریسم و این‌هیمنه بخوابد و اصل جمهوری‌را تهدید نکند و مسئله‌جنگ هم تمام‌بشود ــ درحال جنگ این‌قضیه مشکل‌تر است ــ ما فشار خواهیم آورد و درحد معقول و مقبول زبان‌ها را و قلم‌ها را کاملا آزاد و مطمئن خواهیم کرد، که بتوانند کارهایشان را بکنند...

محیط باز شود، تابتوانیم باکسانی که فکری دارند، مطلبی دارند، انتقادی دارند، امکانی برای تشکیل گروه دارند، بتوانند کار بکنند ویک مقدار این‌حالت سوءظن و این‌ها نباشد...

شرطش اینست‌که به‌اصل نظام‌لطمه‌اساسی نخورد. خیال می‌کنم‌چند ماه آینده کاملا می‌توانیم هم برخودمان مسلط باشیم، هم برجریان‌مملکت مسلط باشیم، خطرهای اساسی را از کشور دورکنیم و آزادی‌های‌معقولی که در یک‌رژیم مردمی می‌شود داد، بدهیم."

(ازمصاحبه باروزنامه اطلاعات ۳۰ بهمن ۱۳۶۰)

اینهمه اصرار به ژاپن چرا؟

* امپریالیسم ژاپن بعداز سه‌سال هنوزهم‌ایران را برای اتمام پروژهٔ مجتمع پتروشیمی سرمی‌دواند!

با این که ما: "بارها به شریک خود گفته‌ایم که به عنوان یک شریک مسلمان قصد نداریم ضرر وزیانی متوجه طرف مقابل خود کنیم" (مهندس مصطفی ظاهری، معاون وزیرنفت درامورپتروشیمی ــ اطلاعات ۲۸ دی ۱۳۶۰)،

با این که: "بارها سرمایه‌گذاری دراین طرح به علت تغییرات در پروژه، تورم‌جهانی و غیره تغییر کرده است" (همانجا)،

با این که: "شرکای ژاپنی برای ادامه و تکمیل پروژه گفته‌اند چون دراثر طولانی شدن و خسارات‌جنگی هزینهٔ پروژه بالارفته است، لذا سرمایهٔ اضافی را ایران بدهد و دولت ایران هم درچارچوب قرارداد داخلی حاضر به مذاکره دراین مورد شده است." (همانجا)،

وعلیرغم اینکه: "بعد از جنگ ۳ مرتبه هیات مذاکرد رفت وآمدداشتند ۲مرتبه درتهران و یک مرتبه درتوکیو که ۲ مرتبه آن مذاکرات رسمی جهت ادارهٔ پروژه (بود)" (همانجا)،

و: "حتی نظرمان این بود که خسارات را خودمان متحمل شویم" (مهندس غرضی وزیرنفت ــ اطلاعات ۲۸ دی ۱۳۶۰)،

و: "از آنها (ژاپنی‌ها) خواهش کردیم بیائید و خسارات پتروشیمی را ازنزدیک بررسی کنید" (همانجا)،

و بالاخره: "از بس به آنها احترام گذاشتیم، خسته شده‌ایم" (همانجا)

اما هنوزهم که هنوزاست: "گروه میتسوئی هر روز بهانهٔ جدیدی می‌آورد". (معاون وزیرنفت ــ اطلاعات ۲۸ دی ۱۳۶۰)

و: "می‌خواهند برای اتمام پروژه

بقیه در صفحه ۴

نارسائی‌های طرح مجتمع فولاد مبارکه

برای نجات صنایع فولاد کشور از بحرانهای آتی از هم اکنون باید چاره اندیشید (۲)

صفحه ۷

نبرد کار و سرمایه در جهان

صفحه ۱۳

اصلاحات ارضی دمکراتیک
(قسمت اول)

صفحه ۶

تنبیه بدنی در مدارس یک عمل ضد انسانی وضد تربیتی است

صفحه ۱۲

توطئهٔ امپریالیسم آمریکا برای تیره‌سازی روابط جمهوری اسلامی ایران و «جبههٔ پایداری» ادامه دارد

توطئهٔ اخلال در روابط میان جمهوری اسلامی ایران وکشورهای عضوجبههٔ پایداری دراثر جاسوسی آمریکا طرح‌ریزی شد بوسیله لیبرالها، مائوئیستهای آمریکائی وباند بنی‌صدر به اجرا درآمد وهم اکنون نیزمتاسفانه علی‌رغم گامهای مثبتی که درجهت تحکیم وتقویت این روابط برداشته می‌شود، برخی محافل دانسته ویا ندانسته همچنان دراین روابط اخلال می‌کنند.

اخلال در روابط میان جمهوری اسلامی ایران وکشورهای انقلابی منطقه، چون سوریه، الجزایر، لیبی و نیز جنبش های رهائی‌بخش منطقه، چون جنبش آزادی بخش فلسطین، ازجمله سیاست‌های پیگیر امپریالیسم آمریکاست. آمریکا می‌کوشدکه با استفاده از عمال نهان و آشکار خود، به‌شکل‌های مختلف و بااجرای توطئه‌های رنگارنگ روابط میان جمهوری‌اسلامی ایران وکشورهای عضو "جبههٔ پایداری" را،

بقیه در صفحه ۳

خطر واقعی امپریالیسم آمریکاست

حجت‌الاسلام ، هاشمی رفسنجانی ، رئیس مجلس شورای اسلامی ، پس از پایان جلسه "شورای عالی دفاع" ، در روز شنبه ۲۶ دیماه ۶۰ ، طی مصاحبه‌ای از جمله در مورد "**موج‌تبلیغاتی جدید روزنامه‌های آمریکائی مبنی براینکه شوروی سیل اسلحه به‌ایران سرازیرکرده‌است**" ، گفت :

"**غربی‌ها بطور کلی لولوئی که برای مردمشان درست کرده‌اند ، شوروی است وهرجا بخواهند (برای اجراء) برنامه‌هائی که‌دارند ، افکار عمومی مردمشان را آماده کنند ، متوسل به‌این مطلب میشوند .**"

سخن کاملا درستی است . در واقع نیز پایه‌ٔ تبلیغاتی تمام سیاست امپریالیسم ، ازفردای پیروزی انقلاب کبیرسوسیالیستی اکتبر در روسیه تا امروز ، "**لولوی‌شوروی**" ، خطر موهوم شوروی‌بوده وهست .

بعد از شکست تهاجم نظامی ۱۴ کشور امپریالیستی به کشورنوپای شوروی ، امپریالیسم جهانی ، که درآن زمان سرکردگی آن برعهدهٔ دولت "فخیمه "انگلستان بود ، زیر عنوان خطرموهوم شوروی و لزوم ایجاد "**کمر بند صحی**" به‌دورشوروی ، سعی در حفظ مستعمرات خود نمود ، هر جنبش استقلال طلبانه‌ای را غرق در خون کرد ، به‌غارت‌تمام "جهان‌آزاد !" ادامه‌داد ، درکشور ما رضاخان را با یک کودتای نظامی حاکم کرد ، دستاوردهای انقلاب مشروطیت را منکوب کرد ، خلق ستمدیده‌مارافشرده ترازگذشته به‌زنجیر کشید ، ثروت ملی و دسترنج خلق زحمتکش ما را به غارت برد .

امپریالیسم ازسالهای ۲۰ به‌بعد فاشیسم را درایتالیا وآلمان ، زیر عنوان دفع "خطرشوروی" ، بوجودآورد ، محوربرلن ـ رم ـ توکیو یا "پیمان **ضدکمینترن**" ، زیرهمین عنوان توجیه شد . دولت فاشیستی آلمان‌هیتلری ، که میخواست "نظام‌نوین!" در سراسر جهان‌برقرارکند ، یعنی سراسر جهان رازیر سلطه امپریالیسم آلمان بگیرد ، بعنوان لزوم دفع خطر موهوم شوروی آن‌ماشین‌عظیم‌جنگی را بر پاکرد و جهانی را به خاک وخون کشید . در کشورما ، شبکه‌جاسوسی آلمان‌هیتلری یاباصطلاح "ستون‌پنجم" ، زیر همین عنوان "خطر شوروی "گسترده‌شدومورد حمایت‌رضاخان‌قرارگرفت .

بعد ازجنگ دوم‌جهانی وشکست آلمان‌هیتلری‌وایتالیای‌موسولینی و میلیتاریسم ژاپن در شرایط ضعف انگلستان ودیگردولتهای‌امپریالیستی اروپا ، امپریالیسم امریکا سردمدار امپریالیسم جهانی شد وسیاست سلطه‌گرانه او باز زیرعنوان "خطر شوروی" به‌مرحلهٔ‌اجرا گذارده‌شد . سیاست نظامیگری‌امریکا ، پیمان‌نظامی "ناتو" پیمان‌نظامی "بغداد" وسپس "سنتو" پیمان‌نظامی "سیتو" ، پیمان های نظامی دوجانبه امریکا با ۴۳ کشور درجهان ، برقراری شبکه پایگاه های نظامی امریکا در سراسر "جهان‌آزاد!" وبدین‌وسیله سلطهٔ زور مندانهٔ امپریالیسم نواستعمارگر امریکا وغارت بی‌حدو مرز خلق‌های تمام کشورهای این "جهان‌آزاد!" ، تاز اندن مسابقه تسلیحاتی ، جنگ‌های‌محلی ومنطقه‌ای همه‌وهمه‌زیرعنوان لزوم دفع "خطر شوروی" اجرا شد . درکشورما کودتای ۲۸ مرداد ، بدنبال تبلیغات‌گوش‌خراش "خطرشوروی" وانحراف افکار عمومی بسوی این "لولو" ، به وسیلهٔ سازمان‌جاسوسی امریکا و به رهبری "**مسترایران**" (لقبی که در "**سیا**" به **کرومیت روزولت** ـ اجراکنندهٔ نقشهٔ کودتای ۲۸مرداد ـ دادند) ، انجام گرفت .

امروز نیز تمام سیاست‌سلطه‌گرانه وغارتگرانه و تجاوز کارانه امپریالیسم به‌سرکردگی امریکا ، چه نسبت به‌خلقهای‌کشورهای امپریالیستی وچه نسبت به دیگر خلق‌ها . با "لولوی‌شوروی" ، با "خطر کمونیسم" ، توجیه‌میشود . دولت امریکا هرساله‌از بودجهٔ‌خدمات اجتماعی میکاهد ، میزان اخذ مالیات را از انحصارات بزرگ کاهش میدهد ، و در عوض مبالغی نجومی به‌گاوصندوق های انحصارات اسلحه سازی فرومی‌ریزد ، مهارتورم را رهامیکند ، ده‌میلیون انسان را دچار بیکاری میکند ، ۳۰ میلیون رنگین پوست وسفید پوست را به‌خاک سیاه‌میشاند ، تا از "خطر شوروی "جلوگیرد . تمام دیگر کشورهای امپریالیستی متحد امریکا نیز به‌همین‌ترتیب عمل میکنند و به‌همین بهانه .

در منطقهٔ خاورمیانه تمام عملیات اسارتگرانه وغارتگرانه و تجاوزکارانه امپریالیسم به‌سرکردگی امریکا ، پیمان‌های نظامی ، گسیل سیل اسلحه ، تاراج منابع نفت ، سرکوب خونین جنبش‌های آزادیبخش ، سعی در شکستن استقلال کشورهای مستقل ، افروختن آتش جنگ‌های محلی ، همه همراه با دمیدن‌درکرنای تبلیغات گوش‌خراش مقابله با "خطرشوروی" و "خطر کمونیسم "انجام‌میگیرد .

از فردای پیروزی انقلاب‌اسلامی ضدامپریالیستی ومردمی ایران نیز ، چنانکه دیده‌ایم ، "مترسک" شوروی با باد دروغ به اهتزاز درآمد "روسیه" و "خطر"آن در تمام دوران کیابیای جریان خط‌امریکائی لیبرال‌ها وماثوئیستهای امریکائی ـ چینی و وماثوئیست‌های مسلمان‌نما ، از زبان نمایندگان‌وسخن‌گویان‌این جریان ، از "**رنجبر**" گرفته‌تا **بنی صدر**نیفتاد . دستگاه عظیم‌تبلیغات امپریالیستی و ، هم ‌زبان با این دستگاه ، تمام عمال امپریالیسم درایران تمام "جاده‌صاف کن‌های "امریکا ونیز ، متاسفانه ، برخی افرادی که‌تحت تاثیر تبلیغات درازمدت‌امپریالیستی‌قرارداشتند ، "لولوی‌شوروی" راعلم‌کردند . هرچندی‌یک‌بار دروغ سازان‌تبلیغات‌امپریالیستی ارتش شوروی را برای "حمله به‌ایران" ، درآنسوی مرزها متمرکز کردند ودشمنان دانا و دوستان‌نادان نیزاین دروغ را تکرار کردند . **قطب‌زاده** "تانک‌های روسی" را از "افغانستان به‌سوی‌ایران" روان ساخت‌وفغان سرداد که "خطر" از اینجاست . به‌هر عمل ضدانقلابی ، بر چسب "روسی" و "کمونیستی" زدند . قاسلموی‌ضدانقلابی عامل "روسیه" و شورش ضدانقلابی در کردستان "کمونیستی" معرفی شد . بلوای "خلق مسلمانیها" در تبریز با سریش دروغ به "روسیه" وصل‌شد . برمبنای‌سناریوی "مکزیکو ـ تبریز" ، که با همکاری تبلیغات دروغین امپریالیستی از خارج‌وضدانقلاب وعناصر ساواکی از داخل سرهم بندی گردید ، یاد داشت اعتراض‌ازسوی **قطب زاده**به شوروی تسلیم شد . امریکا ومتحدان خارجی و داخلی او شب وروز برطبل "خطر شوروی" کوبیدند ، تا دستور **کارتر ـ برژینسکی** ـ بهره‌برداری از "حسن‌ظن ضدشوروی" ـ اجرا شود و رژیم خمینی "از حمایت‌شوروی محروم‌گردد وجمهوری‌اسلامی ایران ... [illegible]

"مترسک "شوروی تدوین واجرا شد : آنگاه‌که‌امید آمریکا به مسخ انقلاب ایران ، به‌کمک لیبرال‌ها ، تا آن جا پیش رفت که‌ملاقات‌سران دولت‌موقت با **برژینسکی** سازماندهی شد ، بر دهل تبلیغات "خطر شوروی" با شدت بیشتری نواخته‌شد . درآستانه‌کودتای نوژه ، باز برای‌انحراف افکارعمومی از خطر واقعی به‌سوی خطر موهوم ، این ساز و دهل بیشتر به صدا درآمد . در آستانه تهاجم صدام‌جنایتکار**بنی‌صدر** خائن طوطی‌وار ورد "روسیه ، روسیه" گرفت . سازندگان "لولوی‌شوروی" تا آنجاگستاخ وبیشرمند که‌حتی کوشیدند تهاجم امریکائی صدام را بدنوعی به "کرملین" بچسبانند . هر روز به‌دروغ اسلحه "روسی" از بندرعقبه به عراق فرستادند .

امروز نیز که امریکا انواع برنامه‌ها را برای شکست قهرآمیز انقلاب وجمهوری‌اسلامی ایران تدوین کرده ودرصدد اجرای‌آنهاست ، باز موج تبلیغات "جدید" ی‌برای‌انحراف افکاروانظار ازخطر واقعی به‌سوی خطر موهوم شوروی به‌حرکت آمده‌است . گرد وخاک "خطرشوروی" باید چشمها را کورکند ، تانبینند که پاکستان بدستور وبه‌کمک امریکا علیه انقلاب وجمهوری اسلامی ایران در کار تدارک مسلحانه است ، که "شورای‌همکاری‌خلیج (فارس) یک‌پیمان‌نظامی تجاوزی است علیه انقلاب‌وجمهوری‌اسلامی‌ایران ، که‌ترکیه پایگاه‌ضدانقلاب‌مسلح "ایرانی" شده است ، که‌عربستان علیه‌انقلاب‌وجمهوری اسلامی ایران تادندان مسلح به‌اسلحه مدرن‌میشود ، که‌مصر به‌سرعت بدل به‌پایگاه‌نظامی امریکا میشود . . . که هرچه سلطان وملک وشاه و شیخ‌ومفتی ودیکتاتور وژنرال درمنطقهٔ‌خاورمیانه هست ، به‌فرمان‌امریکای‌جنایتکار ، به جنب وجوش افتاده‌اند ودست در دست یکدیگر داده‌اند ، تا زیر "چتر" نیروهای "واکنش‌سریع" ومتکی به پایگاههای‌نظامی امریکا در منطقه ، در "فرصت مناسب" به‌ایران حمله ور شوند وجمهوری‌اسلامی ایران رااز صفحهٔ روزگار برچینند .

اگر به‌تبلیغات امپریالیستی (امپریالیسم خبری) باور کنیم ، جمهوری‌اسلامی ایران از هیچ سو در معرض هیچگونه‌خطری نیست ، جزآن که درمعرض "خطرروسیه" است . این "خطر" نیزهم "خزنده" است وهم "جهنده"! امپریالسیم خبری "خطر خزنده" رابرای شما شرح‌میدهد : هر روز و هر روز چند بار تکرارمیکند که "روسیه" همه‌جا درایران نفوذ کرده است ، سازمان‌اطلاعات ایران رااداره میکند ، سیل اسلحه‌به ایران میفرستد قرارداد‌پشت قرارداد با ایران‌می‌بندد ، "کوپونیسم" را درایران‌اجرا کرده ، که‌همان "کمونیسم" است ، صف گوشت بوجودآورده ، که‌باز همان "کمونیسم" است ، بازرگانی‌خارجی را میخواهد دولتی کند ، که باز همان "کمونیسم" است ، زمین رامیخواهد ازفئودالهابگیرد وبه دهقانان‌بدهد که "کمونیستی" است ، تعاونی ها را بوجودمیآورد ، که بازهم "کمونیستی" است . . . ونیزحزب توده‌ایران ، که "ستون‌پنجم روسیه" است و "دقیقا" ... [illegible]

... خزنده‌روسیه دفع شود؟ باید با شوروی قطع رابطه کرد ، حداقل رابطه‌را تیره‌کرد ، "مرگ برشوروی" را شعارکرد ، بااین‌کشور هیچ‌معامله ای نکرد ، خلاصه دستور **برژینسکی** را اجراکرد . درداخل نیز باید قلم حزب‌توده‌ایران را شکست ، زبان او راقطع کرد ، دست وپایش رابرید وآنرا بی‌ریان کرد تاخیال ضدانقلاب از این بابت نیز راحت شود .

اگر به تبلیغات امپریالیسم خبری باورکنیم ، وجود مناسبات دوستانه با اتحادشوروی و با "شرق" همان "خطر روسیه" است‌ووجودحزب توده‌ایران نیز همان "خطر کمونیسم" است ، ودرنتیجه اصولا انقلاب اسلامی ایران وجمهوری اسلامی‌ایران چیزی نیست ، جز "خطرشوروی" و "خطرکمونیسم" ، که امریکا و همهٔ سگان‌زنجیریش حق دارند به جان او افتند وآنرا قطعه قطعه‌کنند ، تا آش همان‌آش "شاهنشاهی "بشود وکاسه همان‌کاسهٔ "عموسام"!

علاوه‌براین ، "خطر جهنده روسیه" را هم باید در نظر گرفت . نیروهای نظامی محدود شوروی ، نه‌بر مبنای‌قرارداد دوستی وهمکاری بین افغانستان‌وشوروی ونه پیرو تقاضای مکرر دولت افغانستان برای جلوگیری ازیک‌تهاجم ضدانقلابی مسلح نوع صدامی ازخاک‌پاکستان ، به‌افغانستان وارد شده ، بلکه برای "اشغال" و "تصرف" افغانستان است . پس چنین "بلائی" ممکن است برسرایران هم‌فرود آید . پس شما متوجه این "خطر" باشید ، واگر "عقل" دارید میتوانید برای جلوگیری از وقوع این "خطر" با امریکا نیز علیه "دشمن مشترک" همکاری کنید . "**دموکراسی امریکا بقدری قوی‌است که‌میتواند از اشتباهات گذشتهٔ خود پشیمان‌شود**" و دوباره "**مثل سابق**" (به گفتهٔ **برژینسکی**) "**استقلال "ایران**" را تامین کند!

چنین است شکل و محتوای تبلیغات امپریالیستی‌که از جانب محافل معینی ، متاسفانه ، هزار بار متاسفانه ، در رسانه‌های گروهی‌کشور ما نیزبیش وکم‌انعکاس پیدا می‌کند .

موج‌تبلیغات جدید امپریالیسم خبری دربارهٔ "خطرشوروی" ، خود علامت خطر نزدیک و جدی‌امریکااست .

دراین‌مقال‌اشاره‌کردیم ، درگذشته نیز گفته‌ایم وبازهم تکرارمیکنیم که : هرگاه بوق وکرنای "خطرشوروی" با شدت بیشتری به‌صدادرمیآید ، علامت این است‌که‌خطر واقعی شیطان‌بزرگ ـ امریکا نزدیک‌تر وجدی‌تر است . درست‌است که "خطر شوروی" در تبلیغات امپریالیستی برای جهان ، برای هر منطقه و برای‌هر کشور همیشگی است . این‌دروغ مبنای تبلیغاتی سیاست امپریالیسم‌است و درنتیجه حتی در دوران رژیم دست‌نشانده شاه خود‌فروخته و وجدان باخته نیز سلطه ضدخلقی امریکا بر کشور ما بر بوسیله تبلیغاتی مقابله با "خطرشوروی" برقرار شد . ونیز درست‌است‌که‌درایران‌امروزی ما ، تاانقلاب وجمهوری‌اسلامی ایران ، برپاست ، تانیروهای‌انقلابی راستین ، اعم‌از مسلمان ومذهبی وغیر مذهبی ، وجوددارند ، این تبلیغ دروغ "خطر شوروی" نیز وجود خواهد داشت . ولی‌هرگاه‌برشدت این دروغ همیشگی افزوده‌می‌شود ـ چنان‌که‌در دوران‌اخیر برشدت آن افزوده شده است ـ علامت این است که خطر امریکا نزدیکتر و جدی تر است . پس باید هشیاربود ، باید صدبار وهزار بار بیش ازگذشته هشیار بود .

خوشبختانه‌سخنان رئیس مجلس بیانگر این‌هشیاری است . آری ، امپریالیسم امریکاودستیاران وتفاله‌هایش "لولوی "شوروی را بازعلم‌کرده‌اند ، تا "برنامه‌های‌"خود را در ایران اجرا کنند . واین "برنامه‌ها" چیزی نیست ، جزشکستن قهرآمیز انقلاب اسلامی‌ضدامپریالیستی‌ومردمی‌ایران و یامسخ‌آن‌ازدرون . لذاپیشبرد برنامه‌های انقلابی برای جلوگیری از مسخ انقلاب وتدارک همه‌جانبه برای دفع خطر تهاجم قهرآمیز ضد انقلابی امریکائی ، دووظیفه مبرم وحیاتی است ، که در انجام‌آنها کوچکترین غفلت وکمترین تعلل به‌هیچ‌روی وتحت هیچ‌عنوانی جایز نیست . شانتاژ امریکائی و "لولوی" امریکا ساخته را باید با شجاعت‌انقلابی شکست‌وانقلاب رابه‌رهبری‌امام‌خمینی وباتکیه بر قدرت انقلابی توده‌های میلیونی مستضعفان کشور ، باگام‌های بلند واستوار به سوی پیروزی‌های نهائی به پیش برد .

*** شانتاژ امریکائی و "لولوی "امریکا ساخته را باید باشجاعت‌انقلابی شکست وانقلاب را به رهبری امام خمینی و باتکیه بر قدرت انقلابی توده‌های میلیونی مستضعفان کشور ، با گام‌های بلند واستوار به‌سوی پیروزی نهائی به‌پیش برد .**

* پیشبرد برنامه های انقلابی برای جلوگیری از مسخ انقلاب و تدارک همه‌جانبه برای دفع خطر تهاجم قهرآمیز ضدانقلابی آمریکائی ، دو وظیفهٔ مبرم وحیاتی است ، که‌در انجام آنها کوچکترین غفلت وکمترین تعلل به هیچ‌روی وتحت هیچ عنوانی جایز نیست .

*** پایهٔ تبلیغاتی تمام سیاست اسارتگرانه ، غارتگرانه وتجاوزکارانهٔ امپریالیسم به‌سرکردگی امریکا ، دروغ‌سازی و دروغ‌پراکنی دربارهٔ "خطر شوروی" و "خطر کمونیسم" است .**

*** هروقت تبلیغات دروغ امپریالیسم خبری درباره "خطرشوروی" و "خطرکمونیسم "شدت می‌گیرد ، باید یقین کرد که خطر امپریالیسم به سرکردگی امریکا نزدیک‌تر و جدی‌تر است .**

توضیح

بعلت تراکم مطالب مقالات "سرگذشت رنج‌ورزم‌خلق قهرمان فلسطین" و "متحدان بنی‌صدر ـ سرمایه داری لیبرال ایران" دراین هفته چاپ نشد . درشماره آینده به چاپ آنها می‌پردازیم .

تصحیح

درمقاله "مجمع مس سرچشمه" (اتحادمردم ، شمارهٔ ۱۱۱) دواشتباه چاپی‌رخ‌داده‌که بدینوسیله تصحیح‌میشود :

ـ مبلغ‌سرمایه‌گذاری ۱۱ میلیاردتومان است ، که‌اشتباها ۱۱میلیون تومان چاپ‌شده .

ـ تولیدروزانه ۴۰۰ تن مس خالص است ، که‌اشتباها ۴۰ تن چاپ شده .

درسخنان حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی (اتحاد مردم ـ شماره ۱۱۲) :

" . . . چه‌خیلی‌زیاد . . ." اشتباه است . ". . . نه خیلی زیاد . . ." درست است .

توطئهٔ امپریالیسم ...

بقیه از صفحه ۱

که نهال اتحاد و همبستگی آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ در منطقه روئیدن گرفت، تیره سازد. امپریالیسم آمریکا سعی دارد که با برهم زدن این روابط نوپا، انقلاب اسلامی ایران را از نعمت پشتیبانی این گروه از متحدان خود محروم سازد.

با پیروزی انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی در ایران توطئه تیره ساختن روابط جمهوری اسلامی ایران و کشورهای انقلابی منطقه، با مساعدت لیبرال‌های وطنی، مائوئیست های آمریکایی و همه عناصر جبهه سازش و تسلیم، به کار افتاد. نقشه این توطئه در لانه جاسوسی آمریکا در تهران طراحی و در ملاقات‌های ویژه سران لیبرال ها با "ماموران سفارت" به آنها ابلاغ شد. اسناد لانهٔ جاسوسی، که توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام منتشر شده است، پرده از بخشی از چارچوب و مضامین "این گفتگو" ها و "ملاقات" ها برداشته است. در این اسناد، از جمله به "ملاقاتهای سازنده‌ای" که به منظور تبادل اطلاعات در مورد سیاست‌هایی که می‌بایست از سوی دولت ایران در قبال کشورهای عضو "جبههٔ پایداری" اتخاذ شود، اشاره شده است. این اسناد همچنین حاکی از رهنمودهایی از چگونگی اعمال این سیاست‌هاست، که توسط مامورین "سیا" به عمال آن در دولت موقت داده می‌شد. ببینیم اسناد لانهٔ جاسوسی آمریکا در مورد ابعاد این توطئه چه می‌گویند:

طرح نقشه در لانهٔ جاسوسی آمریکا

"ناس" سرجاسوس آمریکا در تهران، در نامه‌ای "سری به مرکز "سیا" در واشنگتن، ماحصل گفتگوهای خود را با عباس امیرانتظام چنین بیان می‌دارد:

"در ملاقات کاردار با انتظام یک بار دیگر علاقه دولت ایران به مبادلهٔ اطلاعات ابراز گردید... در ملاقات ۲۶ مه (امیرانتظام) افزود که دولت موقت نگران مداخله عراقی‌ها در خوزستان و فعالیت فلسطینی‌ها و لیبیایی‌هاست". (کتاب اسناد لانه جاسوسی، جلد ۱۰، ص ۶۴)

همچنین:

"... امیرانتظام گفت که دولت موقت اطلاع یافته است که جرج حبش اخیرا از چند منطقه خلیج فارس دیدن کرده است. او افزود دفتر فلسطین در اهواز موجب نگرانی دولت شده است". (همانجا)

پس از این ملاقات‌ها و معین شدن چارچوب "اطلاعات"، توطئه به جریان افتاد. ابتدا "سفارت" دست بکار شد و طی نامه‌ای به واشنگتن، درباره ارسال اطلاعات برای اجرای توطئه، از وزارت خارجه آمریکا استمداد جست:

"... خوزستان مرکز فعالیت فلسطینی‌ها و لیبیایی‌هاست (توجه کنید فقط فلسطینی‌ها و لیبیائی‌ها ــ اتحاد مردم) اگر وزارت قبول کند که خطر مبادله اطلاعات درباره فعالیت های خرابکارانه فلسطین و لیبی و عراق به امکان روابط و همکاری نزدیک ما و دولت ایران می‌ارزد، لذا سند این اطلاعات را جهت دادن به انتظام درخواست کنید". (همانجا)

مدتی بعد، در خرداد ۵۸، سفارت آمریکا در تریپولی، پایتخت لیبی، که درعین حال از اقدامات لیبی برای حمایت از انقلاب اسلامی ایران و نیز سفر عبدالسلام جلود نخست وزیر این کشور به ایران، برای ابراز این پشتیبانی، اطلاع یافته بود، ضمن ارسال "اطلاعاتی" برای "سفارت آمریکا در تهران" یادآور شد که می‌توان با استفاده از مسئله ناپدید شدن "امام موسی صدر"، که توسط خود جاسوسان آمریکا صورت گرفته، ولی به نام لیبی تمام شده بود، بهره‌برداری کنند. به این سند توجه کنید:

"از سفارت آمریکا در تریپولی به سفارت آمریکا در تهران

... دریافت نسخه‌ای از هر گونه گزارشی که درباره فعالیت‌های خرابکارانه لیبی در ایران، که برای ارائه کردن به انتظام تهیه شده باشد، باعث تشکر و قدردانی خواهد بود. از آنجا که به نظر می‌رسد مسئله لیبی احتمالا در مذاکره‌ای که در تهران با انتظام در پیش است، مطرح خواهد شد، دریافتن نظریات معاون نخست‌وزیری امیرانتظام، در مورد مسافرت جلود به ایران و توضیحات لیبی در مورد وضعیت امام موسی صدر، موجب امتنان و سپاس خواهد شد". (کتاب اسناد لانه جاسوسی، جلد ۱۰، ص ۶۶)

این مبادله "اطلاعات" درست زمانی صورت می‌گرفت که دولت لیبی با فرستادن نخست وزیر خود **عبد ــ السلام جلود** به تهران، همهٔ امکانات خود را برای پشتیبانی از انقلاب اسلامی ایران در اختیار رهبران انقلاب قرار می‌داد. لیبرال‌های نهضت آزادی، که در این زمان در راس دولت موقت جمهوری اسلامی ایران قرار داشتند، بر اساس "اطلاعات" دریافتی از "سفارت آمریکا در تهران"، فعالیت خود را زیر پوشش تحقیق در مورد "**امام موسی صدر**" آغاز کردند. آنها کوشیدند که روابط میان جمهوری اسلامی ایران و کشور انقلابی لیبی را تیره سازند و مانع ملاقات جلود با رهبران درجهٔ اول انقلاب اسلامی ایران شوند. در همین ارتباط، مهندس مهدی بازرگان رئیس دولت موقت لیبرال‌ها، با افتخار اعلام کرد که او از برقراری رابطه میان جمهوری اسلامی ایران و لیبی جلوگیری کرده است:

"بگذارید این نکته را بگویم که، علی‌رغم میل شدید و نیاز دولت لیبی برای برقراری روابط با ما، عدم موفقیت آنان در این زمینه از لحاظ بین المللی بسیار اهمیت دارد. آقای جلود هنگام مسافرتش به ایران در مورد برقراری ارتباط با لیبی تمنای توام با تهدید می‌نمود و اظهار داشت که ایادی صهیونیست و آمریکا مانع برقراری روابط هستند. من به صراحت گفتم که خیر آقا، اینطور نیست. مسئله خیلی روشن است. مسئله امام موسی صدر است". (اطلاعات ۱۲ مهر ۵۸)

ملاحظه می‌کنید که رئیس دولت موقت خود اعتراف می‌کند که با سوءاستفاده از مسئله مفقود شدن "امام موسی صدر" (که سفارت آمریکا تاکید بسیار در استفاده از آن را داشت) با ایجاد روابط میان جمهوری اسلامی ایران و لیبی مخالفت کرده است. لیبرالها حتی کار را به توطئه‌چینی علیه لیبی کشاندند و سخن از "گروگان گیری جلود" به میان آوردند:

"ایادی لیبی در ایران دست به تحریکات می‌زنند." (از سخنان سید صادق روحانی، اطلاعات ۳۱ اردیبهشت ۵۸)

و نیز:

"نخست‌وزیر لیبی را می‌خواستیم بعنوان گروگان در ایران نگه‌داریم... سفر جلود نخست‌وزیر لیبی به ایران برخلاف میل ما بود و در نظر داشتیم وی را تا زمانی که لیبی امام موسی صدر را زنده یا مرده تحویل ندهد، به‌عنوان گروگان نگه داریم". (همانجا)

بدین ترتیب، پرده اول از توطئه ادارهٔ مرکزی جاسوسی آمریکا ــ "سیا" با کمک لیبرالهای "نهضت آزادی" به روی صحنه آمد. در این جا باید یادآور شد که این توطئه درست زمانی صورت گرفت که "سفارت آمریکا در تهران" بسیار فعال بود و "اطلاعات" و "رهنمودهای" خود را مستقیما در اختیار دولت موقت لیبرال ها قرار می‌داد و آنان نیز با استفاده از "مراجع قانونی و "اختیارات" دولتی" چه در صحنهٔ داخلی و چه در صحنهٔ خارجی، برای اخلال در روابط میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای انقلابی آنچه که خواستند و توانستند، کردند.

حملهٔ تبلیغاتی مداوم به سوریه و لیبی

لیبرالها وقتی که از قدرت سیاسی خلع شدند و ارگان خود را انتشار دادند همزبان با بقیه متحدین خود در جبهه متحد ضد انقلاب، یک آن از سمپاشی علیه کشورهای مترقی عرب غافل نماندند.

"میزان" "ارگان لیبرال های "نهضت آزادی"، با انتشار مقالاتی، بطور منظم به تحریک و توطئه‌چینی علیه کشورهای لیبی و سوریه پرداخت. از جمله "میزان" در شماره ۱۹، نهم مهر ماه ۵۹ خود، با چاپ مقاله‌ای تحریک آمیز با نام "درحاشیه وحدت سوریه و لیبی"، به تخطئه وحدت این دو کشور پرداخت و کوشید با "غیراسلامی" معرفی کردن این کشورها، آنها را دشمنان انقلاب اسلامی ایران قلمداد کند:

"قذافی اعتماد به نوعی سوسیالیسم ویژه عربی با اشاراتی به اسلام دارد. البته از نوع قذافی آن"

و: "در لیبی سنگینی روسیه در حیات سیاسی این کشور غیرقابل انکار است. همگونی فراوان آراء و عقاید سیاسی واقتصادی و نظامی جناح غالب هیئت حاکمه لیبی با روسیه نیز که در قرارداد ــ های سیاسی، نظامی، اقتصادی تبلور

تبدیل شود، در هر سخنرانی و نوشته‌ای نوک‌تیز حمله را متوجه دوستان انقلاب اسلامی ایران، از جمله کشورهای عضو "جبهه پایداری" میکرد. برای مثال، بنی‌صدر در یکی از سخنرانی‌های خود دربارهٔ این کشورهای انقلابی چنین گفت:

"لیبی، الجزایر و سوریه بندهای وابستگی بسیار بر دست و پای خود دارند." (انقلاب اسلامی، ۱۷ دی ۵۹)

یاران مائوئیست بنی‌صدر هم در اجرای این سیاست پیگیری بی همتایی از خود نشان دادند. گروهک مائوئیستی ــ آمریکائی "رنجبران" تا آنجا پیش رفت که در ورق‌پاره "رنجبر" برقراری رابطه با کشورهای عضو "جبهه پایداری" را "محکوم" میکرد و سیاست دوستی با کشورهای انقلابی منطقه را لجن مال می‌ساخت.

بدین ترتیب، در طول یکسال و نیم پس از انقلاب بهمن، لیبرال های "نهضت آزادی"، باند بنی‌صدر و

مشکوکی از سوی "حزب کمونیست لیبی" که اصلا وجود خارجی ندارد، منتشر شد، که در آن بازهم با طرح مسئله "امام موسی صدر"، لیبی را مورد اتهام و حمله قرار داد.

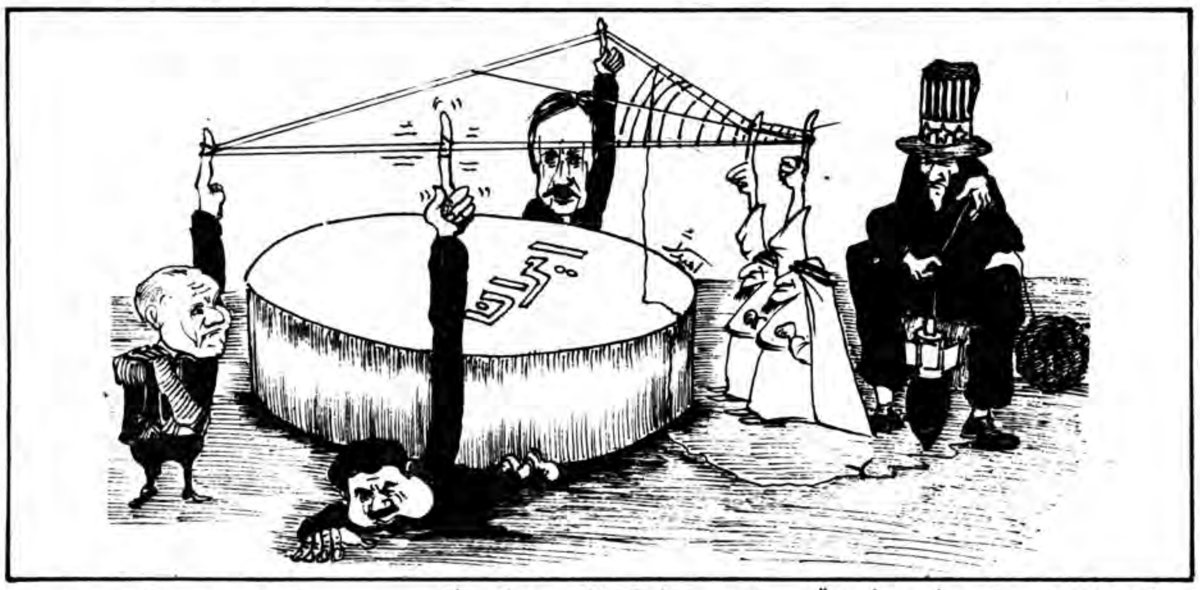
دستهائی نیز در کارند تا روابط جمهوری اسلامی ایران و سوریه را تیره سازند. برای مثال روزنامه "تهران تایمز" که به زبان انگلیسی در تهران منتشر می‌شود، در تاریخ ۱۸ شهریور ۶۰، در سر مقاله‌ای بدون امضا، در ارتباط با استقرار موشک‌های سوری در لبنان، چنین نوشت:

"سوریه بطور غیر رسمی موافقت خودرا با خروج موشک‌های خود از لبنان اعلام داشته است و از این موشک‌ها علیه اسرائیل استفاده نخواهد کرد."

و یا در سرمقاله‌ای به تاریخ ۱۱ شهریور ۶۰، "تهران تایمز" ادعا کرد که:

"رژیم سوریه با اسرائیل روابط مخفیانه دارد."

باردیگر همین روزنامه، در سر ــ مقاله ۲۷ مهر ۶۰ خود نوشت:



می‌یابد نشانه این سنگینی نامیمون است".

و در مورد سوریه: "تکیه و تمایل و همسویی سیاسی، اقتصادی، نظامی سوریه با ابرقدرت شرق از جانب جناح غالب در هیئت حاکمه سوریه، باعث تشدید تضادهای درونی خود هیئت حاکمه شده و این کشاکش عرصه را بر نیروهای ملی، مستقل اسلامی جامعه تنگ‌تر کرده است."

دور دوم توطئه تیره ساختن روابط جمهوری اسلامی ایران و جبههٔ پایداری، با به جریان افتادن دوباره پرونده مفقود شدن "امام موسی صدر" و بهره برداری لیبرال‌ها از این حادثه آشکارتر به اجرا درآمد. روزنامه "کیهان"، که در آن موقع تحت سرپرستی ابراهیم یزدی قرار داشت در این باره چنین نوشت:

"برخلاف ادعای لیبی تمام اسناد ومدارک دال بر این است که امام موسی صدر خاک لیبی را ترک نکرده و هنوز در لیبی اسیر است" (کیهان، ۵۹/۲/۳۰)

"میزان" نیز با درج مقاله‌ای با نام "ناپدید شدن امام موسی صدر" (شماره ۱۹ــ ۹ مهر ۵۹) همین اراجیف را بدنبال هم ردیف کرد.

آماج دیگر این توطئه تیره ساختن روابط جمهوری اسلامی ایران و جنبش انقلابی فلسطین بود. "میزان" در این زمینه هم بطور منظم اقدام به درج مقالات تحریک آمیز و خصمانه‌ای علیه فلسطین میکرد، که از آن جمله‌اند: "یاسرعرفات شما چرا؟" (میزان شماره ۲۲، سیزدهم مهر ۵۹)، "سازمان آزادی بخش فلسطین در تلاش برای صلح" (میزان، شماره ۱۸، هشتم مهر ۵۹) "نامه‌ای به برادر ابوعمار" (میزان، شماره ۲۲، سیزدهم مهر ۵۹)، "یاسر عرفات چگونه میتوانید پس از این موضع خودرا در جریان توجیه کنید" و ...

خرابکاری بنی‌صدر و مائوئیست‌ها

جناح دیگر جبههٔ متحد ضد ــ انقلاب، یعنی باند ابوالحسن بنی‌صدر و مائوئیست‌های آمریکایی نیز برای اجرای این توطئه به اشکال دیگر در تکاپو بودند. بنی‌صدر، که در این زمان میرفت به رهبر جبههٔ متحد ضد انقلاب

مائوئیست‌های آمریکائی و دیگر تفاله ــ ها، دست در دست یکدیگر، کوشیدند تا انقلاب ما را از نعمت برخورداری از روابط دوستانه با کشورهای انقلابی منطقه محروم سازند.

خوشبختانه واقعیات زنده زندگی و دفاع بی‌پیرایه این کشورها از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران توانست خود را از میان گرد غباری که دشمنان انقلاب به پا کرده بودند، نشان دهد. در این ارتباط همه مسئولان صدیق و متعهد درجه اول جمهوری اسلامی ایران و به‌ویژه رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به موقع این توطئه را خنثی ساختند. امام خمینی در ملاقاتی با "جلود" دربارهٔ این توطئه‌ها چنین گفتند:

"این تهمت را اجانب برای تفرقه اندازی میزنند".

"حجت‌الاسلام خامنه ای امام جمعه وقت تهران و رئیس جمهوری اسلامی ایران در خطبهٔ نماز عید قربان ۵۹، درباره کشورهای عضو "جبهه پایداری" از جمله چنین گفت:

"ما از دولت برادر الجزایر و دولت لیبی و دولت سوریه، به خاطر اینکه موضع گیری درست در مورد جنگ ایران با قدرت‌های امپریالیستی نشان دادند، سپاسگزاریم."

ولی متاسفانه توطئه ادامه دارد

لیبرال‌های "نهضت آزادی" از قدرت سیاسی کنار زده شدند مائوئیست های آمریکائی سرکوب شدند و بنی صدر سقوط کرد، و بدین ترتیب گروهی از پیگیرترین مخالفان رابطهٔ جمهوری اسلامی ایران با کشورهای انقلابی منطقه از سر راه برداشته شد؛ اما باطلاق این توطئه متاسفانه هنوز خشک نشده است. هنوز هستند محافل کاملا مشکوکی که باز میکوشند رابطه میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای سوریه، لیبی، الجزایر وجنبش انقلابی فلسطین را تیره سازند. اینبار تفاله‌های آمریکائی از نوع کشمیری ها و کلاهی ها، اینجا و آنجا، در کارند تا در روابط میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای انقلابی منطقه اخلال کنند.

چندی پیش در تهران توسط شبکهٔ گستردهٔ ضد انقلاب اعلامیهٔ

" (برادران مسلمان سوریه بهنگام ادای فریضه حج) از روابط نزدیک جمهوری اسلامی ایران با دولت غیرمردمی سوریه وابسته به شوروی ابراز نارضایتی کردند."

سفارت سوریه در تهران با ارسال نامه‌ای برای همه روزنامه‌های ایران پرده از این توطئه‌های امپریالیستی برداشت و ضمن تکذیب همه این مطالب، تصریح کرد که این موشک‌ها همچنان در جای خود مستقر هستند.

"امپریالیسم خبری" هم در این میان برحسب وظیفه بیکار نیست. وقتی در اوایل آذرماه گذشته، ضد انقلا بیون با انفجار بمبی در دمشق دهها نفر را کشتند و مردم این شهر دست به راه‌پیمایی عظیمی علیه آمریکا زدند، "امپریالیسم خبری" بار دیگر وارد میدان شد. خبرگزاری آمریکائی یونایتدپرس خبر زیر را درلابلای اخبار خود مخابره کرد:

"دولت سوریه گروه زیر زمینی "اخوان المسلمین" را مسئول بمب ــ گذاری یکشنبه معرفی کرده است. اخوان ــ المسلمین یک جنبش مذهبی است که می‌ــ کوشد رژیم چپگرای این کشور را سرنگون سازد." (کیهان ــ ۱۲ آذر ۱۳۶۰)

چنانکه می‌بینید، یونایتدپرس، درست منطبق بر خط لیبرال‌ها، باند ضد انقلابی "اخوان المسلین" را" یک جنبش مذهبی" جازده و موذیانه به تحریک علیه سوریه پرداخته است. متاسفانه روزنامه "کیهان" هم این خبر را عینا چاپ کرده است.

وهنوز این توطئه جریان داشت که سازمان "سیا" طرح ربودن هواپیمای لیبیائی را پیاده کرد، که خوشبختانه با هشیاری دولت جمهوری اسلامی ایران خنثی شد.

اما بی‌گمان توطئه‌های دیگری در راه است. عمال نقابدار و بی‌نقاب امپریالیسم، با سوءاستفاده از ناآگاهی عناصر قشری، پیوسته برآنند، تا به هر شیوه ممکن در روابط نوپای جمهوری اسلامی ایران و کشورهای مترقی منطقه بویژه کشورهای عضو "جبهه پایداری"، اخلال کنند. هشیار باشیم و این توطئه ها را در هم شکنیم.

این همه اصرار...

بقیه از صفحه ۱

قرارداد جداگانه‌ای را با مبالغ سنگینی به ما تحمیل کنند." (وزیر نفت ــ همانجا).

چنین است وضع مجتمع عظیم پتروشیمی بندر امام خمینی، بعد از سه سال که امپریالیست‌های ژاپنی ما را سرمی‌دوانند.

* * *

مفید است که برای آشنائی با سیاست امپریالیسم ژاپن دراین‌باره کمی به عقب برگردیم:

ساختمان این مجتمع، که یکی از مجموعه‌های بزرگ صنعتی ایران است و می‌تواند تعداد زیادی اشتغال ایجاد کند، درسال ۱۳۵۵ (زمان طاغوت) آغازشد. این پروژه، در صورتی‌که به مرحلهٔ بهره‌برداری برسد: "می‌تواند جوابگوی مواد اولیهٔ صنایع متوسط و کوچک رنگ سازی، الیاف مصنوعی، پلاستیک و رزین‌ها و غیره باشد و حدودپنجاه درصد تولید آنهم به خارج صادر گردد". (معاون وزیرنفت ــ اطلاعات ۲۸ دی ۱۳۶۰)

پنج کمپانی عضو کنسرسیوم ژاپنی میتسوئی، که کار ساختمان این‌مجتمع را برعهده داشتند و ازقبل آن مبالغ کلانی از ثروت مردم ایران را غارت می‌کردند، همین که انقلاب پیروز شد، دست ازکار کشیدند. آنها که درطول ۲ سال بیش از ۸۵ درصد ساختمان عظیم مجتمع را به انجام رسانده بودند. درطول سه سالی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد: بالطائف الحیل ــ به قول وزیرنفت ــ حتی یک سنگ هم روی سنگ نگذاشتند.

وقتی ژاپنی‌ها دست‌ازکارکشیدند، دولت‌موقت سعی‌کرد که موافقت‌آنها را برای پایان‌دادن طرح، البته با همان شرایط زمان طاغوت، جلب کند. امپریالیست‌های ژاپنی که تصمیم داشتند، به تبعیت از امپریالیسم آمریکا، تاحدممکن در ایران کارشکنی کنند، بازی موش و گربه راآغاز کردند. بعدازنزدیک به یک سال مذاکره، هیئت نمایندگی ایران، که برای مذاکره به ژاپن رفته بود، اعلام کرد که دولت ژاپن حاضر به پایان طرح است، اماکمپانی طرف قرارداد حاضر به انجام کار نیست! روشن بود که جداکردن‌دولت امپریالیستی ژاپن از یکی ازکمپانی‌هائی که درواقع دولت اصلی هستند حیلهٔ امپریالیست‌های ژاپن است!

اما دولت موقت، که به کرامات "جهان دوم" دلخوش کرده بود، بعد ازمدتی مذاکره، سرانجام کار را به این‌جارساند که طرح:

"دراکتبر سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) به صورت یک طرح ملی ژاپن باشرکت دولت این کشور درآمد." (صبح آزادگان ــ ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ ــ به نقل از روزنامهٔ ژاپنی تاساهی)

اما طولی نکشید که معلوم شددولت ژاپن هم قصد ندارد طرح را به‌پایان برساند.

دراین‌موقع محارستان پایان‌دادن به ساختمان مجتمع راپذیرفت. مجارستان حاضر بود، بدون قیدو شرط سیاسی، ادامهٔ ساختمان‌مجتمع را بلافاصله آغاز کند. اما هنوزجوهر پیشنهاد مجارستان خشک نشده‌بود که ژاپنی‌ها با یک چشمک رضایت برای پایان‌دادن کار مجتمع، مقامات مسئول ایرانی را ازبستن قرارداد با مجارستان منصرف کردند.

وقتی دولت‌موقت، مجارستان را جواب کرد، دولت ژاپن با خیال راحت سردواندن ایران را آغازکرد. یک سال بعد، یعنی درتیرماه ۱۳۵۹ کیوچی تسوت سومی، معاون مدیر عامل بخش خاورمیانه وزارت امور خارجهٔ ژاپن اعلام کرد:

"ژاپن مایل است این طرح را که ۸۵ درصد آن انجام شده است، به اتمام برساند. ژاپن اهمیت انقلاب ایران را درک می‌کند. ولی تازمانی که گروگان‌های آمریکائی در اسارت باشند، ژاپن نمی‌تواند با ایران همکاری کند!" (بامداد ــ ۵ تیر ۱۳۵۹)

بدینسان معلوم‌شد که دولت‌ژاپن یک سال دیگر ایران راسرگردانده و بالاخره هم برای انجام ندادن‌تعهد خود به‌بهانهٔ "گروگان"هامتوسل شده است.

درهمان هنگام، امیرناصرکوهیار، رئیس هیئت نمایندگی ایران در ژاپن، طی اعلامیه‌ای در ژاپن اعلام داشت:

"دولت ژاپن نمایندگان ایران را سرمی‌دواند و اگر ژاپن به این سیاست ادامه دهد، طرح مجتمع به یک کشوراروپای شرقی سپرده‌میشود". (تلویزیون ــ ۴ تیر۱۳۵۹)

بدنبال اعلام این خبر، نیروهای مترقی تاکید کردند که ژاپن، بعنوان بخشی ازجهان سرمایه‌داری، حاضر نیست مجتمع پتروشیمی را تمام کند وپیشنهاد نمودند:

"باید کار پایان دادن به‌مجتمع را به هرکشور، که شرایط برابرحقوق راپذیرد و آن را دراسرع وقت به پایان رساند، محول کرد."

اما متاسفانه گوش شنوائی برای این پیشنهاد درست ومنطقی نبود. دیگر از طرح خبری نشد، تا یک سال ونیم بعد. روزنامهٔ "صبح آزادگان" روز ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ خبرداد که، مذاکره هنوز به‌نتیجه نرسیده است. این‌بار دولت‌ژاپن اوضاع داخلی ایران را بهانه کرد. روزنامهٔ "آساهی" دراین‌زمینه نوشت:

"جنگ ایران وعراق ازسپتامبر سال گذشته و همین اواخر، وخیم‌تر شدن اوضاع داخلی ایران مانع از آن شد که پیشرفتی (درمذاکرات) حاصل شود." (صبح آزادگان ــ ۱۲ شهریور ۱۳۶۰)

و به این ترتیب هنوزامپریالیسم ژاپن، ایران را سرمی‌دواند، سرــ دواندنی به مدت نزدیک به سه سال! و؛ چنانکه یک مقام مسئول وزارت بازرگانی بین‌المللی وصنایع ژاپن گفته‌است، ژاپنی‌ها: "در انتظار ورود یک هیئت مذاکره‌کننده ایرانی، که ورود آنها ازسوی حکومت ایران وعده داده شده‌است برای تصمیم‌گیری در این باره هستند" (همانجا).

و دیگرخبری نشد که نشد، تاروز ۷ آذر ۱۳۶۰، که وزارت خارجهٔ ژاپن اعلام کرد:

"ژاپن به هیچ وجه تحت فشار آمریکا نبوده و علت تاخیرساختمان مجتمع پتروشیمی به نفع شرکت‌های خصوصی ژاپن بوده است، چون آنها عقیده‌دارند با ادامهٔ‌جنگ بین ایران و عراق ادامهٔ‌کار مجتمع پتروشیمی خطرناک خواهدبود." (صبح آزادگان ــ ۸ آذر ۱۳۶۰)

وبازهم معلوم‌شد که کار به نتیجه نرسیده است. یک ماه ونیم بعد ژاپنی‌ها، که پیوسته بهانه‌های تازه می‌تراشند، اعلام کردند که، به علت افزایش نیافتن سهم ایران، کار رامتوقف کرده‌اند:

"به گزارش خبرگزاری فرانسه، مذاکرات دربارهٔ ازسرگرفته شدن کار های ساختمانی این مجتمع عظیم، که از چندماه پیش آغازشده، به‌بن‌ــ بست رسیده است. ایران با ادامهٔ طرح درچهارچوب قرارداد اولیه موافق است، اما ژاپن، که تاکنون بیش ازیک میلیارد دلار برای این طرح خرج کرده اعلام‌داشته است که اگر ایران میزان سهم مالی خود را برای به پایان رساندن طرح افزایش ندهد، ازشرکت درساختمان این مجتمع خودداری خواهدکرد." (اطلاعات ۱۹ دی ۱۳۶۰)

وهنوزهم، چنان که وزیرنفت و معاون ایشان درمصاحبه‌های پیش گفته ابرازداشته‌اند، امپریالیستهای ژاپنی حاضرنشده‌اند که کارساختمان مجتمع را دنبال کنند. و این‌درحالی است که: "قرار ژاپن این بوده است که‌با ۳۵۰ میلیون دلار پتروشیمی را بسازد. رژیم گذشته با این امر موافقت کرد و این مساله اکنون به ما رسیده و ما وارث این قرارداد شده‌ایم. و حالا مبلغ این قرارداد به حدود چهارمیلیارد و دویست میلیون دلار رسیده است." (وزیر نفت ــ اطلاعات ۲۸ دی ۱۳۶۰)

وعلاوه براین: "براساس قرارداد پیشنهاددهنده، طراح، تعیین‌کننده و مونتاژکننده تاسیسات پتروشیمی ژاپن است." (همانجا)

و به‌همین خاطرهم: "گروه‌میتسوئی ... بارها رقم سرمایه‌گذاری را بالا برده و خودش طرح داده و خودش مقاطعه آورده و خودش اجرا نموده و طریقی بنام روش ژاپنی درطرح داشته است ودرمقاطع مختلف زمانی با ما سرناسازگاری داشته است" (معاون وزیرنفت ــ همانجا).

و با اینهمه و با اینکه براستی: "چنین معامله شیرینی درهیچ کجا نمی‌تواند سابقه داشته باشد" (وزیر نفت ــ همانجا) که "گاز سرچاه رابه قیمت هرواحد انرژی زای آن دوسنت آمریکائی، یعنی مفت درنظرگرفته‌اند (وزیرنفت ــ همانجا) هنوزهم‌ژاپنی‌ها حاضرنیستند مجتمع پتروشیمی را به پایان برسانند!

فریبکاری ژاپنی‌ها

مسلما مقامات مسئول می‌دانند، اینکه: "کمپانی "میتسوئی، که‌طرف اصلی قرارداد است، ذهن مقامات سیاسی ــ اقتصادی و مردم ژاپن را، با استفاده از رادیو و تلویزیون، علیه ما می‌شوراند" (وزیرنفت ــ همان جا) وظاهرا مخالفت "جناح‌هائی که در ژاپن هستند، که با گذشت سه سال از انقلاب اسلامی ماهنوزمتوجه نشده‌اند که ماحاضر نیستیم باکشوری که بخواهد از موضع قدرت با ما وارد گفت وگو شود، روابط خوشایندی داشته باشیم" (نخست وزیر ــ صبح آزادگان ــ ۲۷ دی ۱۳۶۰)

فقط و فقط فریبکاری امپریالیست‌ــ های کارکشته ژاپنی است‌وبس. واساسا مگرنه‌اینکه مطابق قرارداد، طرح ساختمان مجتمع پتروشیمی" دراکتبر سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) به صورت یک طرح ملی ژاپن با شرکت‌دولت این کشور درآمد" (صبح آزادگان ــ ۱۲ شهریور ۱۳۶۰)، تا مثلا دولت ژاپن‌بتواند با خنثی‌کردن مخالفت کمپانی‌ها کار را به اتمام برساند؟!

مثل روز روشن است که مساله این حرفها نیست. دولت ژاپن، که نمایندهٔ انحصارات بزرگ آن کشور است، هیچ هدف جداگانه‌ای ــ مانند همهٔ کشورهای سرمایه‌داری ــ ازکنسرــ سیوم میتسوئی و دیگرکمپانی‌های این کشور ندارد.

امپریالیست‌های‌ژاپنی‌ازسردواندن ایران‌قبل ازهمه مقصود سیاسی دارند. آنها‌درهماهنگی کامل با امپریالیسم‌جهانی بسرکردگی‌آمریکا می‌کوشند، تا با این‌حیله‌ها، در اعمال فشار اقتصادی به ایران‌شرکت کنند وزمینه را برای روی کارآمدن "دولت میانه‌رو" ریگان‌فراهم‌سازند، تا این‌دولت، موافق "ارزشهای غربی"، غارت مجددآنها راهم تامین کند.

درکنار این هدف اصلی، دولت و کمپانی‌های ژاپنی درحال حاضرهم درصدد غارت هرچه بیشتر ایران هستند. آنها فقط زمانی حاضر به انجام‌پروژه خواهندشد که، به‌قول وزیرنفت: "قرارداد جداگانه‌ای را با مبالغ سنگینی به ماتحمیل‌کنند".

واینهم درشرایط مشخص کنونی، علاوه برغارت بازهم بیشتر زحمت‌ــ کشان ایران، خود یک هدف‌سیاسی است: لطمه زدن هرچه بیشتر به اقتصاد ایران برای فراهم آوردن زمینه درهم‌شکستن انقلاب.

به گمان ما، همهٔ این مسائل برای مقامات مسئول جمهوری‌اسلامی ایران روشن است. و به همین‌خاطر درحالیکه آقای مهندس میرحسین موسوی نخست وزیرمی‌گوید: "کسانی درجهان هستند که درمقابل پول ما حاضرند درمورد اتمام بخش‌های باقی‌ماندهٔ آن به ما کمک کنند"، (صبح آزادگان ــ ۲۷ دی ۱۳۶۰)

و معاون وزیرنفت هم تائیدمیکند که: "گروه میتسوئی ژاپن تنها صادر کننده تکنولوژی پتروشیمی که در دنیانیست، بلکه گروههای دیگر و کشورهای دیگری هم وجوددارند که حاضرند به کمک ایران بشتابند"، (اطلاعات ــ ۲۸ دی ۱۳۶۰) این سئوال مطرح می‌شود که:

راستی این همه اصرار به ژاپن امپریالیست چرا؟

و اگرما: "بارها به شریک خود گفته‌ایم که به عنوان یک شریک مسلمان قصد نداریم که ضرر وزیانی متوجه طرف مقابل خود کنیم"، (معاون‌وزیرنفت ــ اطلاعات ۲۸ دی ۶۰)

آیا بعدازسه سال نباید دراندیشه ضرر وزیانی باشیم که از این رهگذر به خلق زحمتکش ما می‌رسد، کمتنها یک قلم آن ۱۷/۳ میلیون‌دلاری‌است که شرکت پتروشیمی ایران و ژاپن ماهانه: "ازلحاظ بهره دستمزد کارگران باقی‌مانده درمحل کارگاه خرج دارد"؟! (اطلاعات ــ ۱۶ شهریور ۱۳۶۰).

عملیات حزب دموکرات کردستان عراق علیه رژیم صدام

● باند قاسملو علیه حزب دمکرات کردستان عراق

درعملیات سه ماهه پارتیزان‌ــ های حزب دمکرات کردستان‌عراق علیه رژیم صدام، قریب به ۸۰۰ تن‌ازنیروــ های دشمن به هلاکت رسیده‌اند.

حزب دمکرات کردستان عراق، یکی از نیروهای مبارز عراقی‌است که دوش بدوش سایرنیروهای‌ضدامپریاــ لیست واستقلال طلب "جبههٔ میهنی" علیه رژیم‌خنایتکارصدام حسین‌مبارزه می‌کند. این‌حزب باانتشارخبر نامه و اعلامیه به زبانهای عربی وفارسی، موضعگیریهای خودرانسبت‌به مسائل سیاسی بین‌المللی وداخلی‌وعملیات پارتیزانهای خود راعلیه‌مزدوران‌رژیم صدام به‌اطلاع‌مردم ضد امپریالیست عراق وایران می‌رساند، که‌ما مهمترین آنهارابه‌اطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم.

ابراز تنفر و انزجار نسبت به اشغال بلندیهای جولان

درخبرنامهٔ‌مورخ ۱۶ دسامبر ۸۱ (۲۵ آذر ۶۰) حزب‌دمکرات کردستان عراق، موضعگیری‌این‌حزب‌نسبت به توطئه خائنانه‌اشغال‌بلندیهای جولان توسط‌رژیم صهیونیستی‌اسرائیل بیان شده‌است، درخبرنامه‌ضمن‌ابراز "تنفرو انزجار" نسبت‌به‌این "اقدام جنایت‌ــ آمیز وتجاوزگرانه"، این‌اقدام محکوم شده‌است. درخبرنامه، همچنین آمده است:

"ما‌نیزدوشادوش ترقیخواهان و دوستان آزادی‌درسراسرجهان، به نام توده‌های‌مردم‌کرد درکردستان‌عراق و بنام حزب‌دمکرات‌کردستان عراق، مراتب پشتیبانی کامل‌خودرا از مردم براه‌رسوریه و دولت سوریه‌به ریاست آقای حافظ اسداعلام می‌داریم ومبارزه آنها راعلیه اقدام رژیم‌صهیونیستی مبنی برالحاق‌بلندیهای‌جولان، تائید می‌کنیم".

طی سه ماه گذشته ۸۰۰ مزدور صدامی بهلاکت رسیدند

بخش تبلیغات دفترسیاسی‌حزب دمکرات‌کردستان‌عراق، طی‌یک‌اعلامیه که‌به‌زبان‌فارسی‌نیزمنتشر شده، نتایج عملیات سه‌ماهه پارتیزانهای‌این‌حزب راعلیه‌نیروهای‌ضدمردمی وابسته به رژیم صدام، به‌اطلاع مردم ایران رسانیده‌است. طبق‌این‌گزارش، در این مدت، ۱۹۲ عملیات نظامی توسط پارتیزانهای این حزب‌علیه "نیروهای ارتشی‌وجاشهای‌بعثی" در سراسر کردستان عراق‌انجام گرفته‌است. ۲۵ عملیات‌ازاین تعداد در شهر های هه‌ولیر، موصل، دهوک، حلبچه، چومان وسیدصادق انجام‌شده است. طبق گزارش‌فوق‌الذکر، دراین عملیات ۲۹ افسر و افسریار دشمن، ۱۷۰ کادر بعث عفلقی و عضوسازمان‌امنیت‌عراق و۷۳۷ تن‌ازسربازان، افرادپلیس وجاش های ضدمردمی نابودشده‌وبیشترازاین‌تعداد زخمی‌گشته‌اند.

دراین‌عملیات، ۲۶ سنگر دسته جمعی کاملا‌منهدم شده ۴۶۰ اتوموبیل ارتشی‌ودولتی نابودگشته، ۶ آسایشگاه نظامی‌تخریب‌شده، ۳ دفتر تشکیلاتی حزب بعث ویران شده، ۱ هلیکوپتر سرنگون‌گشته، ۵ نفربر و زره پوش ازکار افتاده و ۱۱ انبار مهمات و آذوقه منهدم شده‌است. پارتیزان‌های حزب دمکرات کردستان‌عراق، طی‌این مدت ۴۸ شهید و ۴۱ زخمی‌داشته‌اند.

جنایت تازهٔ باند قاسملو علیه مبارزان حزب دموکرات کردستان عراق

خبرنامه‌حزب‌دمکرات کردستان عراق، مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۸۱، اطلاع میدهدکه‌افرادمسلح باند قاسملو در تاریخ ۱۳ دسامبر، یکی‌ازمقرهای‌پیشمر ــ گان حزب‌دمکرات‌کردستان‌عراق را درقریه‌شیناوا، واقع درمرزایران‌وعراق به‌توپ‌بسته ویک‌پیشمرگ‌بنام محمد محمودرابه‌شهادت‌رسانیده‌اند.

جنایت باندقاسملوعلیه‌مبارزان راه‌استقلال‌وآزادی‌عراق، که‌علیه خود کامگی‌های‌رژیم جنایتکارصدام می‌رزمند بیانگرآنست‌که‌چهره‌این‌باند، بمشابهٔ عامل‌اجرای توطئه‌های رژیم صدام، هرروز بیشترآشکارمی‌شود.

تلگرام تسلیت اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا بمناسبت شهادت رحمان کریمی

درخبرنامه حزب دمکرات کردستان‌عراق، دوتلگرام تسلیت "اتحادیه‌دانشجویان‌کرددراروپا، یکی به‌رهبری حزب دمکرات‌کردستان‌عراق بمناسبت‌درگذشت‌سروان‌عبداله، عضو کمیته‌مرکزی‌وهیات‌سیاسی حزب، و دیگری‌به‌رهبری‌حزب‌دمکرات‌کردستان ایران (پیروکنگره چهارم) بمناسبت شهادت‌رحمان‌کریمی، عضوکمیتهٔ مرکزی‌این‌حزب، منعکس شده‌است.

تفسیر وقایع مهم جهان



"وتوی" آمریکا

امریکا باردیگر "وتوی" خود را درشورای امنیت در مسئلهٔ اعمال مجازات‌های اقتصادی وسیاسی علیه اسرائیل بکار انداخت.

شاید هیچ‌چیز روشنتر وبهتر از "وتوی "آمریکا نتواند چهرهٔ‌اهریمنی امپریالیسم آمریکا و درعین حال ناتوانی ودرماندگی این‌حیوان درنده‌را نشان‌دهد. روزگاری بود که ارادهٔ آمریکا در دنیای سرمایه حکم قانونی داشت و حتی دولت های بزرگ سرمایه‌داری‌قادر به تخلف ازخواست امریکا نبودند. در مجمع عمومی سازمان‌ملل‌متحد، در شورای امنیت‌و سایر سازمان‌های بین‌المللی، تنها صدای دولت‌های سوسیالیستی به مخالفت باسیاست‌های امپریالیسم آمریکابگوش‌میخورد. اکنون‌وضع بکلی تغییر کرده‌است. متن قطع نامه‌ای که درمسئلهٔ اعمال مجازاتهای‌اقتصادی وسیاسی اسرائیل به‌شورای‌امنیت تسلیم شد، امضای نمایندگان‌دهها کشور غیر متعهد رادرپای‌خود داشت. دراین‌قطع نامه پیشنهاد میشد که اسرائیل، بدلیل غصب بلندی‌ها ی جولان، مورد مجازات قرارگیرد و دولت‌های عضو سازمان ملل‌متحد تحویل اسلحه به‌اسرائیل و روابط اقتصادی، مالی، فرهنگی وغیره خود را بااسرائیل قطع‌کنند، تلاش‌گسترده دیپلوماسی امریکا برای جلوگیری از طرح‌مسئله در شورای امنیت و را ی‌گیری دربارهٔ‌این‌مسئله با شکست‌روبروشد. آری، دیگر کسی حرف امریکا رانمیخواند. مسئله درشورای امنیت طرح‌شد، وچنانکه همه انتظارداشتند "وتوی " امریکا بکار افتاد. شیطان بزرگ ناچار شد باردیگر چهرهٔ‌واقعی خودرا در برابر خلق‌های‌جهان‌نمایان سازد وبی‌پرده‌نشان‌دهد که سیاست اسرائیل عین سیاست امریکاست وهمه حرف‌های دیگر و "محکوم‌کردن"ها و غیره خیمه‌شب‌بازی، نشان‌دهد که سیاست امپریالیسم امریکاوصهیونیسم اسرائیل تجاوزگری، اسارتگری‌وغارت‌گری‌است.

غدهٔ سرطانی اسرائیل

دولت صهیونیستی اسرائیل واقعابه‌یک‌غده سرطانی در منطقه خاورمیانه و نزدیک تبدیل شده است، زورگوئی، باج‌گیری، راهزنی و تجاوز اسرائیل را حدو مرزی نیست. نیروی اصلی این‌تجاوز را نیز امپریالیسم امریکا، که‌میلیاردرهای یهودی یکی از محکمترین ستون‌های آن هستند، تشکیل‌میدهد. چندی پیش روزنامهٔ "جروزالم‌پست" چاپ اسرائیل، از یک طرح‌ماجراجویانه دیگر اسرائیل پرده‌برداشت‌ونوشت که‌اسرائیل‌نقشهٔ اشغال‌نظامی منطقهٔ وسیعی رااز‌جنوب لبنان تا ساحل غربی رودخانه اردن تهیه‌کرده‌است. طبق این‌نقشه، درسرآغازاین‌عملیات مناطق حساس لیبی مورد بمباران هسته‌ای قرار خواهد گرفت ولیبی به‌منطقهٔ مرگ تبدیل خواهد شد. فرانس‌پرس خبر دادکه سفیر امریکا در اسرائیل‌هم‌اکنون‌دولت ریگان را ازاین نقشهٔ‌اسرائیل مطلع کرده‌است. در همین حال مطبوعات امریکا گزارش میدهند که دولت امریکا **حسنی مبارک**، جانشین‌**سادات**‌را، برای پذیرفتن طرح اسرائیلی باصطلاح "خودمختاری "فلسطین‌بشدت‌زیرفشار قرارداده‌است. خیانت سادات به‌آرمان اعراب وتسلیم در برابرکمپ‌دیوید و سپس تیره‌کردن مناسبات مصر بااتحاد شوروی وکشورهای مترقی منطقه، مصررا دروضعی قرارداده‌است، که، به قول معروف، نه راه پیش دارد ونه راه پس. مصر دراثر این‌خیانت چنان در تار و پود وابستگی اقتصادی، سیاسی و نظامی به امپریالیسم امریکا افتاده است که، تنها بوسیلهٔ یک انقلاب دیگرمیتواند ازآن‌رهائی یابد.

موضع اسرائیل درقبال مسئله فلسطین، درمذاکره باحسنی **مبارک** بر پایه‌این واقعیت بناشده‌است‌که، مصر در وضع کنونی‌خودچاره‌ای جز تسلیم در برابر خواست‌های‌اسرائیل ندارد. اسرائیل از موضع قدرت صحبت‌میکند و**حسنی‌مبارک** از موضع ضعف. امریکا و اسرائیل میکوشند تاقبل از تخلیه‌سینا مصر را به قبول طرح اسرائیلی "خود‌مختاری "فلسطین‌وادارسازند. طرح اسرائیلی "خودمختاری" نیز چیزی‌جز همان غصب بلندیهای جولان‌نیست. طبق این طرح، "یهودی‌کردن" ساحل غربی رودخانه‌اردن‌ادامه خواهدیافت. وبه‌اعراب درمنطقه‌ساحل‌غربی رود‌خانه‌اردن، حتی اجازه‌تشکیل مجلس قانون‌گذاری، داشتن روابط بین‌المللی، نیروی مسلح وپرچم داده نخواهدشد. بدینسان، طرح‌تاسیس یک دولت‌مستقل فلسطینی در این‌منطقه برای ابد بخاک سپرده‌میشود. دولت اسرائیل، حاضر نیست درباره بیت‌المقدس شرقی حتی درحدود همین طرح اسرائیلی نیز واردمذاکره شود. اسرائیل وحامیان امپریالیستی‌اش‌امید‌وارند، همانگونه که مصر راسر میز مذاکرات‌کمپ دیوید نشاندند ودنیای عرب را دوشقه‌کردند، بتوانند تمام برنامه‌های بعدی خود را نیز به‌همین ترتیب پیاده‌کنند. اماسرنوشت خلق‌ها الی‌الابد در دست سران خیانت‌کاری چون سادات باقی نمی ماند. جنبش‌های انقلابی‌در منطقه اوج‌می‌گیرند وحساب‌های امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها رابرهم میزنند.

انقلاب ایران امید خلقهای منطقه

رفت وآمدهای پی دربی سیاست‌گران‌امریکائی واروپای غربی به‌منطقهٔ خاورنزدیک ومیانه، همه بااوج‌گیری جنبش‌های انقلابی در منطقه ارتباط دارد. ایران، قلب تپنده این‌جنبش‌هاست. هرمسئله‌ای که دراین منطقهٔ عظیم شکل میگیرد، از خودمختاری فلسطین گرفته تا تحریک وتوطئه علیه افغانستان، مستقیم یاغیرمستقیم با سیاست‌های امپریالیستی برای کشیدن "کمربندصحی " پیرامون میهن‌انقلابی ماپیوند می‌یابد. برخی از این‌رابطه‌ها مانند جنگ تحمیلی عراق، آشکارتر و برخی دیگر، چون افغانستان، پیچیده‌تر است، اما بایک تحلیل منطقی میتوان تمام این رابطه‌ها را به آسانی کشف نمود.

انقلاب اسلامی ضدامپریالیستی ومردمی‌ایران‌درمنطقه‌ای روی داد که امریکائیها آنرا تیول خود میدانستند. آنهاهرگز باورنمیکردند که انقلاب اسلامی ایران‌بتواند از چارچوبی‌که‌در فکر ناقص خود برای آن‌تصور میکردند، پافراترنهد وتمام منطقه رابه یک‌آتش‌فشان‌ضدآمریکائی مبدل‌سازدوموقعیت دولت‌های وابسته‌به‌امریکا را، از خود اسرائیل تاپاکستان، به‌مخاطره‌بیفکند. اکنون‌امپریالیسم امریکامیکوشدکه‌جلوی این‌سیل بنیان‌کن را درهمه جابگیرد. "خطر "بویژه از آنرو بزرگتر ومهیب‌تر است‌که‌نظام‌های حاکم برکشورهای منطقه، از عراق گرفته، تا پاکستان و عربستان‌سعودی وکشورهای‌خلیج‌فارس همه‌وهمه بربشکه‌ای‌ازباروت نشسته‌اند. امپریالیست‌های امریکائی برای نجات این‌رژیم‌های دست‌نشانده به تلاش افتاده‌اند. سفر **هیگ** به قاهره‌وتل‌آویو سفر **چارلز پرسی**‌رئیس کمیتهٔ روابط خارجی سنا، سفر هیئت‌پارلمانی‌امریکا به‌پاکستان وسفر بلندپایگان دیگر امریکائی به‌سایر کشورهای این‌منطقه، همه‌ازاین تلاش سرسام‌آورامریکاحکایت میکنند. سیاستگران‌امریکائی‌درجستجوی راه‌حلی‌هستند که درکشورهای‌وابسته‌به امپریالیسم منطقه‌حادثه‌ای نظیر ایران روی‌ندهد. نمایندگان کنگره و دولت امریکامی‌آیند، تا به‌وضع این‌کشورهادر محل آشناشوند و برای رویاروئی با جنبش‌انقلابی خلق‌ها نسخه‌های موثر‌تروسنجیده‌تری‌به‌دولت‌امریکا پیشنهاد کنند. هرحلقه‌ای درجمع کشورهای وابسته‌ضعیف‌تر است، توجه‌بیشتری به آن‌ابرازمیگردد. پاکستان یکی از این حلقه‌هاست.

وضع انفجارآمیز داخلی، همراه باسیاست‌ماجراجویانهٔ‌خارجی، که دولت **ضیاء‌الحق**، به‌پیروی از منافع امپریالیسم، درپیش‌گرفته، پاکستان را درردیف شکننده‌ترین‌حلقه‌ها در جمع کشورهای وابسته منطقه قرارداده‌است. امپریالیست‌های‌امریکائی بشدت از سقوط دولت **ضیاء‌الحق**‌نگرانند. هم‌اکنون یک‌هیئت ۲۱ نفری از کنگره امریکا در پاکستان‌بسرمیبرد. به‌گفته "صدای امریکا "، این هیئت ماموریت دارد کمک‌هائی را که‌ایالات متحده میتواند برای‌رفع بحران‌و حل مشکلات پاکستان به‌آن‌کشور بکند، مورد بررسی قراردهد. علاقه‌شدیدی‌که‌امپریالیست‌های‌امریکائی برای رفع بحران‌پاکستان ازخودنشان‌میدهند ومیخواهند آنرابه "جزیره‌ثبات "تبدیل‌کنند، با وظیفه‌ای که‌پس ازسقوط شاه برای پاکستان‌در ایفای نقش ژاندارمی منطقه‌قائلند ارتباط مستقیم دارد.

هرقدر انقلاب اسلامی ایران، قدرت‌بقای خودرا در برابرتوطئه‌های امپریالیستی بیشتر نشان‌می دهد، تلاش امپریالیست‌های امریکائی برای تقویت رژیم‌های مرتجع منطقه وایجاد توطئه‌های جدید بیشتر میشود. هم‌اکنون توطئه تازه‌ای درخلیج فارس بر ضدجمهوری‌اسلامی ایران با شرکت تمام‌کشورهای مرتجع منطقه، از جمله پاکستان، در شرف تکوین است. امپریالیسم، علاوه برجبههٔ عراق، جبههٔ تازه‌ای علیه انقلاب اسلامی ایران میگشاید، تا ازفشار بر عراق بکاهد واز تحولات انقلابی در داخل عراق‌جلوگیری کند. خبرگزاری ها اطلاع‌میدهندکه امریکا وانگلستان تصمیم‌گرفته‌اند که درباصطلاح "پیمان امنیتی "کشورهای‌خلیج‌فارس، که پس ازصحنه‌سازی بحرین میان عربستان سعودی وسایرکشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس‌بسته‌شد، فعالانه شرکت کنند. درهمین حال رادیوی اسرائیل محتوای این سیاست امپریالیستی را فاش‌کرد وگفت:

" کشورهای خلیج فارس توجه دارندکه خطر اصلی که‌آنان‌را تهدید میکند، ایران‌است، نه اسرائیل و اسرائیل متحد طبیعی اعراب دربرابر دشمن‌اصلی آنانست. "

ایران‌انقلابی خارچشم همهٔ ستمگران وغارتگران اسرائیلی وعرب‌و آمریکائی وانگلیسی‌است. همه دنیای ستم واستثمار دست به‌دست هم داده میکوشند میهن‌انقلابی مارا درمحاصره بگیرند. چه‌بسا ماهم جولان‌هائی در پیش داشته‌باشیم. طرح‌آمریکائی **"تریپ وایر"** یک نیم دایرهٔ بزرگ از اراضی جنوب‌کشورما، آنهم بخش زرین‌نفتخیز ایران‌را، درمنطقهٔ‌اشغال نیرو های نظامی امریکا واردکرده‌است. امروز سرنوشت جولان درآن‌سرمنطقه وسرنوشت خوزستان دراین سرمنطقه‌چنان به‌هم‌پیوند یافته‌اند که یکی رانمی‌توان از دیگری جداکرد. برهم زدن توطئه‌هائیکه در این منطقه درسراسر جهان‌بدست امپریالیسم خونخوار چیده‌میشود، تنها و تنهادرسایه‌اتحاد وهمبستگی بین‌نیروهای‌انقلابی منطقه وجهان‌میسرمیگردد. تحکیم پیوند بین‌جنبش‌هاي‌انقلابی منطقه وکشور‌های سوسیالیستی پاسخی برای رویاروئی باتمام این‌توطئه‌هاست.

سفرخدام به مسکو

عبدالحلیم خدام وزیر امور خارجه‌سوریه برای‌مذاکره با مقامات شوروی درباره‌اوضاعی که پس‌ازالحاق بلندیهای‌جولان‌بوسیله‌اسرائیل در خاورمیانه ونزدیک‌پدیدآمده‌است، به مسکو سفرنمودوبا **آندره‌گرومیکو** همتای شوروی خود به‌تبادل نظر پرداخت.

سوریه یکی ازکشورهائیست که‌در مورد لزوم همکاری‌بادنیای‌سوسیالیسم برای ایستادگی در برابر امپریالیسم و صهیونیسم، موضع صریح وقاطع دارد. تلاش‌سیاستگران‌آمریکائی و اروپای غربی برای‌بازگردانیدن سوریه از راه همکاری‌باکشورهای سوسیالیستی، تلاشی که درمصر وعراق به موفقیت پیوست، تاکنون‌نتیجه‌ای ببارنیاورد. وسوریه همچنان در جبههٔ ضد‌امپریالیستی باقی‌مانده است. بین سوریه واتحاد شوروی در کلیه مسائل مهم‌سیاسی منطقه وجهان تبادل نظر دائمی صورت میگیرد.

نتایج‌گفتگوهای **خدام‌وگرومیکو** طی اعلامیه‌مشترکی منتشر شده‌است. در این‌اعلامیه‌گفته‌میشودکه‌اوضاع منطقه روند خطرناکی بخودگرفته‌است وباید با آن‌مقابله‌کرد. اتحاد شوروی و سوریه نقشه‌های امریکا واسرائیل را در جهت‌تحمیل‌سلطهٔ‌امریکابرخاورنزدیک ومیانه و گسترش توسعه‌طلبی اسرائیل علیه‌اعراب محکوم‌کردند وامضای‌قرارداد‌همکاری استراتژیک بین‌امریکا و اسرائیل را توطئهٔ خطرناکی‌نامیدند، که‌پیامدهای آن درچارچوب منطقهٔ خاورنزدیک ومیانه نمی‌گنجد.

طرفین در این اعلامیه‌قرارداد کمپ‌دیوید‌وگفتگوهائی‌راکه‌براساس‌آن بین مصر واسرائیل بر سر مسئله به اصطلاح خودمختاری فلسطین انجام میگیرد، با قاطعیت ردمی‌کنندواعلام میدارند که برقراری صلح در منطقهٔ بدون خروج کامل نیروهای‌اسرائیل‌از تمام مناطق اشغال‌شده وتشکیل‌دولت مستقل فلسطینی در اراضی زادوبومی این‌خلق میسرنیست.

اتحاد شوروی و سوریه تاکید کردند که‌تصمیم دارند همکاری بین‌دو کشور را درکلیهٔ‌زمینه‌ها، ازجمله در رشته‌همکاری‌های نظامی، درآینده‌نیز توسعه‌دهند وتقویت‌نمایند.

وزیران خارجه دو کشور تلاش امپریالیسم امریکا ومتحدانش در پیمان "ناتو" را برای مداخله درامور داخلی‌لهستان محکوم کردند وآنرا اقدامی خودسرانه و مغایر با موازین بین‌المللی نامیدند.

قبلا نیز **آندره‌گرومیکو** در ضیافتی‌که درمسکو به افتخار **عبدالحلیم‌خدام** داده‌شد، طی نطق خود به سیاست امریکا درصحنه‌بین‌المللی‌اشاره‌کرد وگفت که رهبران امریکا طوری رفتار میکنند که گوئی سراسر جهان ویالااقل نصف‌بیشترآنرا به‌تیول‌گرفته‌اند وحق‌دارند در همه جا خودسرانه هرکاری‌میخواهند بکنند سیاست‌مداخله امریکا در اموردا‌خلی کشورهای‌دیگر، ازجمله‌کشورهای منطقه خاورنزدیک‌ومیانه موجب تشنج‌اوضاع بین‌المللی شده‌است. سیاست‌واشنگتن خمیرمایه‌توسعه‌طلبی اسرائیل‌است، که الحاق‌جولان‌نمونه‌ای‌ازآن‌است. این اعمال اسرائیل رانمیتوان‌به‌جز راه‌زنی بین‌المللی، به‌چیز دیگری‌تعبیر کرد.

عبدالحلیم‌خدام در پاسخ‌نطق **آندره‌گرومیکو** گفت:

"گسترش همکاری با اتحاد شوروی هستهٔ اصلی سیاست‌خارجی سوریه راتشکیل‌میدهد."

وی‌افزود:

"ما بامداخلهٔ امپریالیستهادر امورلهستان‌مخالفیم وازجمهوری‌خلق لهستان‌با قاطعیت پشتیبانی‌میکنیم."

آری، همبستگی تمام‌نیروهای انقلابی جهان در برابر امپریالیسم بسرکردگی امریکا وهم‌پیمانان مرتجع محلی آن شرط‌ناگزیر پیروزی در مبارزه خلق‌ها بخاطر استقلال و آزادی‌است. این‌مبارزه امروزجهانی شده‌است وهیچ مرزو سرحدی، جز مرز طبقاتی، مرز غارتگر و غارت زده، نمی شناسد، خواه‌در سوریه و خواه در لهستان. قضاوت درباره‌حوادث بین‌المللی هنگامی به‌نتیجه‌درست می رسد که‌این‌مرز راهرگز فراموش‌نکنیم. تلاش امپریالیسم‌امریکا وهمدستانش برای تغییر دادن‌این مرزدرلهستان با شکست‌روبروشد. اکنون، بقول‌خودشان **ریگان** و دارودسته‌اش کوشش‌میکنند

بقیه‌در صفحه ۱۳

اصلاحات ارضی دمکراتیک

(قسمت اول)

استفاده از تجربه انقلابها، جنبش‌های انقلابی و حکومتهای انقلابی در شئون مختلف زندگی — بدون "الگوسازی" و با درنظر گرفتن ویژگی‌های انقلاب و جامعه انقلابی در هرکشور — برای انقلاب ما، جنبش انقلابی ما و حکومت انقلابی ما نیز یک ضرورت حیاتی است.

اینک که ما با مسئلهٔ اصلاحات ارضی، یعنی یکی از مهمترین و حادترین مسائل اقتصادی ـ اجتماعی در کشور خود روبرو هستیم، مفید دانستیم که یکی از تجربیات موفق در زمینه اصلاحات ارضی — یعنی اصلاحات ارضی در جمهوری دمکراتیک آلمان — را به اطلاع خوانندگان گرامی، همه علاقمندان و صاحبنظران و مسئولان برسانیم

در پی درهم شکسته شدن فاشیسم هیتلری و استقرار حاکمیت خلق بر بخش خاوری آلمان در سال ۱۹۴۵ (۱۳۲۴) ضرورت اصلاحات ارضی به‌عنوان یکی از اولویت ها مطرح شد.

ازنظر سیاسی، محو سلطهٔ اقتصادی و سیاسی بزرگ مالکان ("یونکرها") در مناطق روستائی، تنها از طریق مصادره املاک آنان امکان‌پذیر بود، به‌ویژه که اینان، همراه با کلان سرمایه‌داران، پایگاه عمده فاشیسم و جنگ تجاوزگرانه بودند تغییر مناسبات اجتماعی ـ اقتصادی به‌رهبری طبقهٔ کارگر و استقرار نظام سوسیالیستی می‌بایست ازپشتیبانی سایر زحمتکشان و بویژه دهقانان زحمتکش برخوردار میشد.

ازنظر اقتصادی اصلاحات ارضی باتوجه به‌ازهم پاشیدگی صنایع بر اثر جنگ، وجود حدود دو میلیون آواره، ضرورت تامین کار برای افراد و همچنین لزوم تهیه مواد غذائی برای جلوگیری از قحطی، از اولویت برخوردار بود.

درارتباط با این مسائل بود که کمیتهٔ مرکزی "حزب کمونیست آلمان" درهشتم سپتامبر ۱۹۴۵، طی بیانیه‌ای که به‌مناسبت اصلاحات ارضی منتشر ساخت، نوشت:

"تقسیم اراضی بزرگ‌مالکان میان دهقانان و کارگران کشاورزی، آنان را به‌کشت بهتر زمین تشویق خواهدکرد وازاین‌طریق تهیه مواد غذائی برای مردم بهبود خواهد یافت."

همچنین کارگران کشاورزی، دهقانان بی‌زمین ومهاجرین از طریق گردهمائی ها، نامه‌ها و طومارها خواستار تقسیم اراضی متعلق به‌بزرگ‌مالکان شده‌بودند.

کلیه‌احزاب "بلوک ضدفاشیستی" یعنی "حزب کمونیست آلمان"، "حزب سوسیال‌دمکرات آلمان"، "حزب لیبرال دمکرات" و "اتحادیه دمکرات مسیحی" "درباره ضرورت اصلاحات ارضی ومصادره املاک بزرگ‌مالکان و جنایتکاران جنگ توافق داشتند.

قانون اصلاحات ارضی از سوم تادوازدهم سپتامبر ۱۹۴۵ جهت‌اجرا به‌ایالت‌های مختلف ابلاغ شد و با استقبال پرشور دهقانان روبرو گشت. سه‌اصل عمده این قانون عبارت بود از:

۱ـ مصادرهٔ املاک بیش از ۱۰۰ هکتار بدون پرداخت غرامت؛

۲ـ مصادره‌اراضی متعلق به نازی‌ها وجنایتکاران جنگ بدون پرداخت غرامت؛

۳ـ تشکیل شوراهای منتخب جهت تقسیم اراضی میان واجدین شرایط.

بعلاوه برای اینکه بزرگ‌سرمایه‌داری امکان رشد نیابد، قانون، اجاره و فروش اراضی تقسیم شده‌را ممنوع میکرد.

براثر اجرای اصلاحات ارضی دمکراتیک، ۳۲۹۸۰۰۰هکتار از اراضی متعلق به بزرگ‌مالکان، جنایتکاران نازی وجنگل‌های متعلق به‌دولت میان واجدین‌شرایط تقسیم شد.

جدول ۱ تعداد ومساحت بهره برداری‌های تقسیم‌شده را برحسب نوع آنها نشان میدهد:

انواع بهره‌برداریها	تعداد	مساحت به‌هکتار	درصد
بهره‌برداریهای خصوصی بیشتر از ۱۰۰ هکتار	۷۱۶۰	۲۵۱۷۰۰۰	۷۶
بهره‌برداریهای خصوصی کمتراز ۱۰۰ هکتار	۴۵۳۷	۱۳۲۰۰۰	۴
اراضی دولتی بجزجنگلها	۱۲۸۸	۳۳۸۰۰۰	۱۰
جنگلهای دولتی	۳۸۴	۲۰۰۰۰۰	۶
بهره‌برداریهای متعلق به‌نهادهای نازی	۱۶۹	۲۳۰۰۰	۱
متفرقه	۵۵۱	۸۸۰۰۰	۳
جمع	۱۴۰۸۹	۳۲۹۸۰۰۰	۱۰۰

جدول شماره ۱

چنانکه ملاحظه‌میشود، بخش عمدهٔ اراضی مشمول اصلاحات ارضی متعلق به‌بزرگ‌مالکان وجنایتکاران بود

جدول زیر گروهها وقشرهایی را که ازتقسیم اراضی بهره‌مند شدند، نشان میدهد (به‌جدول ۲ رجوع کنید) ـ

جدول شماره ۲

دریافت‌کنندگان زمین	تعداد	مساحت به‌هکتار	درصد	مساحت متوسط واگذارشده به‌هرنفر به‌هکتار
دهقانان بی‌زمین وکارگران کشاورزی	۱۱۹۱۲۱	۹۳۲۰۰۰	۴۳	۷/۸
مهاجرین	۹۱۱۵۵	۷۶۳۰۰۰	۳۵	۸/۴
دهقانان کم‌زمین	۸۲۴۸۳	۲۷۵۰۰۰	۱۲	۳/۳
دهقانان اجاره‌دار	۴۳۲۳۱	۴۲۰۰۰	۲	۱
کارگران وکارمندان*	۱۸۳۲۶۱	۱۱۵۰۰۰	۵	۰/۶
دهقانان سالخورده**	۳۹۸۳۸	۶۳۰۰۰	۳	۱/۶
جمع	۵۵۹۰۸۹	۲۱۹۰۰۰۰	۱۰۰	بطورمتوسط ۳/۸
دولت	—	۱۱۰۸۰۰۰		
جمع کل		۳۲۹۸۰۰۰		

*کارگران و کارمندان به طور متوسط ۰/۶ هکتار دریافت کردند و این‌بیشتر بدین‌منظوربود که بااحداث باغچه‌ها بتوانند مقداری‌ازمحصولات مورد نیاز خود را فراهم سازند.

** بخشی از جنگل‌هامیان دهقانان سالخورده تقسیم شد.

به‌خاطر شرایط تاریخی و بعلت تعلق خاطر دهقانان به مالکیت خصوصی، که‌ازنسلهای پیشین به‌جا مانده‌بود، در آلمان دمکراتیک زمین ملی‌نشد، بلکه اراضی تقسیم‌شد و به مالکیت شخصی دهقانان درآمد وحق انتقال آن از طریق وراثت محفوظ ماند.

نکتهٔ حائز اهمیت دیگراین‌است که، اصلاحات‌ارضی به‌تقسیم زمین خلاصه‌نشد، بلکه‌ماشین‌آلات، دامها و ساختمان‌های موجود نیزمیان‌دهقانان تقسیم‌شد.

درجریان اصلاحات‌ارضی، بزرگ مالکان به‌انحاء مختلف کوشیدند که از فعالیت‌کمیسیون‌های تقسیم اراضی جلوگیری بعمل آورند، حتی درموارد به سوءقصد به‌جان‌اعضاء کمیسیون‌ها و همچنین تهدید دهقانان دست‌زدند امامقاومت دهقانان‌موجب‌شد که این توطئه‌ها در نطفه خفه شوند.

اصلاحات ارضی ۱۹۴۵ (۱۳۲۴) یک‌انقلاب‌کشاورزی دمکراتیک برهبری طبقهٔ‌کارگر بود، که بااجرای آن راه حل سوسیالیستی مسئلهٔ‌کشاورزی در آینده تسهیل شد. اصلاحات‌ارضی دمکراتیک همچنین‌پاسخگوی "قرارداد پتسدام" "در زمینهٔ ریشه کن ساختن نازیسم وگسترش دمکراسی بود. بانابودی "یونکرها"، دژهای‌امپریالیسم ومیلیتاریسم در روستاها نیزاز بین رفت.

پیدایش تعاونی‌های تولیدکشاورزی

مدتی پس ازاصلاحات ارضی، بسیاری ازکشاورزان با این واقعیت‌روبروشدندکه، ساختار ارضی ناشی از اصلاحات ارضی مانع استفاده عقلائی از وسائل فنی است. در سال ۱۹۵۱ (۱۳۳۰)، ۴/۵ (چهارپنجم) بهره‌برداری‌های‌کشاورزی (تعدادکل‌بهره‌برداری‌ها ۸۶۸۴۹۰بود) هریک‌کمتراز ۱۰ هکتار زمین داشتند واکثراهم در چند قطعه دور از هم. با این شرایط استفاده‌ازاسلوب‌های علمی پیشرفته ناممکن‌بود، درحالیکه رشد کشاورزی و نیازهای جامعه ایجاب‌میکرد که مجموع تولید وبارآوری آن‌افزایش یابد.

دراین شرایط بود که دهقانان در بسیاری از روستاها گروه‌های کار تشکیل دادند. این گروههاکارکشاورزی را درمقیاس ده سازمان‌میدادند. در سال ۱۹۵۲ (۱۳۳۱) ۱۳۳۹۹۰گروه کار با شرکت ۴۱۱۱۱۶ دهقان‌تشکیل شده‌بود. البته این نوع سازمان‌دهی کار هنوز به‌معنای تشکیل تعاونی‌های تولیدنبود، ولی همین امر موجب نزدیکی دهقانان به‌یکدیگر شد وبعدا نقش مهمی در رشد جنبش تعاونی‌ایفاء کرد. دراین‌گروه‌های کار، دهقانان مزایای کارجمعی را تجربه کردند.

بالاخره در بهار ۱۹۵۲ (۱۳۳۱) در برخی از روستاها، دهقانانی که به کار جمعی در چارچوب گروه‌های کار خو گرفته‌بودند، نخستین‌تعاونی‌های‌تولید کشاورزی رابنیادگذاشتند.

این‌حرکت‌با برخورداری از پشتیبانی دولت گسترش پیدا کرد، اما طبیعی‌بود که‌برخی دهقانان نسبت به آن‌بدبین‌باشند و گمان‌برند که تعاونی‌ها وسیله‌ای است برای گرفتن زمین از دست آنها. ازسوی دیگر، چون مقامات دولتی درتشکیل تعاونی‌ها اصل را بر پایهٔ عضویت داوطلبانه دهقانان قرار داده‌بودند، جنبش‌تعاونی نسبتا‌بکندی پیش رفت. ولی بالاخره حرکتی که در سال ۱۹۵۲ (۱۳۳۱) آغاز شده‌بود، در سال ۱۹۶۰ (۱۳۳۹) عمومیت پیدا کرد.

انواع تعاونی‌های تولید کشاورزی

اساسنامه نمونه تعاونی‌های‌تولید کشاورزی در اواخر سال ۱۹۵۲درمجمع عمومی روسای تعاونی‌های موجود، که درآن‌هنگام‌تعدادشان به‌۱۹۰۰میرسید تدوین‌شد. این‌اساسنامه نمونه به‌نحوی تهیه‌شد که‌اعضاء تعاونی‌ها بتوانند، برحسب شرایط طبیعی واقتصادی محل وهمچنین باتوجه به‌خواستهایشان، کار تعاونی را سازمان دهند.

اساسنامه نمونه‌پایه‌حقوقی تعاونی ها راتشکیل‌میدهد وعلاوه بر اعلام هدف‌های کلی تعاونی‌های تولید، اصول استفاده از زمین و وسائل کار، تعاون در دامداری، شرایط عضویت، وظایف تعاونی و وظایف مدیران و اعضاء، سازماندهی کار، نحوهٔ توزیع درآمدها، شیوه مدیریت وهمچنین حدود بهره‌برداری انفرادی رامشخص میسازد.

باتوجه به شرایط طبیعی، اجتماعی واقتصادی وهمچنین وضع تجهیزات وتاسیسات محلی موجود، تشکیل سه‌نوع تعاونی تولید کشاورزی به‌تصویب رسید. تفاوت‌این‌سه نوع تعاونی، که‌به‌تعاونی‌های‌نوع‌اول دوم‌و سوم معروفند، در درجهٔ استفادهٔ مشترک از وسائل تولید ونیروی کار و همچنین نحوهٔ تقسیم درآمدهاست.

بدین ترتیب، دهقانان امکان یافتند که کار تعاونی را از سطح پائین وساده آغاز کنندوبه‌درجه‌های‌پیشرفته تر وپیچیده‌تر آن‌ارتقاء یابند.

تعاونی‌های‌نوع اول: درتعاونی های‌نوع‌اول، تنها زمینهای‌کشاورزی‌در اختیار تعاونی قرارمی‌گیرند. ماشین آلات، ابزارها واحشام درمالکیت‌اعضاء باقی‌میماند. استفاده‌ازمراتع وجنگل‌ها، بنابرآنچه‌اساسنامه‌مصوبه‌اعضاء مقرر میداشت، بطورجمعی یافردی صورت میگرفت.

اکثریت تعاونی‌ها در ابتدای جنبش تعاونی ازاین نوع بودند. در این‌تعاونی‌ها حاصل کشت، پس از کسر هزینه‌ها و وجوهی که برای سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شده‌بود، به‌ترتیب زیرین میان اعضاتقسیم میشد:

۶۰درصد درآمد خالص برحسب مقدار و کیفیت کار انجام شده توسط اعضاءو ۴۰درصد آن برحسب مقدار و کیفیت زمینی که اعضاء در اختیار تعاونی قرارداده‌بودند.

تعاونی‌های نوع‌دوم: درتعاونی‌های‌نوع‌دوم، اعضاء علاوه برزمین‌های زراعی، ماشین‌آلات، سایر ابزارها، گاوورز، انبارها، مراتع وجنگل‌هارا دراختیارتعاونی قرارمیدادند. سایر احشام واصطبلهادرمالکیت‌فردی‌باقی می‌ماند. دراین‌نوع‌تعاونی‌ها، حاصل کشت وکار، پس ازکسر هزینه‌ها و وجوهی که برای سرمایه‌گذاری در نظر گرفته میشد، به‌ترتیب زیرین تقسیم میگردید:

۷۰درصد درآمد خالص برحسب مقدار وکیفیت کار انجام‌شده توسط اعضاء و ۳۰ درصد آن‌برحسب مقدار وکیفیت زمینی که دراختیار تعاونی‌قرار داده‌شده‌بود.

گذار ازتعاونی‌های نوع دوم به تعاونی‌های‌نوع‌سوم به‌سرعت انجام گرفت.

تعاونی‌های نوع‌سوم: تعاونی‌های نوع‌سوم تکامل‌یافته‌ترین شکل تعاونی تولیدکشاورزی ودامی هستند. امروزه کلیه‌تعاونی‌ها ازاین‌نوعند. در این تعاونی‌ها، اعضاء زمینها (زمین‌کشاورزی مراتع، جنگل‌ها) احشام، وسائل‌تولید ساختمان‌ها (انبارها، اصطبل) را در اختیار تعاونی قرار میدهند. درآمد خالص تعاونی به‌نسبت حداقل ۸۰درصدجهت‌کارانجام شده‌و حداکثر ۲۰ درصد برای زمینی که دراختیارتعاونی قرارداده‌شده، میان‌اعضاء تقسیم میشود. ماهانه مبلغی بطورعلی‌الحساب به اعضاء پرداخت‌میگردد.

ادارهٔ تعاونی‌ها

یکی از شرایط اساسی رشد تعاونی‌ها، نحوهٔ‌ادارهٔ‌آنهاست. کلیهٔ اعضاء، اعم‌از زن ومرد، باحقوق برابر درادارهٔ تعاونی‌ها شرکت‌میکنند ومی‌توانند در پست‌های مدیریت انجام وظیفه‌کنند. ارگان عالی تعاونی مجمع عمومی اعضاءاست، که‌مسائل‌تعیین‌کننده‌ای ازقبیل نحوهٔ پرداخت‌مزدها سرمایه‌گذاری‌ها وبرنامهٔ تولید را مورد بحث وبررسی قرارمیدهد. مجمع عمومی همچنین کمیتهٔ مدیریت‌ورئیس تعاونی‌رابرمیگزیند. هرعضو، صرفنظر ازمیزان‌مشارکتش درتعاونی، یک رای دارد. کمیتهٔ‌مدیریت‌ورئیس‌تعاونی درمقابل مجمع عمومی مسئول هستند. مجمع عمومی همچنین یک‌کمیسیون نظارت رابرمی‌گزیند، که‌وظیفهٔ آن نظارت برحسن‌اجرای‌تصمیمات مجمع عمومی، ورعایت‌اساسنامه‌است.

به‌منظور مشارکت هرچه گسترده‌تر اعضاء درادارهٔ‌تعاونی، کمیسیون‌های‌مختلفی تشکیل شده‌اند، که هر یک موضوع خاصی رامورد بررسی قرار میدهند، ازآنجمله‌اند کمیسیون‌اراضی کمیسیون‌دستمزد، کمیسیون زنان، کمیسیون جوانان‌وغیره. هم چنین برنامه وسازمان‌تولید در گروه‌های کار مورد بحث و بررسی قرار میگیرند وهر کس میتواند پیشنهادها و انتقادات خود را رائه‌دهد.

کمکهای دولت به‌تعاونی‌ها

دولت‌جمهوری دمکراتیک آلمان از طریق اعمال سیاست‌ها

بقیه‌درصف

برای نجات صنایع فولاد کشور از بحرانهای آتی از هم اکنون باید چاره اندیشید (۲)

نارسایی های طرح مجتمع فولاد مبارکه

«طرح مبارکه» چگونه بوجود آمد؟

طی موافقتنامه‌ای که بین دولت ایران، به‌نمایندگی **مهدوی** وزیر بازرگانی وقت، و دولت ایتالیا در تاریخ ۷ژوئن ۱۹۷۴ (۱۷ خرداد ۱۳۵۳) در شهر رم به‌امضا رسید، توافق شد که چند طرح بزرگ به شرکت‌های ایتالیائی واگذار شود. بزرگترین این طرح‌ها پروژهٔ مجتمع فولاد سازی بندرعباس بود، که‌هزینهٔ اجرای آن درآن‌تاریخ ۳میلیارد دلار برآورد گردیده‌بود و بعدا تا حدود ۵میلیارد افزایش یافت. (علت افزایش آن‌بود که‌قسمتی از ماشین‌آلات وتجهیزات، بخصوص تاسیسات احیای مستقیم، برای تبدیل سنگ‌آهن به‌آهن‌اسفنجی، میبایستی از شرکت‌های دیگری که انحصار این واحدها رادراختیاردارند، خریداری گردد؛ وعلاوه‌برآن، بابت‌هزینه های خدمات‌فنی وحتی حق لیسانس و نظایر آن نیز مبالغی جزء هزینه‌های پروژه‌منظور شد.)

پیرو موافقتنامه‌ای که بین نمایندگان دو دولت به‌امضا رسید، بین **شرکت ملی فولاد ایران و شرکت فنیسیدر ایتالیا** موافتنامه اجرائی برای احداث مجتمع فولاد سازی در بندر عباس برای تهیه ورق فولاد، بطریق نورد گرم ونوردسرد، مبادله گردید. در این موافقتنامهٔ شرکت **فنیسیدر**تحویل قسمت‌مربوط به احیای مستقیم را بعهده نگرفت‌وتنها تامین ماشین آلات وتجهیزات‌مربوط به مرحلهٔ ذوب آهن اسفنجی (آهن احیاشده) تاپایان مرحلهٔ نورد جزء موافقتنامه‌بود.

به‌موجب‌گزارش‌شرکت ملی فولادایران، طرح توجیه‌فنی و اقتصادی ۶ ماه بعد، یعنی در دیماه سال۱۳۵۳تکمیل‌گردید، که‌براساس آن‌طرح‌کلی مجتمع فولاد بندر عباس تهیه‌شدو در شهریور ماه۱۳۵۴ به تصویب‌سازمان برنامه و بودجه رسید.

دراینجا تذکر این نکته لازم است که تهیه طرحی باچنین وسعت، درمدتی در حدود ۸ـ ۷ ماه، معمولا قابل‌تامل‌است. تهیه‌چنین‌طرح‌هائی، بادقت‌هائی‌که‌باید دربارهٔ آن به کار رود، بعد ازتصویب گزارش توجیهی فنی‌واقتصادی‌ـ‌درشرایط عادی مدتی درحدود ۲سال‌وقت لازم‌دارد. در حالیکه در تهیه طرح مجتمع مبارکه، تنها در حدود ۶ ماه برای تهیه گزارش فنی واقتصادی و درحدود ۸ـ ۷ ماه‌برای‌تهیهٔ طرح‌کلی‌وقت صرف شده‌است. بااین‌وضع معلوم‌نیست‌که، دراین‌فرصت‌کوتاه ۸ـ ۷ماهه، برای مجتمع عظیمی باتکنولوژی جدیداحیای‌مستقیم، که‌هنوزبدرستی آزمایش‌نشده‌است، وتاسیسات بزرگی مجهزبه‌نوردگرم‌وسردورق، چگونه‌طرح کلی‌فنی‌آماده‌شده و چه‌مرجع ذی‌ـ‌صلاحیتی و درچه‌فرصتی آنرا تصویب نموده‌است. لازم به‌یادآوری‌است که جمع‌مدت صرف‌شده‌برای‌تهیه این طرح‌کلی و تصویب آن‌بوسیله‌سازمان برنامه وبودجه درحدود ۸ماه بوده است.

از نظر فنی با هیچ‌مبنائی‌نمی توان‌پذیرفت‌که در مدت کوتاهی در حدود یکسال‌بتوان کلیهٔ اطلاعات موردنیاز برای تهیه‌گزارش توجیهی فنی‌واقتصادی، ارقام‌واعدادمربوط به‌قیمت‌مواد ومصالح در داخل و خارج‌کشور، اطلاعات‌فنی‌لازم برای تهیه‌طرحهای‌فنی‌وانجام محاسبات و تهیهٔ نقشه‌های لازم را گرد آوری کرد وبراساس آنها، گزارش‌توجیهی فنی‌واقتصادی‌وگزارش کلی طرح‌راتنظیم‌وارائه‌نمود. جالب اینکه‌درهمین‌مدت‌نیز کارفرما باید این‌گزارش‌هارارسیدگی‌کند و مورد تصویب‌قراردهد.

طبق گزارش شرکت‌ملی‌صنایع فولاد ایران، پس ازتصویب طرح، بموجب‌قراردادی‌انجام‌امورمهندسی آن‌بعهده **شرکت‌ایتال‌ایمپیانتی** (Ital Impianti) وابسته به **شرکت فینیسیدر** واگذار میشود. اکنون این‌سئوال مطرح‌میگردد‌که: اگر انجام امور مهندسی طرح‌بعهده **شرکت‌ایتال‌ایمپیانتی**‌واگذارشده و این‌واگذاری بعد از تهیهٔ طرح فنی بوده‌است، پس‌کدام موسسهٔ ذی‌ـ‌صلاحیت‌وبرطبق کدام قرارداد‌ـ‌قبل **ازواگذاری‌امور**مهندسی‌طرح به شرکت نامبرده‌ـ‌تهیه گزارش‌های‌توجیهی‌و فنی رابعهده‌داشته‌است؟ آیا طرح چنین‌سرمایه‌گذاری‌عظیمی، که بدین نحوغیرقابل‌اطمینان‌تنظیم‌گردیده‌و مسئول‌تهیهٔ آن و دستگاه تصویب‌ـ‌کنندهٔ آن‌مجهول‌اند، میتواند آینده مطمئنی‌رابرای این صنعت‌مادرتامین نماید؟ متاسفانه تاکنون پاسخ مثبتی برای‌این‌سئوال‌اساسی پیدانشده‌است

عجیب‌تر وناراحت‌کننده‌تر آن که، درسال ۱۳۵۵موافقتنامهٔ دیگری باشرکت **فینیسیدر** منعقد میگردد که به‌موجب‌آن، همان‌موسسه‌ای که‌امور مهندسی طرح رابعهده گرفته‌است، یعنی **شرکت ایتال‌ایمپیانتی**، عهده‌دارتحویل ماشین‌آلات وتجهیزات مجتمع میشود. بدین‌ترتیب، موسسه‌ای‌که‌باید مشخصات‌تجهیزات‌وماشین آلات‌راتعیین‌نماید‌وفروشنده‌ماشین‌آلات، که‌باید براساس‌این‌مشخصات کالا راتحویل‌دهد، به‌یک‌موسسه‌واحد تبدیل‌میشوند.

معمولا موسسه‌ای‌که‌امورمهندسی طرح‌رابعهده‌دارد، موظف‌است‌نظارت نماید‌که‌شرکت‌فروشنده، ماشین‌آلات‌و تجهیزات رابرطبق مشخصات‌طرح تحویل‌دهد؛ لذا این دو موسسه در مقابل یکدیگر قرار دارند، درحالی که‌دراین قرارداد تهیه کننده مشخصات تحویل‌دهنده تجهیزات‌و نظارت‌کننده برصحت وانطباق‌کالاهای‌تحویل‌شده‌بامشخصات، همگی در یک شرکت‌جمع شده‌اند ومعلوم نیست چه‌دستگاهی حافظ منافع مادرمقابل فروشنده‌خواهدبود.

ممکن‌است‌عنوان‌شود‌که کارشناسان‌شرکت‌ملی فولاد ایران خود عهده‌دار نظارت بر امر تحویل تجهیزات‌خواهند بود. ماامیدواریم روزی‌برسد که‌کارشناسان‌ما، بابدست آوردن‌تجربه‌کافی‌بتوانند ازعهدهٔ این‌امرخطیر برآیند. لیکن‌درشرایط کنونی‌که‌کارشناسان‌جوان‌کشور ما با اولین‌طرح بزرگ فولاد سازی، آنهم باتکنولوژی جدیداحیای‌مستقیم، روبروهستند، با وجود علاقه‌شدیدی که‌به‌حفظ منافع کشور خود دارند، شاید به‌آسانی‌نتوانند ازسودجوئی‌های‌شرکت‌طرف‌قرارداد و دوزوکلک‌های‌سازندگان‌تجهیزات وترفندهای موسسه‌ای که، براساس‌طرحی که‌خود تهیه میکند، ماشین‌آلات راتحویل میدهد، آنطورکه‌شاید وباید جلوگیری‌کنند.

مسئولینی‌که‌بعدازانقلاب‌این قراردادرا، که‌هنوزتنفیذ نشده بود، مورد رسیدگی قراردادند، لازم بودکه، قبل‌از هراقدامی، جهت رفع این‌مشکل مهم‌اقدام‌نمایند و در گزارشی که‌برای‌تنفیذ قرارداد به شورای‌انقلاب تقدیم‌کردند، میبایستی این‌نقیصه منعکس‌گردد و به اطلاع‌شورای‌انقلاب‌برسد، تا باتوجه به‌آن، رهنمودهای لازم راصادرکنند. گویا مسئولین‌مربوطه‌به‌مشاوره شرکت **ایرتیک** ستکی‌هستند، که خود باهمکاری ومشارکت‌شرکت ایتالیایی **ایتال‌ایمپیانتی** تشکیل شده‌است. ولی بدیهی است که از وجود کارشناسان ایتالیائی‌نمیتوان برای حفظ منافع کشور، دربرابرشرکتی که این‌کارشناسان وابسته به‌آن‌هستند، دفاع نمود.

قبل ازانقلاب، طبق‌موافقت‌نامه‌ای که برای تامین‌اعتبارات طرح بین‌شرکت ملی فولاد ایران وسازمان برنامه وبودجه درسال ۱۳۵۷به‌امضاء رسیده‌است، مجموع‌هزینه طرح در حدود ۲۱۴میلیارد ریال پیش‌بینی شده‌بود وباشرکت **ایتال‌ایمپیانتی** تعداد ۲۸ قرارداد‌مستقل ومجزا از یکدیگر برای‌خرید‌ماشین‌آلات‌وانجام خدمات‌مهندسی منعقدگردیده‌بود. مجموع‌مبلغ این‌قراردادها در حدود ۸۶میلیارد ریال (برابر تقریبا ۱/۲۲۷میلیارد دلار) بوده‌است، که اگر قیمت‌بقیه ماشین‌آلات‌وتجهیزات، که‌قسمت مهم‌آن‌واحدهای احیای مستقیم‌است وباید از موسسات‌دیگری خریداری‌شود، به‌این‌مبلغ اضافه‌گردد قیمت‌کل‌ماشین‌آلات وتجهیزات در حدود ۱۱۲میلیارد‌ریال (برابرتقریبا "۱/۶میلیارد دلار) بالغ خواهدشد.

پس ازانقلاب، مجددا در سال ۱۳۵۸هزینه‌طرح مورد رسیدگی‌قرار میگیرد و در قیمت‌ها تجدیدنظرمی‌شودوسازمان‌برنامه وبودجه باهزینهٔ طرح‌بمبلغ ۳۰۳/۹میلیارد ریال موافقت‌می‌کند. این‌بدین **معنی‌است** که در فاصلهٔ حدود یک سال، هزینهٔ طرح‌تقریبا ۴۵درصد افزایش‌می‌یابد، بدون‌اینکه‌دلیل منطقی‌برای‌توجیه‌آن‌وجود داشته باشد.

با اینکه شرکت ملی فولادایران درشهریورماه۱۳۵۶قراردادهای‌خرید ماشین‌آلات‌را، که‌با شرکت **ایتال ایمپیانتی**‌منعقد گردیده‌است، تنفیذ می‌کند (باتوجه به‌اینکه هرموسسه معتبری برای تهیه نقشه‌های اجرائی ساخت این‌قبیل تجهیزات وماشین‌آلات پیچیده وعظیم بایدحداقل‌دو سال وقت صرف نماید) شرکت ملی فولاد ایران‌در سال ۱۳۵۸ به‌شورای اقتصاد گزارش داده‌است که ساخت ماشین‌آلات توسط‌فروشنده‌از اواسط سال ۱۳۵۶آغاز شده و مبلغ ۸۵۵ میلیون دلار از ماشین‌آلات مجتمع فولاد بندرعباس، به‌کارخانجات ماشین‌سازی مختلف سفارش قطعی داده‌شده‌است. مسئولین شرکت ملی فولاد ایران، بدون‌توجه به این‌امر که نمیتوان‌بدون تهیه طرح‌ها ونقشه‌های اجرائی بلافاصله شروع به ساخت ماشین‌آلات نمود وازاواسط‌سال۱۳۵۶ تااوائل ۱۳۵۸، یعنی درمدتی کمتر از دوسال، غیرممکن است نقشه‌های اجرائی ساخت ماشین‌آلات‌وتجهیزات راآماده‌کرد وآنهارا ساخت و درحدود ۷۰درصدآنهارا سفارش قطعی داد، وبدون‌رسیدگی دقیق‌به‌ادعای‌فروشنده، درگزارش خود به‌شورای‌اقتصاد اظهار نظرمی‌کنند که، در صورت عدم‌تنفیذ قرارداد، احتمالا مبلغی در حدود ۹۶۶میلیون‌دلار باید به فروشنده پرداخت شود. براساس چنین‌گزارشی موافقت شورای‌اقتصاد برای تنفیذ قرارداد وادامهٔ آن وضمنا‌تغییرمحل آن‌از بندرعباس به‌مبارکه، جلب می‌شود.

درتاریخ‌تیرماه۱۳۵۸ شورای اقتصاد تصمیم‌مربوط به انتقال پروژه فولاد بندرعباس به‌مبارکه‌و مذاکره با شرکت **ایتال‌ایمپیانتی** برای تجدید نظر در قراردادهای فیمابین را به شرکت ملی فولاد ایران‌ابلاغ‌می‌کند و شورای‌انقلاب نیز رهنمودلازم‌راجهت مذاکره‌بافروشنده‌وگرفتن‌تخفیف‌بابت قیمت ماشین‌آلات، صادرمینماید. پس‌ازاین‌مذاکرات وتجدیدنظر ها، مبلغ قرارداداز ۱/۲۲۷میلیارد دلار به‌مبلغ ۱/۲۷۵میلیارد دلار افزایش می‌یابد وبا این ترتیب گرفتن‌تخفیف ازفروشنده عملا منتفی‌میشود. لازم به یادآوری‌است‌که از مبلغ ۳۰۳/۹ میلیارد ریال (برابر۴/۳۴ میلیارد دلار) که‌آخرین برآورد هزینهٔ طرح است (درصورتی که‌بعدا تغییری پیدا نکند) مبلغ ۱۶۴میلیارد ریال (برابر ۲/۳۴میلیارد دلار) آن‌هزینه های ارزی طرح‌است، که‌بابت بهای‌ماشین‌آلات وتجهیزات وخدمات فنی‌وبهره وام به‌فروشنده‌فعلی‌وبسایرفروشندگان بابت‌بهای‌تجهیزات باقی مانده، پرداخت‌میشود ومابقی آن‌ـ درحدود ۱۴۰میلیارد ریال (برابر۲ میلیارد دلار) ـ هزینه ساختمان‌ونصب مجتمع است؛ ازاین مبلغ نیز قبلا درنظر داشته‌اند مبلغی ارز بابت نصب تجهیزات به پیمانکاران خارجی پرداخت نمایند.

نارسایی های طرح مبارکه

مطالب فوق خلاصه‌ای است از جریان انعقاد موافقتنامه و قراردادهای‌مربوطه باشرکت‌های‌ایتالیائی و برنامه‌های آتی برای خرید مابقی تجهیزات‌ازشرکت‌های‌انحصاری چند ملیتی دیگر. اینک به‌توضیح‌نارسائی های طرح‌مبارکه‌می پردازیم:

۱ـ تشدید وابستگی

این طرح وابستگی کاملی به انحصارهای ایتالیائی، آلمان‌غربی، اطریشی واحتمالا آمریکائی‌دارد. زیرا تاسیسات مربوط به‌واحدهای احیای مستقیم آن‌باید از یکی ازسه یا چهار شرکت‌انحصاری، که تاسیسات مجتمع فولاد اهواز را فروخته و تاکنون آنرا نیمه‌تمام‌رهاکرده‌اند، خریداری‌گردد. هم‌اکنون تکمیل واحدهای احیای مستقیم مجتمع فولاد اهواز در گرو ارادهٔ شرکت‌های‌انحصاری‌آلمان‌غربی، آمریکایی وژاپنی است، ومعلوم هم نیست که سرنوشت نهائی آن چه خواهدبود. بنابراین، طرح مجتمع مبارکه، از لحاظ واحدهای اصلی احیای مستقیم، مسلما گرفتار انحصارات چندملیتی نظیر **تیسن، کورف، سویندل در سلر و فوست** خواهد بود، و ازطریق‌سایرتجهیزات ازقبیل کوره‌های برقی وماشین های ریخته‌گری ونوردوتجهیزات فرعی مکانیکی‌وبرقی آنها، تابع شرکت های دیگری‌است‌که‌شرکت‌فروشنده‌ایتالیایی، بصورت‌واسطه، ساخت‌آنها را به آن شرکت‌ها سفارش‌میدهد.

شرکت ایتال‌ایمپیانتی، که تنها یک‌موسسه مشاور و طراح‌است، ناچار است سفارش ساخت تجهیزات‌وماشین آلات طرح رابه شرکت‌های سازنده دیگری، که‌غالبا ایتالیائی‌هم‌نیستند، واگذارکند. بعنوان مثال میتوان‌یادآورشد که **شرکت ایتال سیدر**، که‌یک شرکت فولاد سازی و وابسته به‌شرکت **فینسیدر** است، تجهیزات‌مربوط به واحدهای نورد گرم ونورد سرد کارخانجات‌خود را از کارخانجات سازندهٔ آمریکائی وآلمان غربی خریداری‌نموده‌است. بنابراین، روشن است که **شرکت ایتال ایمپیانتی**‌ناچار است ساخت‌تجهیزات نورد سرد و گرم مجتمع فولاد مبارکه را نیز، به چنین‌موسساتی سفارش‌دهد. با این ترتیب، مهمترین‌طرح‌فولادسازی‌ونورد ورق کشور جولانگاه شرکت‌های‌مختلف آلمان‌غربی، ایتالیائی، اطریشی، آمریکائی وژاپنی وغیره خواهدبود، و مابرای‌تهیه هرقطعه از وسائلی که فرسوده‌میشود و لوازم یدکی موردنیاز، باید دست‌به‌دامان‌این‌شرکت‌هابشویم واستقلال‌صنعتی خود را فدای این‌گونه قراردادهانمائیم.

۲ـ مسایل مالی واقتصادی طرح

به‌موجب‌اطلاعاتی که‌از منابع مختلف بین‌المللی، بشرح‌زیرین، به دست‌آمده‌است:

ـ گزارش مرکز بین‌المللی‌بررسی های‌صنعتی‌سازمان‌ملل‌متحد (UNIDO)

ـ گزارش راجع به طرح فولادسازی‌به روش‌احیای‌مستقیم درفطر،

ـ گزارش‌راجع به‌طرح‌فولادسازی (Nkk Ohgishima) در ژاپن.

ـ گزارش راجع به‌طرح‌توسعهٔ کارخانه فولاد سازی شرکت ملی فولاد برزیل.

ـ بررسی‌های Daniel Rivet استاد دانشکدهٔ اقتصاد وحقوق‌پاریس، مربوط به‌سال ۱۹۷۸ وهمچنین‌کارشناسان دانشگاه آخن آلمان فدرال، وپس از انجام‌اصلاحات‌لازم در این گزارش‌ها، وبا رعایت شرایط قرارداد مجتمع فولادمبارکه از نظر محاسبه افزایش‌قیمت‌هابراثر تورم و همچنین نوع‌محصول وطریقهٔ تولید، چنین نتیجه‌میشودکه: برای‌احداث کارخانه‌های فولادسازی، که محصول نهائی آنهاانواع‌ورق‌باشد (بااستفاده ازروش‌احیای‌مستقیم) به‌نسبت‌هرتن ظرفیت تولیدی، مبلغ سرمایه ثابت طرح بین۵۰۰ تا ۷۵۰ دلار است. بر این‌مبنا و با درنظر گرفتن حداکثر ۷۵۰دلار، نتیجه‌میشودکه: سرمایهٔ ثابت طرح‌مجتمع فولاد مبارکه به ظرفیت سالانه حدود ۲/۴میلیون‌تن انواع ورق، میبایستی حداکثر مبلغ ۱/۸میلیارد باشد؛ در حالیکه به موجب‌گزارش‌های مختلف شرکت ملی فولاد ایران، سرمایه‌ثابت طرح‌مزبور، پس از کسر بهره وام وقیمت‌تجهیزات اضافی که‌برای‌بندرعباس خریداری شده واکنون مورد نیازنیست، مبلغی درحدود ۳/۷ میلیارد دلار است، بنابراین، قیمت‌طرح مبارکه در حال حاضر درحدود دوبرابر قیمت های بین‌المللی است، یعنی برای انجام این‌طرح، براساس قراردادی که با شرکت‌های ایتالیائی‌منعقد شده‌است وباشرکت‌های دیگر منعقد خواهدشد، بابت‌قیمت‌تجهیزات و کارهای ساختمانی ونصب میبایستی کلا‌مبلغی درحدود ۱/۹میلیارد دلار اضافه پرداخت نمود. از این‌مبلغ اضافه، حدود ۵۰% آن‌مربوط به‌قیمت ماشین‌آلات وتجهیزات وخدمات فنی است (اعم‌از آنچه در قرارداد باایتالیایی‌ها‌منظور شده وآنچه درآینده برای تاسیسات‌احیای مستقیم ومابقی‌ماشین آلات باید پرداخت‌شود)، که‌بصورت ارزخارجی به‌فروشندگان‌پرداخت‌شود. بااین‌ترتیب، طبق این‌قراردادها، تنهابابت خرید ماشین‌آلات وخدمات فنی ازشرکت‌های خارجی، باید مبلغی درحدود ۹۰۰میلیون دلار اضافه از بیت‌المال به‌شرکت‌های چند ملیتی پرداخت‌نمود.

به‌موجب اظهارات دست‌اندرکاران‌شرکت ملی فولاد ایران، که قبل از انقلاب درتنظیم این‌قراردادها شرکت داشته‌اند و هنوز نیز مسئولیت هائی را بعهده دارند، در بررسی قیمت‌های پیشنهادی **شرکت ایتال ایمپیانتی**، ازنظریات شرکت‌انگلیسی **بریتیش‌آستیل** (British Steel) استفاده‌شده‌است. بنظرما، با درنظر گرفتن‌منافع‌وسیاست‌مشترک‌این‌شرکت‌

بقیه‌در صفحه ۱۲

ترکیه- پایگاه ضدانقلابیون فراری ایران (۲)

وکودتاچیان آمدند...

* دایرهٔ ضدچریکی" ترکیه را ماموران "سیا" و عمال "مافیا" رهبری می‌کنند.
* چگونه فاشیست‌ها درمیان مردم ستیزهٔ مذهبی برمی‌انگیزند.
* تنها درمدت دوسال ۲۵۰۰ تن از مردم ترکیه قربانی تروریسم شدند.
* ۳۰۰۰۰ تن از مردم ترکیه در زندان‌های کودتاچیان بسرمی‌برند.
* نخستین گزارش کودتای ترکیه از وزارت خارجهٔ آمریکا شنیده شد.

پس از کودتای ۲۰ شهریور ۵۹ (۱۱ سپتامبر ۱۹۸۰) در ترکیه‌نهاد‌های قانونی نامبرده.به تعلیق‌درآمد. ژنرال **کنعان اورن** ریاست حکومت و "شورای امنیت ملی" را بدست گرفت. این‌شورااز ۶ ژنرال و شورای وزیرانی مرکب از ۲۷ عضو تشکیل می‌شود. در "شورای وزیران" نیز ۷ ژنرال سمت‌های کلیدی را بدست دارند.

کودتاچیان ترکیه تاکنون بارها وعدهٔ "بازگشت به دمکراسی" رابه مردم داده‌اند. **اورن**، ازجمله، در دیماه ۱۳۶۰ (ژانویهٔ ۸۲) اعلام کرد که،انتخابات پارلمانی درآن کشور در پائیز ۱۳۶۲ (۱۹۸۳) برگزار خواهد شد. به گفتهٔ وی، اکنون قانون اساسی‌درحال تدوین است و همه‌پرسی دربارهٔ آن پیش از پائیز ۱۳۶۱ (نوامبر ۱۹۸۲) صورت خواهد گرفت آنچه مسلم است، رژیم ترکیه دیکتاتوری خود را دوسال تمدید کرده است.

احزاب سیاسی و سازمانهای اجتماعی

"حزب کمونیست ترکیه" (Turkiye Komunist Partisi-TKP) این حزب بیش از ۶۰ سال پیش (۱۹۲۰) تاسیس یافت و، به جز سه سال نخست حیات خود، همیشه محبور به فعالیت زیرزمینی بوده است. "حزب کمونیست ترکیه" در راه تشکیل جبههٔ واحدی، که همهٔ نیروهای میهن‌دوست ترکیه را دربر گیرد، می‌رزمد. هدف حزب‌عبارت است از: مبارزه‌در راه استقلال ملی، دمکراسی و پیشرفت احتماعی.

شعارهای کنونی "حزب کمونیست ترکیه" ازجمله عبارتست از خروج ترکیه از "ناتو" و برچیده شدن همهٔ پایگاه‌های نظامی بیگانه از خاک این کشور. دبیراول کمیتهٔ مرکزی "حزب کمونیست ترکیه" **بیلن** است.

"حزب عدالت" (Adalet Partisi - AP). این حزب پس از انحلال "حزب دمکرات" **مندرس**، بیست سال پیش (۱۹۶۱) تاسیس یافت. "حزب عدالت" مهم‌ترین حزب نمایندهٔ منافع کلان بورژواری است، که با بزرگ مالکان نیز پیوندهایی دارد. رهبر این حزب **سلیمان دمیرل** است.

"حزب جمهوری خلق" (Cumhuriyet Halk Partisi - CHP) این حزب را کمال آتاتورک، نخستین رئیس جمهور ترکیه (درسال ۱۹۲۳) پایه گذاشت. "حزب جمهوری‌خلق" سالها (تاسال ۱۹۵۰) حزب حاکم ترکیه وسپس در زمان رژیم **مندرس بایار** دراقلیت بود. در نیمهٔ نخست دههٔ ۶۰ (۶۵- ۱۹۶۱) **عصمت اینونو** (Ismet Inonu)، رهبر این حزب، ریاست چندین دولت ائتلافی را به عهده داشت. بعدها "حزب جمهوری خلق" زیر رهبری **بولنت اجویت** (Bulent Ecevit) برنامه‌ای سوسیال دمکراتیک و رفرمیستی را اتخاذکرد و دوبار (در انتخابات ۱۹۷۳ و ۱۹۷۷) اکثریت نسبی آراء را بدست آورد.

دیگر احزاب بورژوازی ترکیه عبارتنداز: "حزب اعتماد جمهوری" (Cumhuriyetçi Guven Partisi) "حزب جنبش ملی"، "حزب‌عافیت ملی" و "حزب نظم ملی". سه حزب اخیر، احزاب راستگرای افراطی هستند.

"حزب کارگرترکیه" (Turkiye Işç Partisi-TIP) رابیست سال پیش (۱۹۶۱) جناحی ازسندیکا‌های استانبول پایه نهاد.

"حزب کارگر ترکیه" بخشی از کارگران، دهقانان، روشنفکران‌مترقی و نمایندگان بورژوازی کوچک ومیانه را دربرمی‌گیرد. این حزب، ازحمله، خواهان رشدغیرسرمایه‌داری، مشی ضدامپریالیستی، گسترش بخش‌دولتی واصلاحات ارضی بنیادی است.

حزب کارگرترکیه"، که ۱۵ نماینده در پارلمان داشت، ۱۰ سال پیش (۱۹۷۱) غیرقانونی اعلام‌شد، ولی چهارسال بعد (۱۹۷۵) از نو تاسیس گردید.

"حزب سوسیالیست‌کارگری ترکیه" درسال ۱۹۷۴ پایه‌گذاری شد. پس از ۱۹۷۹ و بویژه پیش از کودتای ۱۳۵۹ (۱۹۸۰) درترکیه بحثی در بارهٔ وحدت میان "حزب کارگرترکیه"، "حزب سوسیالیست کارگری ترکیه" و "حزب کمونیست ترکیه" وغیره‌جریان داشت. هرچند احزاب چپ ترکیه ارزیابی‌های گوناگونی از ماهیت "خونتا"ی نظامی کنونی دارند ("حزب کمونیست ترکیه"، بخلاف "حزب کارگرترکیه"، دارودستهٔ حاکم را "فاشیستی" نمی‌داند)، همهٔ آن‌ها درمبارزه با اختناق ودر راه‌استقرار دمکراسی متحدهستند.

نخستین سندیکاهای متمرکز نخستین بار پس ازجنگ دوم‌جهانی درترکیه پدید آمد. نزدیک به ۳۰ سال پیش (۱۹۵۲) "کنفدراسیون سندیکاهای کارگری ترکیه" (Turkiye Işçi Sendikalari Konferasyonu - Turk IS) بنیان یافت. این کنفدراسیون بیشتر سندیکاهای کارگری را دربرمی‌گیرد و نزدیک به یک میلیون نفرعضودارد. "کنفدراسیون سندیکاهای کارگری ترکیه" از آغاز از پشتیبانی دولت برخوردار بود و در باصطلاح "فدراسیون بین‌المللی سندیکاهای آزاد" عصو است. برخی ازسندیکا‌های ترکیه در کنفدراسیون سندیکا‌های انقلابی "(Devrimci Işçi Sendikalari Konfederasyonu-DISK) عضویت‌دارند، که سیاست‌سندیکایی آن برپایهٔ طبقاتی استواراست.

گوشه‌ای از سیاست داخلی و خارجی رژیم ترکیه

موج ترور و اختناق درترکیه، به ویژه ازپائیز ۱۳۵۸، در دوران حکومت **دمیرل**، روز به روز رو به گستردگی نهاد. حتی پیش از کودتای ۲۰شهریور ۱۳۵۹ (۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰) فعالیت بسیاری از سازمانهای دمکراتیک- ازجمله "اتحادیه جوانان مترقی" (IGD)، "اتحادیهٔ کارمندان" (TUMDER)، "اتحادیهٔ کارمندان فنی" (TUTED)، "اتحادیهٔ‌کارمندان‌پلیس" (POLDER)، "اتحادیهٔ معلمان" (TOB - DER)، "اتحادیهٔ زنان مترقی" (IKD)، "اتحادیهٔ فرهنگیان خلقی" (DHKD) و غیره- ممنوع شد.

درتابستان ۱۳۵۹ (۱۹۸۰) مقامات ترکیه ۵۸۸ نمایندهٔ‌کنگرهٔ "حزب‌کارگر ترکیه" (۱۵- ۱۴ تیر/۶- ۵ ژوئیه) و رهبران این حزب را دستگیر کردند. "جرم" آنها دادن شعارهای "ضد دولتی" مانند "برای ترکیه‌ای سوسیالیستی" بود!

پس از هفتمین کنگرهٔ "کنفدراسیون سندیکاهای انقلابی" ("دیسک")، دادستان استانبول در روز ۱۰ مرداد ۱۳۵۹ (۱ اوت ۸۰) تقاضای غیرقانونی اعلام‌شدن این سندیکای کارگری را کرد.

شکنجه‌های مرگبار

از سوی دیگر، به گفتهٔ **اورخان آپ آیدین** (Orhan APaydin)، رئیس "انجمن حقوقدانان استانبول" (در کنفرانس مطبوعاتی ۷ مه ۱۹۸۰):

"هیچ کس نمی‌داند که چندنفر محاکمه و چندتن آزاد می‌شوند. بستگان زندانیان خبری ازمحل‌اقامت آنان دریافت نمی‌دارند. شواهد فراوانی دردست ماست که، برپایهٔ آن‌ها، بازجوئی از بازداشت‌شدگان سیاسی با شکنجه همراه است. به‌گفته گواهان، زندانیان لخت روی زمین خوابانده می‌شوند و بر روی آن‌هاآب یخ می‌پاشند. شکنجه‌گران آنگاه الکترود بر روی آلت تناسلی، چانه و گوش آنها می‌گذارند و با سیگار پوست آنها رامی‌سوزانند. بارها چوب در زندانیان فروبرده میشود. فلکه‌کردن آنها شکنجه‌ای بسیار عادی است. این شکنجه‌های ددمنشانه آنقدر ادامه می‌یابد، تا زندانی "توبه نامه"ای ازپیش آماده شده را امضا کند. وی در صورت خودداری تهدید می‌گرددکه اعدام یا ازپنجره به بیرون پرت خواهدشد. البته این تنهاتهدید نیست. تاکنون اجساد بسیاری از زندانیان در حیاط زندان‌ها پیدا شده است. پلیس دراین موارد همیشه‌از "خودکشی!" سخن گفته است".

پیوند سازمانهای "امنیتی" ترکیه با "سیا"

هدف از موج ترور دولتی آن‌بود که، زحمتکشان ترکیه وسازمانهای آنها را به تسلیم بلاشرط وادار سازد. این وظیفه سرکوبگرانه را بویژه "دایرهٔ ضدچریکی"، "سازمان اطلاعات ترکیه" (MIT)، پلیس و سازمانهای فاشیستی گوناگونی‌چون "حزب جنبش ملی" (MHP) با "گرگهای خاکستری" آن و سندیکای فاشیستی "میسک" (MISK) ایفا می‌کردند.

"دایرهٔ ضدچریکی"، که نام رسمی‌آن "دایرهٔ جنگهای ویژه" است، در اواسط سالهای ۶۰ بطور محرمانه درستاد ارتش پایه گذاشته شد. هدف این دایره تدارک نیروهای مقاومت درصورت تجاوزخارجی یا قیام... مخالفان سیاسی و احتماعی علیه نظام کنونی" تعیین گردیده است.

"دایرهٔ ضدچریکی" راژنرالهای ارتش، "امنیتی"های "برجسته" ترکیه، ماموران "سیا" و عمال "مافیا" رهبری می‌کنند. مرکز دایرهٔ نامبرده در استانبول است، ولی درهمهٔ نقاط ترکیه و دوایر ارتش وپلیس شعبه‌دارد دفاتر "دایرهٔ ضدچریکی" و "میسیون نظامی ایالات متحدهٔ آمریکا" در آنکارا دریک ساختمان مشترک است. "دایرهٔ ضدچریکی" ترکیه، که زیر نظر مستقیم سفارت آمریکا فعالیت و از درسنامه‌های "سیا" استفاده‌میکند وظیفهٔ خود را "جنگهای غیرسنتی" خوانده است. کارمندان آن درزمینه خرابکاری، بازجویی و جنگهای‌روانی آموزش ویژه دیده‌اند.

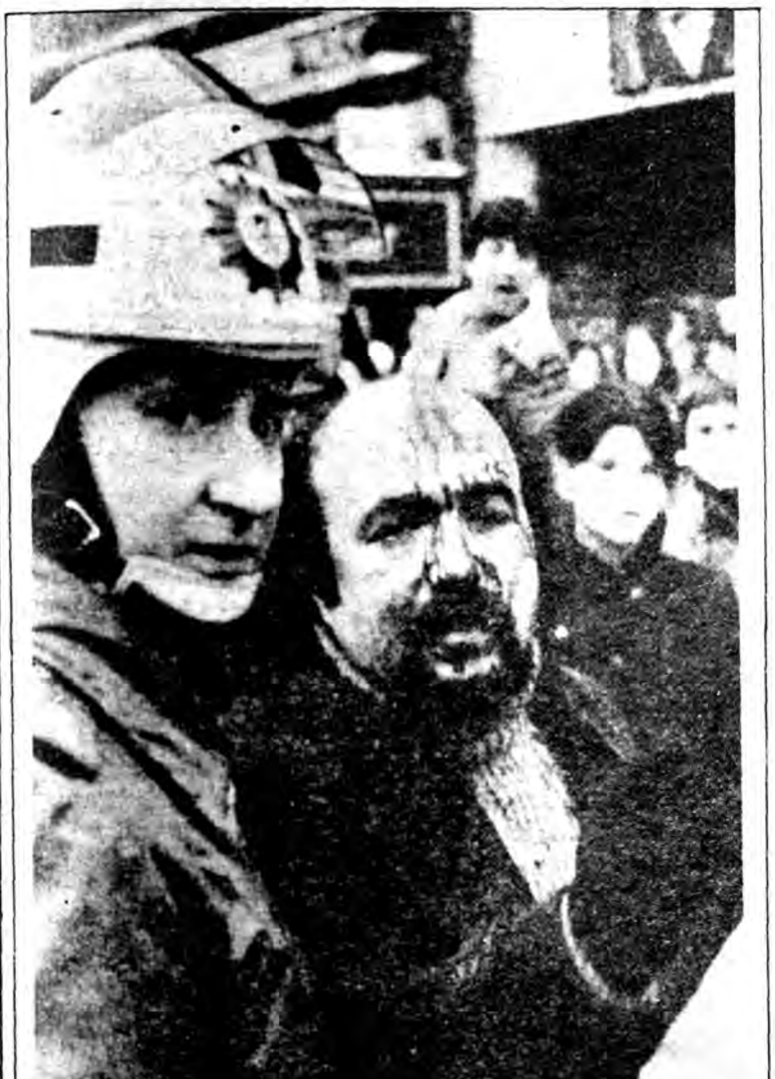
در درسنامه پیشگفته، که**امین دگر** مشاورحقوقی وزارت دفاع ترکیه، چهار سال پیش قسمت‌هایی از آنرا منتشرساخت، "سیا" "عملیاتی" را توصیه می‌کند که **"مردم آنها را کار انقلابیونی بدانند که ازهیچگونه سبعیت خودداری نمی‌ورزند. از این راه می‌توان افکارعمومی را درطرفداری از نظم و علیه خرابکاری تجهیز کرد. فزون براین، باید سازمان شبه نظامی قدرتمندی را تشکیل داد".**

"گرگهای خاکستری"

ازسیزده سال پیش (۱۹۶۸)، پابه پای ایجاد "دایره ضدچریکی"، تاسیس سازمان فاشیستی "گرگهای خاکستری" آغاز شد. از اواسط سال‌های ۷۰ پیوند و همکاری گسترده‌ای میان "سازمان اطلاعات ترکیه"، "دایرهٔ ضدچریکی" و "حزب جنبش ملی" پدید آمد. بویژه درسالهای ۷۸- ۱۹۷۵، در دوران حکومت ائتلافی **دمیرل** و **آلپ ارسلان تورکس** (Alparslan Turkes)، رهبر "حزب جنبش ملی" بسیاری ازسمت‌های مهم درپلیس ترکیه، به فاشیست‌ها سپرده شد.

چندتن از روسای برجسته "میت" عضو "حزب جنبش ملی" بودند و "گرگهای خاکستری" اغلب اطلاعات خود را دربارهٔ قربانیان دسیسه‌های جنایتکارانه خویش، بویژه رهبران سندیکایی، کمونیست‌ها و دمکرات‌ها، مستقیم ازآنان دریافت میداشتند.

"گرگهای خاکستری" درخارج از کشور نیز پیوسته به فعالیت‌های جاسوسی و تروریستی علیه هم‌شهروندان مترقی خود اشتغال‌داشته‌اند و معمولا از پشتیبانی نیروهای فاشیستی و راستگری کشورهای‌غربی و حمایت دولت و پلیس برخوردار می‌گردند.



یکی ازقربانیان فاشیست‌های "گرگ‌های خاکستری" دربرلین غربی

کشتار مردم

درترکیه، در درجهٔ نخست، نیروهای دمکراتیک وچپ هدف سرکوبگری رژیم قرارمی‌گیرند. در تظاهرات ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۵ (۱ مه ۱۹۷۷) "دیسک" بیش از نیم میلیون نفر در استانبول شرکت کردند. درجریان‌این تظاهرات، ماموران "سازمان اطلاعات ترکیه"، فاشیست‌ها و مائوئیست‌ها، برپایه برنامه‌ای ازپیش ریخته، جمعیت را چندین دقیقه ازپشت‌بام‌های ساختمانهای محاور زیر رگبارگرفتند و ۳۸ تن را کشتند. درشب کریسمس ۱۹۷۸ جوخه‌های فاشیستی درشهر قهرمان مرس (Kahramanmars) ۲۰۰ زن، مرد و کودک بی‌دفاع را بقتل رساندند. دراواخر بهار ۱۳۵۹ (اواسط ژوئن ۸۰) یکان‌های موتوریزه ارتش وژاندارمری با ۵۰ تانک وارد شهرک فاتسا (Fatsa) در سواحل دریای سیاه شدند و به یاری اعضای ماسک‌دار "حزب جنبش ملی" به بازرسی خانه‌ها پرداختند و ۸۰۰ تن را دستگیر کردند. بازداشت‌شدگان، ازجمله‌فکری سون‌مز (Fikri Sonmez)

بقیه‌درصفحه۹

ترکیه ـ ...

بقیه از صفحه ۸

شهردار مستقل فاتسا، هدف شکنجه‌های دردناک قرارگرفتند. علت آن بود که، دراین شهرک ائتلافی بزرگ مرکب از گروههای چپ تا اسلامی، با تشکیل کمیته‌های دفاع، باتهاجمات جوخه‌های فاشیستی "حزب جنبش ملی" به مقاومت برخاسته بود.

در اواسط خرداد ۱۳۵۹ (اوایل ژوئن ۸۰) فاشیست‌ها درشهر چروم (Corum) ستیزه‌های مذهبی رامیان علوی‌هاو سنی‌ها برانگیختند، که پنج روز به درازا کشید. درجریان این نبرد خونین، جوخه‌های "حزب جنبش ملی" و ژاندارمری، مجهز به تانکهای آلمان غربی، بجان مردم بی‌گناه شهر افتادند و درحدود ۳۰ تن از آنان را کشتند. بسیاری از دستگیرشدگان نیز براثر شکنجه‌های ددمنشانه در زندان جان سپردند.

تروریسم فاشیست‌ها همچنین سوءقصد بجان شخصیت‌های برجسته را دربرمی‌گرفت: در ۳۱ تیر ۱۳۵۹ (۲۲ ژوئیه ۸۰) کمال تورکلر، رهبر سندیکای (Madenis) فلزکاران و چند هفته پیش از آن کوکسال اوغلو (Koksaloglu)، نماینده‌ٔ "حزب جمهوری خلق" بقتل رسیدند. در سوم مرداد ۱۳۵۹ (۲۵ ژوئیه ۸۰) نیهات اریم (Nihat Erim)، نخست وزیر سالهای ۷۳ـ ۱۹۷۱ ترکیه، ازپای درآمد. درهفته‌های نخستین ۱۹۸۰ روزانه تا ۳۵ تن هدف ترورهای سیاسی قرارمیگرفتند. بدینسان، نه‌تنها نیروهای چپ، بلکه درپاره‌ای موارد عناصر "میانه‌رو" و راستگرا نیز قربانی تروریسم فاشیست‌ها میشدند.

درسالهای ۸۰ـ ۱۹۷۹ درحدود ۲۵۰۰ تن درترکیه قربانی‌تروریسم شدند، ۸۰ درصد آنها قربانیان فاشیست‌های ترکیه بودند.

انگیزه این ترورها را ژنرال بازنشسته کمال ارسون (Kamal Ersun) یکی ازسازماندهان "دایرهٔ ضدچریکی" چنین بیان کرد:

"نخست باید با عملیات تخریبی و قتل سیاسی شرایط جنگ خانگی پدید آید و سپس ما خواهیم آمد". ("فایننشال تایمز"ـ ۲۵ ژوئن ۱۹۸۰).

وکودتاچیان آمدند...

و آنها آمدند. در روز ۲۱ شهریور ۱۳۵۹ (۱۲ سپتامبر ۸۰)، ژنرال‌های ترکیه، بسرکردگی رئیس ستاد ارتش، کنعان اورن، دست به‌کودتا زدند. اورن خود را به ریاست جمهوری کشور و "شورای امنیت‌ملی" مرکب از فرماندهان کل نیروی زمینی، هوایی، دریایی و ژاندارمری و فرماندهٔ نیروهای مسلح اژه، منصوب کرد.

دولت و مجلس منحل شد وقانون اساسی به تعلیق درآمد. وضع جنگی که تا آن موقع در ۲۰ استان ازمجموع ۶۹ استان ترکیه حکمفرما بود، به سراسر کشورگسترش یافت. احزاب، سندیکاها و اتحادیه‌ها غیرقانونی اعلام گردیدند (درپائیز سال ۱۳۶۰ دولت ترکیه احزاب موجود را برای همیشه "منحله" اعلام کرد). بیش از ۱۵۰ دفتر سندیکایی بسته وهرگونه فعالیت سیاسی ممنوع شد. چندین هزارتن، ازجمله سیاستمداران



نمونه‌ای از سرکوبگری کودتاچیان دریکی از خیابانهای استانبول

برجسته، ولی بویژه عناصرچپ و رهبران سندیکاها، روانهٔ زندانها گشتند. بنوشتهٔ روزنامهٔ "لوموند" (۲۱/۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰) ۶۵ هزار تن به بازداشت کودتاچیان درآمدند. (برپایهٔ آمارهای رسمی، درترکیه کماکان ۳۰۰۰۰ تن دربازداشت بسر می‌برند).

ترکیب دولت نظامی نمایشگر هدفهای ژنرال‌ها بود. آنها اولوسو، دریادار ـسابق "ناتو" را به‌سمت نخست وزیردولت نظامی برگزیدند. از ۲۷ وزیرکابینه، ۷ تن ژنرالهای با سابقهٔ "ناتو" بودند. تورغوت اوزال (Turgut Ozal)، یکی از مبتکران "برنامهٔ تثبیت‌اقتصادی" ونمایندگان سرمایهٔ مالی بین‌المللی به معاونت نخست‌وزیر انتخاب شد. شخص اخیر، به عنوان رئیس‌سابق "اتحادیهٔ کارفرمایان صنایع فلزکاری" (MESS) و مشاور دمیرل در امور اقتصادی، سابقه‌طولانی وتجربه طولانی در مبارزه با جنبش کارگری ترکیه دارد.

ازجمله اولویت‌های کودتاچیان تقویت صنایع جنگی و امروزین‌سازی نیروهای مسلح اعلام شد. دولت کودتا همه شوراهای روستایی رامنحل و بیشتر شهرداران را ازکار برکنار کرد و همهٔ انتصابات را بعهدهٔ فرمانداری‌های نظامی سپرد.

کنعان اورن کیست؟

بازتاب وابستگی کودتاچیان را به قدرت‌های امپریالیستی و ارتجاع در شخص کنعان اورن می‌توان مشاهده کرد. وی درسال ۱۹۵۰ فرمانده نیروهای مسلح ترکیه درجنگ آمریکا علیه خلق کره بود.

سرکودتاچی ترکیه پیش ازآنکه اجویت او را (درسال ۱۹۷۸) به فرماندهی کل ستاد برگزیند، مسئول "دایرهٔ ضدچریکی" بود.

فزون براین، کنعان اورن و ژنرال‌های همدست او پیوندهای نزدیک با سرمایهٔ خارجی دارند. دراین زمینه باید بویژه از "اویاک Oyak-" ("صندوق کمک ارتش") و پیوندهای آن باکنسرنهای بین‌المللی چون "موبیل اویل"، "شل"، "رنو"، "گودیر"، "هیلتون" و "اینترنشنال هاروستر" نام‌برد.

"اویاک"، که درحدود بیست‌سال پیش با سرمایه‌ای نسبتا ناچیزتاسیس یافت، پس ازچندسال به دومین "شرکت هلدینگ" ترکیه بدل شد. بخشی ازسودهای هنگفت "اویاک" به هنگام بازنشستگی به افسران تعلق می‌گیرد. هرقدر درجه افسر بالاتر باشد، سهم او نیز بیشترخواهدبود. بدین ترتیب، ازطریق "اویاک" وابستگی نزدیک میان نظامیان و بورژوازی و سرمایهٔ خارجی تامین می‌شود.

علاوه براین، باید به سهام هنگفت آنها درصنایع تسلیحاتی اشاره کرد. برپایهٔ آمارهای‌رسمی، سود این صنایع درسال ۱۹۷۷ برابر با ۳۳۵ میلیون لیره ترکیه بود، که ۱۳۰ میلیون لیره بیشتر از سود گروه بانکی " Is Bank " است.

ژنرال‌های کودتاچی بسیار از "وحدت ملی" دم‌می‌زنند. امامنظور آنها درواقع آنست که، کارگران و دهقانان، و همچنین بورژوازی ملی ترکیه ازمنافع خود دست بردارند و بلاقیدوشرط تسلیم مطامع انحصارات بین‌المللی شوند. یکی از انگیزه‌های کودتای شهریور ۵۹ (سپتامبر ۸۰) اورن و دارودسته‌اش آن بود که احزاب بورژوایی‌ـ ملی به اندازهٔ "کافی" در پیشبرد منافع بزرگ سرمایه‌خارجی، بویژه ایالات متحدهٔ آمریکا و جمهوری فدرال آلمان، کوشش نورزیدند.

این واقعیت نیز جالب است که، درآستانهٔ کودتا "ت. ساتین‌قایا" فرماندهٔ کل نیروی هوایی و عضو کنونی "شورای امنیت ملی"، از واشینگتن بازگشت. فزون براین، کودتای نامبرده زیر پوشش مانور "آنویل اکسپرس ۸۰" صورت‌گرفت. بنابراین شگفت‌انگیز نیست که، نخستین گزارش دربارهٔ کودتا نه از آنکارا، بلکه از وزارت خارجه آمریکا در واشینگتن، یعنی ۱۲۰۰۰ کیلومتر دور از محل وقوع آن، به سراسر جهان پخش گردید. پس از مدت کوتاهی اذعان شد که کودتاچیان ترکیه دولت آمریکا را از نقشه‌های خویش مطلع ساخته بودند! لذا این ارزیابی بجاست که، "واشینگتن" خود مستقیم فرمان کودتا را صادرکرد.

یکروز پس از کودتا، حتی روزنامه بورژوایی "وست دویچه آلگماینه تسایتونگ" (آلمان غربی) نوشت:

"میتوان تصورکرد که اصرار آمریکایی‌ها، که پس از انقلاب‌ایران بویژه نگران تضعیف جناح جنوبی "ناتو"هستند، بالاخره کارخود را کرد".

جالب آنکه سیاستمداران غربی، که پس از تشکیل "شورای نظامی رستگاری ملی" در لهستان ـ که طبق قانون اساسی این کشور وبرای سرکوب ضدانقلاب تشکیل شده‌ـ چنین جنجالی بپا کردند، حتی یک کلمه دربارهٔ "نقض دمکراسی، حقوق بشر و آزادیهای‌سندیکایی" و"دخالت درامور داخلی" ترکیه به زبان نیاوردند. برای نمونه، "ماتهوفر" وزیر دارایی آلمان‌غربی اعلام کرد:

"ترکیه کماکان هم‌پیمان بین‌المللی ماخواهد بود".

براندت، صدر "حزب سوسیال دمکرات آلمان (فدرال)"، تنها تاسف خورد که نظامیان به‌توقیف "دوست" او، **اجویت**، ناچارشده بودند! طبیعتا، نه‌تنها آلمان غربی، بلکه دیگر کشورهای "ناتو" ازجمله‌ایالات متحدهٔ آمریکا، بریتانیا و ایتالیا نیز لازم ندیدند که نیروهای خود را از مانورهای "ناتو" درخاک ترکیه فراخوانند.

اظهارات رسمی نظامیان ترکیه درتوجیه کودتا طوری تنظیم‌شده بود که افکارعمومی کشورهای "ناتو" را "آرام" کند. آنها ادعاداشتند که تنها بخاطر "استقرار آرامش و نظم" و "مقابله قاطعانه با ترور" مجبور به کودتا گردیده‌اند. در حالی که دربالا نشان داده شد که دامن زدن به ترور درست نقشهٔ آنها بود.

حقوق مردم محروم که عمری است مالکین وسرمایه‌داران بزرگ خورده‌اند به محرومین بازپس داده می‌شود

امام خمینی

نرمش با آمریکا مقدمهٔ سازش با آمریکاست

این سخنان از رئیس جمهور خامنه‌ای است:

"آمریکائی‌ها در مورد انقلاب اسلامی ایران فکرمی‌کردندمی‌توانندآن رابه سازش باخودبکشند. البته‌تصورما این‌نبودکه‌ممکن‌است‌روزی‌انقلاب لبخندسازشکارانه‌ای به‌آمریکا بزند ولی ازنظردشمن‌چنین‌نبود. آمریکا کاملا منتظرسازش با مابود. فکرمی‌کرد، پس ازگذشت‌مدتی، وقتی‌ایرانی‌ها محتاج شدند، اومی‌تواندراه‌نفوذی‌داشته‌باشد آمریکائی‌ها پس ازشروع‌کار دولت موقت‌قویااین‌امیدرادردل خود زنده کردند. دراینجا بایدبگویم که‌من‌دولت موقت رابطورمجموع‌متهم‌نمی‌کنم، چرا که‌درون‌آنهاافرادمومن و شاید با اخلاص هم بودند، ولی سلیقه‌سیاسی آنهااین‌بودکه‌باقدرت‌بزرگی مانند آمریکانمی‌شودجنگیدوخیلی‌هم دوست نداشتندکه‌مرگ‌برآمریکاگفته شود و می‌گفتندحالااصراری‌است که‌خود را با یک‌چنین غول عظیم‌جنگی‌وصنعتی‌به جنگ بیندازیم. می‌گفتند، وابسته، تسلیم، نوکرومانندشاه‌مزدورنباشیم، ولی‌جنگ‌هم‌نکنیم. این‌حالت همان حالت نرمش است ونرمش‌مقدمهٔ سازش است". (ازسخنان رئیس جمهور درسمینارنهادهای‌انقلابی ـ کیهان ۹ دیماه ۱۳۶۰)

روی‌دیگراین "سلیقهٔ سیاسی" و **"این‌حالت‌نرمش که‌مقدمه‌سازش است"** راامام‌خمینی دریک‌حمله‌کوتاه، ولی بسیاردرست‌وبسیاربامعنابیان‌داشته‌اند **"خطااین بودکه‌آمریکا به کلی منسی‌شود... شوروی‌رامطرح‌میکردند تاآمریکامنسی‌شود".**

آن‌حالت‌نرمش، که‌مقدمه‌سازش بود، بصورت‌ملاقات‌نمایندگان‌دولت موقت بابرژینسکی و مذاکرات باآوبروز کرد، واین‌طرح‌شوروی‌برای‌منسی کردن آمریکا اجرای دقیق دستورالعمل محرمانه‌کارتربه‌برژینسکی بود":

"لازم‌است حسوءظن وعدم اعتمادی راکه بین‌ایران‌وهمسایگانش وجود دارد، مورد بهره‌برداری‌قرارداد ... رئیس جمهور (کارتر) معتقد است که‌پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی خصوصاتوسط اتحاد شوروی، حتمابه‌تضعیف‌مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی‌منجرخواهدشد".

بدینسان کوشش برای سازش و "بهبود مناسبات" باآمریکا از یکسو و کوشش برای تیره کردن مناسبات با اتحادشوروی ازسوی دیگرـ محور سیاست‌خارجی‌دولت موقت بود.

تبلیغ برای پیشبرداین خط سیاسی، یکسان معرفی‌کردن "دو ابر قدرت" بود. آمریکاوشوروی‌هردو "ابر قدرتند"، پس هردودشمن‌اند! شعبان بی‌مخ "تاج‌بخش" باپهلوان‌تختی‌هردو پهلوان‌اند، پس‌هردودشمن‌اند!

این "دوابرقدرت" (آمریکا و شوروی) بدینسان، ابتداهردو دشمن معرفی‌شدند، ولی سپس از یکدیگر تفکیک‌شدند. لیبرالهامی‌گفتند که:

"اگربزعم‌امام‌آمریکا شیطان‌کبیر است، مارکسیسم (بخوان شوروی) شیطان‌اکبراست"!

پس "دشمن‌اصلی" شوروی‌و دشمن‌درجهٔ دوم‌آمریکا است. به‌اضافه شوروی "ملحد" است وآمریکاموحد! پس با شوروی‌بایدخصومت ورزید و با آمریکا سازش کرد. وبدینسان "**گام به گام**" دوست جای دشمن قرار گرفت و دشمن جای دوست.

همین سیاست در داخل کشور نیز ازجانب لیبرالهااعمال شد. سازش با هرکس وهرگروه وهرنیروئی که طرفدارسازش باآمریکاومقابله‌باهرکس و هرگروه‌وهرنیروئی‌که‌مخالف سازش با آمریکاـ خط سیاست‌داخلی‌لیبرال‌ها بود. آنهاازخط امام "**کلافه‌شدند**" انقلاب را "**تخریب**" نامیدند. محازات‌ضدانقلاب را "**آبرو ریزی**" خواندندوسپس "**گام‌به‌گام**" تاآنجا پیش رفتندکه‌علنابه‌دفاع‌ازفئودالها و سرمایه‌داران‌ربان‌گشودند‌انقلابیون را "جلادان‌خونخوار وغارتگروشیخ‌خون‌زنی" معرفی‌کردندکه‌با "**چهره‌انتقام‌جویانه**" وبامبارزه‌بافئودالهاوسرمایه‌داران... به‌یک‌تیرسه‌نشان می‌زنند:

"پیاده‌کردن‌برنامه‌های مارکسیستی، ناراضی‌تراشی، ضد انقلاب وضداسلام‌سازی... از بین بردن بنیه‌اقتصادی‌کشورومردم، یعنی آمادگی‌برای بلعیده‌شدن ازطرف ابر قدرتها". (مراجعه‌کنیدبه مقالهٔ "دریابید" در روزنامه "میزان" شماره ۹ بهمن ۵۹)

البته‌این خط سیاست داخلی میبایستی‌دشمن‌داخلی‌را نیز سازش‌ـ ناپذیران باآمریکاوطرفداران "انقلاب کوخ‌نشینان" بداند، ازجمله حزب تودهٔ‌ایران را که‌**مظفربقائی** با همین هدف زمانی‌آنرا "توده‌نفتی" نامید و سپس معلوم شدکه‌خودمظفر بقائی کارگزارعمو سام‌وعامل‌کودتای "سیا" ساخته ۲۸مرداداست!

دولت موقت لیبرالهاساقط شد سپس‌**بنی‌صدر** نیزهمراه **بارجوی** و به کمک **معزی**‌خلبان شاه در "آبریز" هواپیماگریخت، ولی هنوزنیروهائی که طرفدارحالت نرمش وسپس سازش با آمریکاهستند وشوروی‌رامطرح‌می‌کنندتا آمریکارامنسی کنند، هراقدامی که‌بسود مستضعفان باشد "کمونیستی" می‌نامند شب و روز باخشم‌وکین‌برحزب تودهٔ ایران وسازمان‌فدائیان‌خلق ایران (اکثریت) لعن‌ونفرین‌می‌کنند و هر نیروئی راکه مخالف سازش باآمریکا و طرفدار مستضعفان است، نیروئی معرفی می‌کنندکه‌تحت‌تاثیرتوده‌ای ها قرارگرفته‌است ـ چنین‌نیروهائی‌هنوز وجود دارند.

بدیگرسخن، قوهٔ‌اجرائی‌کشوربه طورعمده از جنگ لیبرالها خارج‌شده، ولی‌مبارزه‌ادامه دارد. شیوهٔ مبارزه و سیاست‌آنها، همان‌شیوه‌وسیاست‌دولت موقت، همان‌شیوه‌وسیاست‌**بنی‌صدر** است شکل‌این‌مبارزه، قالب آن، گاهی تغییرمی‌کند، ولی‌خط همان‌خط است، باهمان محتوی‌وهمان‌هدف.

اخیرا آنها، همراه باتمام‌طیف نیروهای برانداز‌ی‌داخلی، به جنب و جوش بیشتری افتاده‌اند. صدایشان بلندتر، قلمشان‌بی‌پرواتر، زبانشان هتاکترشده‌است. گوئی یورش وحمله جدیدی را آغازکرده‌اند. اما این به‌اصطلاح‌حمله‌ازموضع ضعف‌است‌آنها احساس می‌کنندکه‌انقلاب به‌مرحله‌ای رسیده‌که‌باید مسائل بنیادی‌راحل‌کندو درصدداست که‌حل‌کند. کاردولتی کردن‌بازرگانی‌خارجی، مهارگرانی، ایجاداشتغال، بازگشائی‌دانشگاه‌ها اصلاحات‌ارضی‌بسود دهقانان‌زحمتکش تفکیک‌دوستان‌خارجی‌از‌دشمنان خارجی، ایجادروابط متقابلا‌سودمندبا کشورهای دوست، همکاری‌رزمنده با کشورهای‌جبههٔ ضدامپریالیستی‌وضدـ صهیونیستی‌بمقیاس منطقه‌و به مقیاس جهان، مسائلی‌است‌که‌دیگرانقلاب می‌بایستی‌آنهاراحل‌کندودرصدداست که‌حل‌کند. ازاین‌رواست که طرفداران سازش با امپریالیسم بسرکردگی‌آمریکاو مخالفان‌تعمیق‌انقلاب بسود مستضعفان به‌جنب‌وجوش‌افتاده‌اند. جنب‌وجوش آنهاازموضع ضعف‌است. آب که‌درلانهٔ عقرب بریزند، عقربها‌به‌جنب وجوش می‌افتند.

همان‌طورکه‌درسیاست‌خارجی حالت نرمش با آمریکا مقدمه سازش با آمریکاست و سازش با آمریکامقدمه‌مسخ انقلاب، درسیاست داخلی‌نیز حالت نرمش بامخالفان‌حل‌بنیادی‌مسائل بنیادی‌انقلاب، می‌تواندبه سازش با آنهاو درنتیجه‌به‌مسخ‌انقلاب منتهی شود. باقاطعیت باید در راه تعمیق انقلاب، بسوی تحقق اهداف‌انقلاب پیش رفت. توده‌های‌میلیونی در صف انقلابند، متکی‌به‌این‌نیروی‌عظیم، با اتحادهمه‌نیروهای‌انقلابی‌راستین زیر رهبری بادرایت‌امام‌خمینی‌می‌توان و بایدهرگونه‌مانعی‌را از سرراه انقلاب برداشت.

«لایحه قانونی تشکیل شورای اسلامی کارکنان ...» و آئین‌نامه‌های آن ناقض حقوق صنفی و شورائی کارگران و زحمتکشان است (۴)

مخالفت با تشکل‌های صنفی کارگران مغایر قانون اساسی است

درباره مغایرت "آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی، صنعتی کشاورزی و خدماتی" با حقوق صنفی و شورایی کارگران وزحمتکشان، مقرر درقانون‌اساسی جمهوری‌اسلامی ایران، ونتایج‌عملی مترتب براجرای این آیین‌نامه به‌زیان انقلاب وکارگران و زحمتکشان، مطالب بازهم بیشتری می‌توان نوشت. لیکن تصور می‌کنیم، آن‌چه گفته شد، فعلا برای اثبات‌این واقعیت کافی باشدکه، همانند مصوبه بنی‌صدری شورای انقلاب، "آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان..." نیز، هم با منافع کلی انقلاب و اصول مصرح‌در قانون‌اساسی جمهوری‌اسلامی ایران، و هم بانیازهای جنبش‌صنفی ـ شورایی کارگران و زحمتکشان ایران، که نیرومندترین جنبش مدافع انقلاب‌اسلامی ضدامپریالیستی و مردمی ایران‌است، مغایرت کامل دارد، لذا پافشاری در اجرای مصوبه و آیین‌نامه آن، نه به سود انقلاب و کارگران، که به‌زیان هر دوی آن‌هاست.

به نظر ما، این مسائل برمسئولین وزارت‌کار و اموراجتماعی‌پوشیده‌نبوده است. بااین وجود و با این‌که اجرای آیین‌نامه در واحدهای بزرگ‌تولیدی‌ـ خدماتی بامشکلات فراوان روبروست، معذالک مسئولین وزارت‌کار، نه فقط در ادامه تحمیل شوراها از بالا به کارگران‌کارخانجات‌اصرار دارند، بلکه از مدتی به‌این طرف درصدد تحمیل شورا به‌کارگران وزحمتکشان صنوف‌نیز برآمده‌اند. این دیگر معارضه‌ایست آشکار با سازمان‌های صنفی زحمتکشان صنوف، که ارسال‌ها به‌این‌طرف تحت عنوان "سندیکا" شناخته شده‌اند، و درمیان کارگران از اعتبار و نفوذکافی برخوردار هستند.

قبل از پرداختن به این مطلب، مقدمتا ضرور است به‌مطلب دیگری در همین زمینه اشاره کنیم. مسئولین وزارت کار و امور اجتماعی، که طبق "لایحه‌قانونی..." کذایی‌دست‌خود را در دخل‌وتصرف درتشکل‌های‌صنفی کارگران وزحمتکشان تحت‌عنوان شورا بازیافته‌اند، تنها به‌تدوین **"آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان واحدهای تولیدی‌ـ صنعتی‌ـ کشاورزی‌وخدماتی"** اکتفا نکرده‌اند، بلکه آن‌ها هم‌چنین به تدوین اساسنامه‌های تشکل‌های کارگری، نظیر **"اساسنامه شورای‌اسلامی کارکنان"**، که در کارخانه‌ها و کارگاه‌های بزرگ به‌اجرا گذاشته می‌شود، و **"آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان صنوف"**، که در واحدهای صنفی به اجرا گذاشته خواهد شد، مبادرت ورزیده‌اند.

"اساسنامه شورای‌اسلامی‌کارکنان" در ۱۳فصل و ۳۸ ماده و ۲۵تبصره، و **"آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان صنوف"** در۳۷ماده‌و ۱۵تبصره‌تدوین شده است. آیین‌نامه درجلسه۴/۱۷ـ ۶۰ شورایعالی کار، باحضور دونفر نمایندگان دولت، سه‌نفر نمایندگان کارفرما و سه‌نفر نمایندگان کارگران، به‌تصویب رسیده است.

"اساسنامه‌شورای اسلامی‌کارکنان" به‌جای آن‌که ناظر براجرای اصل۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باشد و چگونگی تشکیل **"شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران‌ودهقانان و دیگر کارکنان و مدیران"** و **"حدود وظایف و اختیارات"** قانونی آن‌ها را معین کند، در اصل‌اساسنامه یک‌تشکل صنفی است، به‌انضمام دخالت‌های "قانونی" که وزارت‌کار خود را در آن ذیصلاح دانسته است. غیر از این‌نیز نمی‌توانست باشد. وقتی وزارت کار و امور اجتماعی به‌جای توجه به اجرای دقیق اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به استناد مصوبه‌بنی‌صدری شورای‌انقلاب، خود را قیم تشکل‌های صنفی کارگران و زحمتکشان دانسته، و استقرارنظارت و کنترل‌دولتی برجنبش‌صنفی‌کارگران و ایجاد سازمان‌های صنفی‌دولتی ونیمه دولتی تحت‌عنوان شورا را هدف قرار داده است، جز این‌که دخالت‌خود را حتی تانوشتن‌اساسنامه برای‌سازمان‌های‌صنفی‌کارگران وزحمتکشان‌گسترش دهد، وظیفه دیگری نمی‌تواند برای خود قائل باشد.

ماهیت "اساسنامه شورای اسلامی کارکنان" چیست؟

مسئولین وزارت‌کار و شورایعالی کار در تدوین اساسنامه‌ها، متاسفانه عملا طبق مصوبه بنی‌صدری شورای انقلاب، با هدف‌های یادشده، عمل کرده‌اند، ولی از آن‌جا که ظاهراتوجه داشته‌اند که تحمیل آن نظرات به کارگران و زحمتکشان به‌سادگی امکان پذیر نیست، در تنظیم اساسنامه‌ها، تاآن‌جا که‌توانسته‌اند، به‌دفاع ظاهری ازمنافع کارگران سخن‌گفته‌اند. به‌همین جهت "اساسنامه شورای اسلامی کارکنان..." به‌ظاهرهیچ دست‌کمی از اساسنامه سازمان صنفی ندارد.

تنظیم‌کنندگان اساسنامه‌خواسته‌اند القاءشبهه کنند که شورا همان‌سازمان صنفی است، زیرا اساسنامه‌به "شورای اسلامی کارکنان" حق می‌دهد که به مسائل استخدام، مرخصی، غیبت، بیماری، ساعات‌کار، دستمزد ومزایا، اضافه‌کار، اخراج، انضباط کار، ترفیعات، پاداش‌سالانه، بیمه‌وخدمات درمانی، بازنشستگی، مسکن، شرکت ـ های تعاونی، صندوق تعاون قرض ـ الحسنه، وام‌بیکاری، غذا، رستوران، لباس کار، مهدکودک، سرویس ایاب و ذهاب، امور ورزش و حتی‌مشارکت در انعقاد پیمان‌های دسته‌جمعی کار و نظایر آن (رجوع شود به‌بندهای۶ و ۷ و ۸ و ۹ اساسنامه شورای اسلامی کارکنان)، که همه از وظایف سازمان صنفی است، می‌پردازد. اما در همین اساسنامه گفته نشده است‌که، شورایی که "مرکب ازکلیه‌کارکنان از کارگرساده تا **مدیریت** است" (ماده۱) و "مجمع کارکنان آن با **حضور و نظارت‌نماینده واحد کار و امور اجتماعی** برگزار می‌شود" (ماده۱۰) و از کارگر تا **مدیر** برای انتخاب در شورا ذیحق هستند (ماده۱۴) و درصورت بروزاختلاف در "انتخاب یا **تجدید انتخاب دبیر، مسئول هم‌آهنگی و مسئولین کمیته‌ها**" رای **"هیئت نظارت برامور شوراها"**، که نماینده کارفرما نیز در آن حضور دارد، "**و واحد کار و امور اجتماعی**" قطعی و لازم‌الاجراست، (ماده ۱۹) چگونه می‌تواند به‌خواست‌های‌کارگران در این‌زمینه‌ها تحقق‌بخشد؟ (همه‌جا تکیه از ماست).

در اساسنامه گفته نشده است که، شورایی که هیچ ضمانت اجرایی برای تصمیمات‌خود و قبول‌نظریاتش‌ازطرف **کارفرما و مدیر** ندارد، چگونه میتواند خواست‌های صنفی یادشده رابرآورد؟ علاوه‌براین، تحت این‌عنوان‌که "نحوه نظارت شورا در امور واحد نباید به نحوی باشد که مانع گردش طبیعی کار گردد." (تبصره ۱ ماده۲۳)، و تحت عناوین "**تخلف از مقررات اساسنامه‌و مقررات مربوطه، استنکاف از اجرای آراء هیئت‌حل‌اختلاف وشورایعالی‌کار، اخلال درجریان و گردش طبیعی کار واحد واخلال‌در انعقادواجرای‌پیمان‌های کار**" و همه موارد دیگری که در قسمت ۱۲ اساسنامه و مواد ۳۷ و ۳۸ پیش‌بینی‌شده، شورایی‌که باید به‌مثابه سازمان صنفی عمل کند، به **انحلال** تهدید شده است. (همه‌جا تکیه از ماست).

به جهات یادشده، و هم‌چنین به دلیل این‌که وظایفی‌که برای دبیرشورا در ماده ۲۵ ذکر شده (**انجام مکاتبات و ابلاغ تصمیمات و حفظ و نگه‌داری اسناد و تهیه و تنظیم صورت‌جلسات و تهیه و جمع‌آوری مدارک و حفظ لوازم و اثاثیه و محل شورا و نظایر آن**) همه وظایف‌دفتری ـ اداری‌است، نه‌وظیفه دفاع از منافع اعضاء شورا، "شورای انتخابی" فرسنگ‌ها با تشکل وسازمان صنفی فاصله دارد.

بدینسان، **"شورای‌اسلامی‌کارکنان"**، طبق ضوابط اساسنامه‌ای که وزارت کار و اموراجتماعی برای‌آن درنظر گرفته، به هیچ‌وجه سازمان صنفی منطبق بر موازین اصل۲۶ قانون‌اساسی‌جمهوری اسلامی‌ایران نخواهد بود. اماآیااین شورا، شورای موضوع اصل۱۰۴ قانون اساسی خواهدبود؟ متاسفانه‌پاسخ‌این سئوال نیز منفی‌است، زیرا این‌شورا، **اولا** "شورایی مرکب از **نمایندگان** کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران"، به عنوان نهاد قانونی، نیست، و **ثانیا** برای "**تامین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌هاو ایجادهمکاری درپیشرفت‌امور واحد**" فاقدقدرت‌اجرایی‌است. نه‌فقط "آیین نامه"، که "اساسنامه شورای اسلامی کارکنان" نیز در این‌زمینه‌هانقش شورا را تامقام‌پادو وبردست‌مدیریت پایین می‌آورد. در کلیه مواد اساسنامه، ضرورت همکاری شورا با مدیریت به دفعات‌و به‌کرات‌خاطرنشان شده‌است، ولی حتی یک‌مورد رانمی‌توان‌یافت‌که مدیریت به‌رعایت‌نظرات شورا موظف شده باشد.

"اساسنامه شورای‌اسلامی‌کارکنان"، نه تنها از آن جهت که بر واقعیت موجود در واحدهای بزرگ‌تولیدی‌ـ خدماتی (شناسایی تشکل‌های‌صنفی) منطبق نیست، بلکه هم‌چنین از آن جهت که حقوق شورایی کارکنان را مغلوط ومخدوش‌می‌سازد، قابل‌قبول نیست. اساسنامه‌گمراهی بیشتری را درحل‌مسائل‌مدیریت، شوراوسندیکا در فعال‌ترین بخش اقتصادصنعتی‌ـ خدماتی کشور ایجاد می‌کند. اجرای اساسنامه، همان‌طورکه درمورد "لایحه قانونی" و "آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان" خاطرنشان ساختیم، جزسر درگمی بیشتر در روابط تولیدی در واحدهای بزرگ تولیدی ـ خدماتی‌و اختلال ناشی از آن، نتیجه دیگری نداشته و نخواهد داشت.

"آئین‌نامه شورای اسلامی کارکنان صنوف" چه صیغه‌ای است؟

همانطورکه‌قبلا اشاره‌کردیم، وزارت کارواموراجتماعی تنهابه‌اجرای "لایحه قانونی" و آیین‌نامه واساسنامه‌های ناشی از آن در واحدهای تولیدی ـ خدماتی بزرگ اکتفا ننموده است. مسئولین وزارت‌کار تحت‌عنوان‌تدوین **"آیین‌نامه شورای اسلامی کارکنان صنوف"** درصدد برآمده‌اند که تجربه "شوراها" را برکارگران صنوف (جایی که یک‌یاچندکارگر در کارگاه‌های‌کوچک پیشه‌وری‌به‌کاراشتغال‌دارند.) نیزتعمیم دهند. باید‌به‌وضوح گفت‌که‌پیاده‌کردن "شورا" در صنوف به‌معنای محروم داشتن قشروسیعی‌ازرحمتکشان‌ازتشکل صنفی است.

ماقبلا خاطرنشان ساختیم که‌عنوان کردن "شوراهای اسلامی‌کارکنان" عملا به معنی نفی ضرورت تشکل‌های آزاد صنفی در واحدهای بزرگ تولیدی ـ خدماتی، و درنتیجه به‌زیان انقلاب و به‌سود بزرگ‌سرمایه‌داری است. در موردروش وزارت‌کارواموراجتماعی در تحمیل "شورا" به‌جای سازمان‌صنفی به‌کارگران **صنوف** نیز باید خاطرنشان سازیم‌که، این‌امرعملا‌به‌زیان‌میلیونها کارگر و زحمتکشی است که، تا همین امروزهم دربدترین‌شرایط کار وزندگی به‌سرمی‌برند. این‌کارگران، نه فقط در گذشته، بلکه درحال‌حاضر نیزازشمول مقررات قانون کار، که ده‌ها سال از تصویب آن می‌گذرد، محروم باقی مانده‌اند.

قبل‌ازهرچیزبایدخاطرنشان سازیم که در دوران انقلاب وطی سه‌سال پس از پیروزی آن، هیچ‌کس شاهدپیدایش "شوراها" درمیان‌کارگران‌صنوف نبوده است. دلیل این‌امر نیز واضح است. تولیدات خرده‌پیشه‌وری، با وجود هزاران کارفرمای خرده‌پای خصوصی‌و پراکندگی آنان و سطح نازل تولید اجتماعی، مسئله‌ای به‌نام **"همکاری درتهیه‌برنامه‌ها وایجادهم‌آهنگی در پیشرفت امور"** را مطرح نمی‌سازد، که پیدایش شورا، به‌آن معنی که‌در اصل ۱۰۴ قانون اساسی آمده، در این‌جا ضرورت‌داشته‌باشد. کارفرمای‌پیشه‌ور، بدون شور و مشورت، وضع تولیدو کار خود را سروسامان می‌دهد. او مانند مدیرکارخانه‌نیست که‌به‌دلیل‌اجتماعی بودن امر تولید به‌معنای واقعی‌کلمه، ضرورتا بایدکارش‌متکی به‌شوروومشورت باشد، و اگر غیر از این‌باشد، به‌منافع جامعه زیان می‌رسد.

اما در همین کارگاه‌های پیشه‌وری کوچک ما میلیون‌ها کارگر و زحمتکش داریم، که گرفتار شدیدترین نوع استثماربمعنای‌قرون‌وسطایی آن‌هستند. قسمت‌اعظم صدهاهزار کودک‌زیرسنین کار درکشورما درهمین‌کارگاه‌های‌کوچک پیشه‌وری استثمار می‌شوند.

شرایط و محیط کار در کارگاه‌های کوچک بمعنای‌واقعی‌کلمه غیربهداشتی وجان‌فرساست. ازشمول‌قانون‌کاروبیمه و مرخصی هفتگی و تعطیل سالانه در این کارگاه‌ها، که ساعات کار روزانه آن‌ها باطلوع وغروب آفتاب اندازه‌گیری می‌شود و دستمزدها در سطحی چندبرابر نازل‌تر از حداقل دستمزد قرار دارد، کوچک‌ترین‌خبری‌نیست.

مجموعه‌این‌وضع نه‌امروز، که‌ازسالها به این طرف، ضرورت مبارزه صنفی کارگران صنوف و تشکل آن‌ها را در سازمان‌های‌صنفی به‌وجودآورده‌است. پیدایش سندیکاها در میان کارگران صنوف از ده‌ها سال به‌این طرف، و تعلق‌خاطرکارگران بسازمان‌های‌صنفی خود، از همین ضرورت ناشی شده و می‌شود.

رژیم‌طاغوتی شاه، درحالی که به ظاهر خود را پای‌بند اجرای قوانین کار وانمودمی‌ساخت، درعمل‌وحشی‌ترین خصم تشکل‌های صنفی کارگران‌و زحمتکشان بود. به‌همین‌جهت ازمیان میلیون‌ها کارگر و زحمتکش، منجمله‌و به ویژه در صنوف، تعداد قلیلی از کارگران بودند که به‌ایجادسازمان‌های صنفی و ازطریق مبارزه آن‌ها به‌بهبود نسبی شرایط کار و زندگی خود موفق شدند. اکنون در سایه‌انقلاب‌اسلامی ضدامپریالیستی‌ومردمی، که‌کارگران‌خود درپیروزی‌آن نقش قاطعی بعهده‌داشته‌اند، کارگران و زحمتکشان می‌خواهند باایجادسازمان‌های‌صنفی‌آزادو مستقل خود، منجمله و به‌ویژه در صنوف، هر چه زودتر وضع کار و زندگی خود را بهبود بخشند و از حقوقی که **قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای آن‌ها به‌رسمیت شناخته، برخوردار گردند.**

وظیفه‌ای‌که‌انقلاب دربرابرحاکمیت انقلابی، منجمله وزارت کار و امور اجتماعی، قرارداده، اینست‌که، تشکل صنفی کارگران و زحمتکشان را تسهیل نماید. تنها بدین‌وسیله می‌توان به کارگران کمک‌کرد، تاهرچه‌زودتراز زیر ظلم‌و استثمار قرون‌وسطایی حاکم بر کارگاه‌های پیشه‌وری، که نمونه آن در کارگاه‌های قالی‌بافی، کوره‌پزخانه‌ها، نانوایی‌ها، کفش‌دوزی‌ها وغیره آشکارا مشاهده می‌شود، رهایی یابند.

باتاسف فراوان باید خاطرنشان ساخت که، مسئولین وزارت‌کار به‌جای اندیشیدن به‌این‌مسائل (همان‌طور که در نامه گروهی از سندیکاهای کارگران تهران‌وحومه به‌وزارت‌کارگفته‌می‌شود) باامتناع ازشناسایی‌سندیکا و اصرار بر ایجاد شورا در صنوف، خواسته یاناخواسته، **"به ایجاد سردرگمی بین کارگران‌صنوف وتشدیداختلاف‌و دودستگی درمیان"** کارگران وزحمتکشان دامن می‌زنند. (مراجعه شود به‌جزوه شماره۵ "پیام‌همبستگی، شهریور و مهر ۱۳۶۰، صفحه۲۱).

مطالعه **"آیین‌نامه شورای اسلامی صنوف"** مصوبه‌شورایعالی کار نشان می‌دهد که، همان‌طور که آیین‌نامه و اساسنامه "شوراهای اسلامی‌کارکنان" بروضع واحدهای تولیدی ـ خدماتی انطباق‌ندارد، همان‌طورهم آیین‌نامه صنوف پاسخ‌گوی خواست میلیون‌ها کارگر وزحمتکش‌شاغل در کارگاه‌های کوچک پیشه‌وری نیست. "آیین‌نامه شورای‌اسلامی‌صنوف" مبتنی برموعظه سازش‌ومیدان‌دادن به‌نظارت‌کارفرمایی‌و محروم‌داشتن کارگران صنوف از حق تشکل‌آزاد ومستقل‌صنفی درعرصه‌ای از تولید اجتماعی در جامعه ماست، که در آن‌جا مستضعف‌ترین قشر طبقه کارگر ایران، زیر شدیدترین و بی‌رحمانه‌ترین‌استثمار آشکاروم‌خفی‌قرار دارد، و به‌معنای کامل کلمه محتاج نجات از این‌وضع است.

آیین‌نامه نه‌فقط تسهیلی‌درتشکل کارگران صنوف و بالمآل بالا بردن قدرت‌مبارزه آن‌ها به‌وجودنمی‌آورد، بلکه تحت‌عنوان تشکیل‌شورا، تشکل صنفی کارگران صنوف را از مضمون طبقاتی تهی‌می‌سازد، ابتکاردرتشکل از پایین به‌وسیله خود کارگران را با دخالت واحد کار و امور اجتماعی و هیئت‌های نظارتی، که کارفرمایان در آن‌ها شرکت‌دارند، عوض می‌کندوحتی به‌ایجادتفرقه‌ودودستگی درتشکل‌های صنفی میدان می‌دهد. ایجاد بیش از یک‌شورای اسلامی در یک‌صنف (تبصره ۱ماده۳آیین‌نامه) مگرعملا دامن‌زدن به اختلاف در بین کارگران صنف و متفرق ساختن آن‌ها به‌نفع کارفرمایان نیست؟

در ماده۲۲ آیین‌نامه‌گفته‌می‌شود: "شورا درتهیه‌وتنظیم مقررات داخلی‌واحدهای صنف مربوط‌ازقبیل آیین‌نامه‌های‌انضباطی **بامدیریت‌های صنف یا سازمان آنان** (تکیه‌ازماست) تبادل‌نظر نموده... با مدیریت‌ها تشریک‌مساعی می‌نماید. **بدیهی‌است اجرای مقررات وآیین‌نامه‌ها به عهده مدیریت‌صنفی‌است.**" (تکیه‌ازماست)

در تبصره ماده۲۳ به‌شورا توصیه می‌شود که جلسات شورا را با دعوت از **"مدیریت واحد صنفی مربوط یا نماینده وی"** تشکیل دهند. آیااین مواد و تبصره‌ها به‌وضوح نشان‌نمی‌دهد که شوراهای صنوف تابعی از تمایلات مدیریت‌های صنف، یعنی کارفرمایان، خواهد بود؟

درمواد ۴، ۷، ۹، ۱۰، ۱۷، ۲۵، از تنظیم اساسنامه گرفته تا بررسی‌شرایط داوطلبان نمایندگی، برگزاری

بقیه‌درصفحه ۱۱

مجلس شورای اسلامی درهفته‌ای که گذشت:

آمریکا درحال تدارک زمینهٔ جنگ دیگری علیه جمهوری اسلامی ایران است

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسات علنی هفتهٔ گذشته، بااشاره به‌توطئه‌ها ی امپریالیسم آمریکاعلیه‌انقلاب اسلامی ایران، خواستار هشیاری بیشتر مسئولان‌کشور شدند. دراین جلسات، که‌در روزهای ۲۷، ۲۹ و ۳۰ دی ماه ۶۰ تشکیل شد، برخی ازنمایندگا ن مجلس، همچنین با اشاره به اعطای حق ویژه از طرف امام خمینی به مجلس برای تصویب لوایح ضروری. گفتند که: چرا تاکنون عملی در این جهت‌قطعیت نیافته است. این نمایندگان اظهار امیدواری کردندکه، باتصویب‌وعملی شدن لایحهٔ دولتی کردن‌بازرگانی خارجی، دست سرمایه‌داران‌وابسته‌کوتاه‌شودوباتعیین‌تکلیف درمورد مالکیت اراضی مزروعی، روستائیان از زیر بار ظلم خوانین و فئودالها رها شوند.

اولین جلسهٔ علنی مجلس در هفتهٔ گذشته، روز یکشنبه ۲۷دی ۶۰ تشکیل شد. دراین‌جلسه مستعفی شناختن سه تن‌ازنمایندگان‌مجلس: احمد سلامتیان، احمد غضنفرپور و کرمی با اکثریت آراء تصویب شد.

اولین ناطق پیش از دستوراین جلسه، محمد اخلاقی‌نیا، نماینده مردم سیرجان بود. وی در آغاز سخنان خود از "مردان و زنانی که‌با اطاعت از امام‌وتعهدبه‌نظام‌جمهوری اسلامی" به‌همه خطوط‌انحرافی پشت پازده‌اند و "ملی‌گرایان ولیبرال‌ها و منافقین و دیگر احزاب ودستجات شیطانی وابسته به‌آمریکای‌جنایتکار" را ازصحنه سیاست‌کشورخارج ساخته‌اند، خواست‌که جبهه وپشت جبهه را تقویت‌کنند.

ناطق بااشاره به اجازه امام خمینی به‌مجلس درتصویب لوایح ضرور، گفت:

"بیش‌ازسه‌ماه‌از اجازهٔ امام‌به‌مجلس در موردتصویب قوانینی که‌میتوانندرافع عسر وحرج باشند، وتاخیر درتصویب آنهازیانبار است، میگذرد. خصوصا با توجه‌به‌اینکه در پاسخ‌امام به‌نامه‌ریاست محترم مجلس، تصویب واجراء مجاز شمرده‌شده‌است، تاکنون کدام عمل‌در این‌جهت قطعیت یافته‌است؟"

ناطق سپس گفت:

"مسئلهٔ مسکن همچنان بیداد میکند و زمین همچنان سیر صعودی خودرا می پیماید... اگر لایحه‌اراضی شهری‌برخلاف شرع‌است، طرحی دهید که‌این‌مشکل راحل‌کند. اگر بر خلاف شرع‌نیست، پس چرادرقطعیت یافتنش تردید روامیدارند؟"

"نمایندهٔ مردم سیرجان بااشاره به‌مسئلهٔ اراضی کشاورزی‌گفت:

"چرانباید قانونی از مجلس بگذرد که برای‌همیشه دست چپاول مالکین‌بزرگ راکوتاه‌کند؟ من از همه نمایندگان‌محترم، که‌دردمحرومین‌را به خوبی درک‌میکنند، میخواهم‌که باپی‌گیری قاطع این‌مسئله، یکبار برای همیشه مشکل زمین را حل نمایند و بیش ازاین تاخیر رادراین‌زمینه‌اجازه ندهند."

اخلاقی‌نیا پس از قرائت‌بیانات امام‌خمینی دربرابر فقهای شورای نگهبان‌گفت:

"می بینیم که‌امت‌همان‌میخواهد که‌امامش‌میخواهد. پس‌چه‌کسی نمی‌خواهد؟"

آنگاه مسئلهٔ تعیین تکلیف نمایندگانی که به‌علت غیبت‌طولانی غیرموجه از مجلس، مستعفی شناخته شده‌اند، مطرح‌شد. دراین‌جامعین‌فر و یدالله‌سحابی درمخالفت با مستعفی شناختن احمد غضنفرپور مطالبی‌بیان داشتند. حجت‌الاسلام‌خوئینی‌ها به عنوان موافق سخن گفت‌وازجمله‌یادآورشدکه:

"مدافعین غضنفرپورمدعی شدند که‌ایشان‌چون در زندان‌بوده، اختیار نداشته‌است، ومدعی شدندکه غیبت ایشان‌موجه‌بوده‌است. امایک‌وقتی ما میخواهیم براساس آئین‌نامه مجلس صحبت‌کنیم، آنهم درباره‌کسی که می‌دانیم‌مجلس راقبول دارد وآئین‌نامه را قبول دارد، دراین صورت عیبی نداشت که دراین زمینه صحبت کنیم. اما ماحالا درباره چه‌کسی داریم صحبت‌میکنیم؟ درباره کسی داریم صحبت‌میکنیم که هم‌پیمان وهمکار بوده‌است بافردی که برای براندازی این‌مجلس همکاری کرده‌است... او میخواسته‌است اساس جمهوری اسلامی رابراندازد. آیاچنین‌کسی را می‌توان گفت‌اصول به‌مااجازه‌نمیدهد که‌درباره‌اش‌تصمیم بگیریم؟! واگرمیتوانست‌حتی مجلس رامنفجرکند، این کار رامیکرد."

> * متوقف شدن طرح اصلاحات‌ارضی باعث نوعی سردرگمی‌وبهم‌ریختگی در امر کشاورزی شده‌است.
> * برخی از نمایندگان مجلس خواستار تعیین تکلیف مالکیت اراضی مزروعی شدند.
> * مردم را برای مقابله باتوطئه‌های آمریکا بسیج‌کنید.
> * چرانباید قانونی از مجلس‌بگذرد، که برای همیشه دست چپاول مالکین‌بزرگ راکوتاه‌کند؟

بااجرای اصلاحات ارضی روستائیان را به حق واقعی خود برسانید

دومین جلسه علنی مجلس در هفته گذشته، روزسه شنبه ۲۹دی ۶۰ تشکیل شد. دراین‌جلسه، بنابه‌پیش‌نهاددکتر هادی، طرح‌قانونی مطبوعات به‌علت داشتن چند اشکال قانون اساسی، با اکثریت آراء مسکوت‌گذاشته شد.

در این جلسه شهاب‌الدین بی‌مقدار نماینده مردم‌ورزقان به عنوان اولین ناطق پیش از دستور سخن‌گفت. ناطق بااشاره به‌یکی از اهداف انقلاب درزمینهٔ "رسیدن به‌استقلال واقعی در زمینه‌های صنعتی وکشاورزی واقتصادی" یادآورشدکه‌متاسفانه "اقدام عملی در این‌مورد انجام‌نگرفته‌است." وی‌آنگاه گفت:

"درست‌دراین‌رابطه‌است که‌لزوم برنامه‌ریزی دقیق و مدون شده ای احساس‌میشود."

ناطق سپس به بررسی ابعاداین مسائل پرداخت و در زمینهٔ مشکل کشاورزی و مسئله مالکیت زمین‌های مزروعی گفت:

"مشکل عمده‌ای که گریبانگیریک برنامه‌ریز وطراح‌در کار برنامه‌ریزی و طراحی چگونگی رسیدن به‌خودکفائی کشاورزی خود را نمایان‌میکند، مسئله مالکیت اراضی مزروعی وکشاورزی می‌باشد که پس از متوقف شدن طرح اصلاحات‌ارضی باعث نوعی سر در گمی وبهم‌ریختگی در امر کشاورزی‌شده است."

نمایندهٔ مردم ورزقان آنگاه از مجلس وشورای نگهبان خواست‌که هر چه‌زودترتکلیف مالکیت اراضی‌مزروعی را روشن کنند، تا "روستائیان رنج‌دیده و ستم‌زده مابه حق‌واقعی خود رسیده و از زیر بار ظلم خوانین و فئودال‌ها رهایی‌یابند."

شهاب‌الدین بی‌مقدار اظهار امیدواری‌کردکه:

"با تصویب و عملی شدن‌لایحه دولتی کردن‌بازرگانی خارجی، دست خونخواران و سرمایه‌داران وابسته از سر این‌امت رنج‌کشیده کوتاه" شود. وی همچنین خواستار تعیین حدود مالکیت‌صنعتی شد.

ایرج‌صفائی دزفولی، نمایندهٔ مردم‌آبادان‌دومین ناطق پیش ازدستور این‌جلسه‌بودکه، ضمن‌اشاره‌به‌خساراتی که‌ازحمله‌اخیرمزدوران‌صدامی به‌آبادان واردآمده، درخصوص‌توطئه‌ای که‌ازسوی امپریالیسم‌آمریکا علیه‌انقلاب اسلامی ایران درشرف تکوین‌است، هشداردادو گفت:

" درمنطقه خلیج‌فارس زمینهٔ نظامی وسیاسی تحمیل جنگ دیگری‌از طرف آمریکا برما درحال تدارک‌است".

وی‌ازمسئولان خواست‌که بااین مسئله باقاطعیت برخوردکنند و بسیج همگانی دهند.

امیداست که مجلس براساس تفویض اختیار امام خمینی مسائل اساسی را دراسرع وقت حل‌کند

درجلسه بعد ازظهر مجلس، برخی‌نمایندگان سئوالات خود را ازدولت و وزرای دولت مطرح‌کردند.

سومین‌جلسهٔ علنی مجلس درهفتهٔ گذشته در روز چهارشنبه ۳۰ دی ۶۰ تشکیل شد. اصغر رستمی نمایندهٔ مردم نقده ناطق پیش از دستور، طی سخنانی اظهارامیدواری‌کردکه:

"مجلس باتفویض اختیاری که‌از طرف امام معظم بعمل آمد، مشکل‌زمین مسکن‌وسرمایه‌های‌نامشروع‌ودیگرمسائل اساسی را دراسرع وقت حل‌نماید."

دراین جلسه "قانون خدمات درمانی‌وبهداشتی پزشکان" ازتصویب نمایندگان‌گذشت.

درچهارمین‌جلسهٔ علنی مجلس که‌روزپنجشنبه اول‌بهمن ۶۰ تشکیل شد، کار بررسی "لایحه‌قانون دیوان محاسبات" ادامه‌یافت. دراین جلسه مواد دیگری از این لایحه مورد بحث‌و بررسی قرارگرفت. دراین جلسه هم‌چنین استعفانامه اسماعیل معزی از نمایندگی مجلس، توسط حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی رئیس مجلس قرائت گردید.

اصلاحات ارضی...

بقیه‌ازصفحه۶

اعتباری ومالیاتی ویژه وسیاست‌مناسب قیمت‌گذاری، توسعهٔ تعاونی‌هاراتشویق میکند. دولت ازهمان ابتدا نسبت به آموزش کادرهای مدیریت تعاونی‌ها توجه خاصی مبذول داشت و تدابیر فراوانی‌درجهت محو عقب ماندگی اجتماعی وفرهنگی روستاهااتخاذنمود

ایستگاه‌های ماشین‌آلات‌وتراکتور دراین‌زمینه نقش‌مهمی راایفاکردند. ازآغازجنبش‌تعاونی‌این‌ایستگاه‌هامحل تمرکز وسائل‌کشاورزی مدرن‌بودند و عملیات‌شخم وبرداشت وغیره را به قیمت‌های نازل برای‌تعاونی‌ها وبهره‌برداران‌خانوادگی انجام‌می‌دادند. تعاونی‌ها درآغازتوان مالی لازم‌جهت خرید ماشین‌آلات سنگین را نداشتندو وتنهاازاین طریق بود که‌توانستند، بدون‌وام‌های‌سنگین، از وسائل مدرن استفاده‌کنند. خدمات ارائه شده‌توسط ایستگاه‌های‌ماشین‌آلات وتراکتور موجب شدکه بهره‌برداران‌خانوادگی به‌شرایط بهتر وسودمندی واحد های بزرگ تعاونی پی ببرند. پیشرفت‌ها ی علمی وفنی نیز از طریق این‌ایستگاه‌ها تعمیم‌یافت. این‌ایستگاه‌ها همچنین درآموزش وتربیت بخش مهمی از کادر های فنی تعاونی نقش خود را ایفا کردند. پس ازتحکیم تعاونی‌ها، ماشین آلات این‌ایستگاه‌ها به‌خود‌تعاونی‌ها واگذار شد وامروزه، ایستگاه‌های مزبور به‌ایستگاه‌های‌تعمیرات‌فنی تبدیل شده‌اند.

رشد‌تعاونی‌هامستلزم سرمایه‌گذاری‌های کلان‌است، لذا برای اینکه این‌سرمایه‌گذاری‌ها موجب کاهش درآمد اعضاء تعاونی‌هانگردد، دولت باشرایط مناسب (بهره ۲ درصدبطور متوسط) وامهای میان‌مدت‌ودرازمدت دراختیارشان‌میگذارد.

عمومیت‌یافتن تعاونی‌های کشاورزی

درفاصلهٔ سالهای ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۰ (۱۳۳۱ تا ۱۳۳۹)، ۹۰۱۴۹۰ دهقان‌بطورداوطلبانه‌در ۱۹۳۱۳ تعاونی‌تولیدگردهم‌آمدند و مجموعا ۵۴۰۸۰۶۴ هکتار، یعنی ۸۴/۲ درصد اراضی کشاورزی آلمان دمکراتیک را دراختیار داشتند. از سال ۱۹۶۰ به بعد، با پیشرفت تعاونی‌ها، ضرورت به‌هم پیوستن آنهابه‌یکدیگر احساس شد، درنتیجه بتدریج تعداد آنهاکاهش‌یافت ودرعوض ابعادهریک گسترش پیداکرد. امروزه‌تعاونی‌ها ی تولیدکشاورزی بطورمتوسط بین ۴۰۰۰ تا ۶۰۰۰هکتارمساحت دارند. درسال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴)، تعدادتعاونی ها ۴۶۲۱بود، که‌مجموعا ۸۴۹۲۸۴عضو و ۵۴۰۵۶۰۰ هکتار زمین‌داشتند.

ادامه دارد

"لایحهٔ قانونی..."

بقیه‌ازصفحه۱۰

انتخابات، ارسال ماهانه صورت‌جلسات، ثبت شورا در دفتر، خلاصه کلیه فعالیت شورا زیرنظارت و دستور واحدکار و امور اجتماعی صورت می‌گیرد. در تبصره۲ ماده۱۲، نه فقط تصمیم وزارت کار و امور اجتماعی، بلکه تصمیم هیئت‌نظارت، که‌کارفرما نیر درآن شرکت دارد، ظرف ضرب‌الاجل پنج روزه برای شورا قطعی و لازم‌الاجرا اعلام شده است. مگر همه این‌مراتب حاکی‌از دخالت‌علنی کارفرما و وزارت کار در امور شوراهای صنفی نیست؟

دیگر مواد"آیین‌نامه شورای‌اسلامی کارکنان‌صنوف"نیز حاوی‌قیدو بندهایی است که در "آیین‌نامه شورای اسلامی‌کارکنان درواحدهای تولیدی ـ خدماتی درنظرگرفته‌شده، نظیراین که""کسانی که قبل از ۲۲ بهمن عضو هیئت‌مدیره‌سندیکاو یانماینده‌کارگران بوده‌اند، نمی‌توانند به‌عضویت شورا انتخاب شوند".(تبصره ماده۱۹). یا این‌که "در صنوفی که شورا تشکیل می‌شود جمعیت‌های‌صنفی دیگررسمیت نخواهدداشت." (ماده۲۸).

جالب این که، برای انتخاب نمایندگان مدیران واحدها (کارفرمایان‌صنوف) درهیئت‌های نظارت برامور شوراها واصولا در سازمان‌های صنفی کارفرمایان چنین قیودوشروطی ذکر نشده است. وزارت کار و امور اجتماعی، که نسبت به‌نظارت‌وکنترل برسازمان‌های‌صنفی‌کارگران‌وزحمت‌کشان این‌قدر حساس است، رعایت استقلال سازمان‌های صنفی کارفرمایی و عدم دخالت در امور آنان را لازم شمردد است. (مراجعه‌شود به‌مواد ۳۴ و ۳۵ "آیین‌نامه‌شورای‌اسلامی کارکنان صنوف"). علاوه‌براین، تحت عنوان "کارکنان"، به‌حضورکارفرمایان‌صنفی درمجامع زحمتکشان صنف نیز میدان داده‌شده‌است. (به‌مواد ۱، ۳و۵ آیین نامه مراجعه شود).

به‌طوری‌که از ماده۲۸ استنباط می‌شود؛

"درصنوفی‌که شوراتشکیل‌می‌شود، جمعیت‌های‌صنفی دیگر (تکیه‌ازماست) رسمیت نخواهد داشت."

بدین‌سان، تلقی‌مسئولین وزارت‌کار واموراجتماعی از "شورا" "همان‌سازمان صنفی است. این‌که "شورا" رابه‌همین نام نام‌گذاری نکرده‌اند، دلیل آن، همان‌طورکه درمورد "شوراهای اسلامی کارکنان‌واحدهای‌تولیدی ـ خدماتی" گفتیم، روشن است. اگر "شورا "تشکل صنفی‌تلقی‌می‌شد، آن‌وقت‌غیرقانونی بودن دخالت‌های وزارت کار و امور اجتماعی‌در کارهای‌آن مطرح می‌شد. به‌علاوه، این مطلب مطرح می‌شد که به چه دلیل حق شورایی کارگران و زحمتکشان تضییع شده است؟

مسئولین وزارت‌کارو اموراجتماعی باتعویض نام "سندیکا" با "شورا" متاسفانه دو کارنادرست کرده‌اند: هم دخالت‌های‌غیرقانونی‌خود را در امور سازمان صنفی کارگران قانونی جلوه داده و درنتیجه کارگران و زحمتکشان را از داشتن تشکل‌های صنفی آزاد و مستقل محروم ساخته‌اند (یعنی اصل ۲۶قانون‌اساسی جمهوری‌اسلامی‌ایران را زیرپا گذاشته‌اند) و هم حق ایجاد شوراهایی‌را که اصل۱۰۴قانون‌اساسی به کارگران و زحمتکشان وعده داده است، تضییع نموده‌اند.

مسئولین وزارت‌کارو اموراجتماعی درمورد کارگران‌صنوف نیز کوشیده‌اند آن‌ها را عملا از داشتن سازمان‌های صنفی آزاد و مستقل محروم سازند و تحت‌عنوان "ایجادشوراهادرصنوف" درصددبرآمده‌اندکه فکرایجاد تشکل‌های دولتی یا شبه‌دولتی را در میان صدهاهزار کارگر و زحمتکش صنوف‌نیز تسری دهند.

ادامه‌دارد

نارسایی های...

بقیه از صفحه ۷

ها در "بازارمشترک"، نمیتوان بنظریه این شرکت درباره قیمت‌ها اعتماد نمود وچنانچه بر ادامه قرارداد پافشاری گردد، باید بوسیلهٔ مهندسین مشاور مطمئن وقابل اعتمادی که درکشورهای غیروابسته میتوان یافت، قیمتهای قرارـ دادها رامجددا مورد رسیدگی قرار ـ داد وبراساس ماده‌ای از موافقتنامه، که تاکید نموده است قیمت‌ها باید با قیمت‌های بین‌المللی قابل رقابت باشد، دربارهٔ تعدیل آنها اقدام جدی بعمل آورد.

موضوع قابل ذکر دیگر آنست که، بموجب موافقت‌نامه‌ای که با شرکت فنیسیدر بامضا رسیده، شرکت مزبور موظف بوده است که برای تامین هزینه‌ـ های ریالی طرح، سالانه ۳ میلیون تن نفت خام از ایران خریداری کند. ازقرار معلوم، بعدازانقلاب، اجرای این قسمت از موافقت‌نامه متوقف شده است. دراینمورد نیز باید رسیدگی لازم در جهت حفظ منافع کشور بعمل آید.

۳ـ مسایل فنی طرح

مشکل اساسی دیگری که دراین طرح وجوددارد، اینست که: بموجب اظهارـ نظر کلیه خبرگان، روشهای جدید احیای مستقیم این تکنولوژی برای کارخانجات فولاد سازی کوچک ومتوسط، که ظرفیت آنها سالانه درحدود ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزارتن و محصول آنها پروفیل‌های ساختمانی باشد، مفیداست. برای تولید ورق، که معمولا ظرفیت‌ها درحدود سالانه ۲ میلیون‌تن وبیشتر است، معمولا از سیستم کوره بلند وفولاد سازی با اکسیژن استفاده میشود. لیکن در طرح مجتمع مبارکه، اساس را بر استفاده از روش احیای مستقیم، آنهم با ظرفیت بالاتر از ۲ میلیون‌تن در سال قرار داده‌اند. ولی بنابرنظریات کارشناسان ذی‌صلاحیت و نتایج کنفرانس ـ های جهانی، این‌روش هنوز آنچنان تکامل نیافته ومشکلات فنی وتنگناهای آن رفع نشده است که بتواند پاسخگوی چنین ظرفیت‌های بالائی باشد. بناـ براین، درصورت اجرای این طرح در مبارکه، درآینده بهره‌برداری آن دچار توقف‌ها، رکودها وگرفتاری‌های مربوط به‌خراب شدن تجهیزات وعدم دست‌ـ رسی به‌موقع به‌لوازم یدکی وتعویضی موردنیاز خواهد شد. این‌مشکلات، به خصوص درمورد کشورما، که درمعرض تحریمهای اقتصادی وکارشکنی های انحصارات بین‌المللی است، باید پیش‌بینی شود.

توجیه‌کنندگان این طرح اخیرا ادعا میکنند که چون روش کورهٔ بند احتیاج به ذغال سنگ مناسب دارد و ازاینجهت کشور ما دچار مضیقه است، بنابراین ناچارند از روش احیای مستقیم استفاده نمایند. این ادعا به هیچوجه صحت ندارد. منابع ذغال سنگ کشورما بخوبی پاسخگوی توسعهٔ کارخانه ذوب آهن اصفهان تاظرفیت ۴ الی ۶ میلیون تن در سال است. بر همین اساس، دهسال قبل پیشنهاد توسعهٔ کارخانهٔ ذوب آهن اصفهان تا حدود ۴ میلیون تن در سال ارائه گردیده و قراربوده است سالانه ۲ میلیون‌تن ورق تولید شود، و تنها به عذر لزوم مطالعه دربارهٔ میزان مصرف (نه‌بعلت کمبود ذغال‌سنگ) تولید ورق رابه‌بعد موکول نموده‌اند.

ذخایر ذغال‌سنگ درایران به میزان بسیار وسیعی کشف‌شده است باید دستهایی را که مانع ادامه این اکتشافات میشوند وبامحافل انحصاری وامپریالیستی هماهنگی دارند، به‌کنار زد ومنابع کشف‌شده را تجهیز وآماده بهره‌برداری نمود. تنها از این راه میتوان یک طرح مطمئن با ظرفیت بزرگ را پایه‌گذاری کرد.

درمورد اینکه روش احیای مستقیم برای اجرای طرح‌های بزرگ قابل‌اطمینان‌نیست، گزارش های فراوانی در نشریه‌های معتبر فولاد جهان وجود دارد. به‌موجب گزارش های موجود، تنها دوطرح بزرگ با روش احیای مستقیم ـ یکی در برزیل و دیگری دراتحاد شوروی ـ درحال اجرا است، اتحاد شوروی با قدرت تولیدی درحدود ۱۵۰ میلیون تن فولاد در سال وباتاسیسات عظیم فولاد سازی وباتوانائی خارق‌العاده صنعتی، فعلا بااجرای طرحی به ظرفیت تولیدی سالانه ۴ میلیون تن آهن اسفنجی، که ۲ میلیون تن (حدود ۱/۳ درصد) آن برای تولید فولاد بکار می‌رود، اقدام نموده است. درحالی که کشور ما با محدودیت‌های صنعتی که دارد صرف‌ـ نظراز سالانه ۱/۹ میلیون تن ظرفیت کارخانه ذوب آهن اصفهان، که براساس روش کوره بلند بهره‌برداری میکند، در حدود ۵ میلیون‌تن ظرفیت فولادسازی خودرا (بیش از ۷۰ درصد) به روش احیای مستقیم متکی نموده است. با این روش متاسفانه نمیتوان آیندهٔ مطمئن وباثباتی را برای صنعت فولاد سازی کشور پیش بینی نمود.

همانطورکه قبلا اشاره شد، مشکل دیگری که درطرح فولاد سازی مبارکه خودنمائی میکند، این است که، مهندس مشاور در عین‌حال فروشنده تجهیزات نیزهست، درحالیکه حتی درطرح های متوسط وکوچک هم مهندس مشاور نمیتواند وظیفهٔ تهیه وتحویل تجهیزات رابعهده داشته باشد، تاچه‌رسد به‌طرح بزرگی چون مجتمع فولاد مبارکه، با حدود ۳ تا ۴ میلیارد دلار سرمایه ـ گذاری، که باید مهندس مشاور وظیفهٔ کنترل فروشنده و نظارت برانطباق تجهیزات وماشین‌آلات رابامشخصات طرح (که فروشنده تحویل میدهد) به عهده داشته باشد.

چگونه میتوان قبول کرد که یک موسسه تجارتی در عین‌حال مسئول تهیه طرح وعهده‌دار تهیه وتحویل تجهیزات باشد، وآنوقت مصالح خریدار را رعایت‌نماید؟ مسلم این است که چنین مهندس مشاوری طرح را به‌ترتیبی تنظیم می‌کند که حداکثر منافع فروشنده درآن تامین گردد. چنین مهندس مشاوری کوچک ترین توجهی به منافع و مصالح خریدار نخواهد داشت، بخصوص‌که خریدار (امضاءکننده قرارداد) رژیم گذشته، یعنی رژیم گوش‌بفرمان امپریالیسم بوده‌است. بعدازانقلاب نیز متاسفانه بعضی‌از ماموربن دوائر سهل‌انگاری و مسامحه به این‌مسائل اساسی توجهی نداشته‌اند ومهندس مشاور و فروشنده راپاک ومنزه ودوراز حرص وآز دانسته‌اند.

مشکل تامین سنگ آهن مورد نیاز طرح وتامین نیروی برق، بسیار پر قدرت لازم برای اجرای این طرح نیز ازجمله‌مسائلی است که میبایست بموقع مورد توجه قرار گیرد ومتاسفانه به آن توجه کافی نشده است.

برای استفاده از روش احیای مستقیم، سنگ‌آهن بامشخصات مرغوب مورد لزوم است. قسمتی از این سنگ آهن از معدن گل گوهر تامین میشود، که کافی برای بهره‌برداری کارخانه برای مدت زیادی نخواهد بود. بخش دیگرسنگ آهن میاید از هند وارد شود، کاین خود، باتوجه‌به‌وابستگی به‌خارج ومشکلات حمل ونقل، بامسائل ودشواری‌های خاص روبرو خواهد بود. درمورد برق مورد نیاز برای کوره‌های الکتریکی، قدرتی درحدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ مگاوات مورد احتیاج است، که سرمایه‌گذاری برای نصب نیروگاه لازم وبا استفاده از قدرت برق شبکه سراسری ونگاهداری آن، بسیار حساس است این مسائل نیز باید در بررسی طرح مورد توجه قرار میگرفت.

بر اساس اطلاعات موجود، تا پایان‌سال ۱۳۵۷، در حدود ۲٪ هزینه کل طرح به مصرف رسیده است. به‌موجب اطلاعات دیگری تا پایان سال‌مالی ۱۳۵۷، درحدود ۱۱ ٪ هزینهٔ کل‌طرح خرج‌شده، که قسمتی ازآن‌هزینه‌های داخلی بوده‌است. با توجه‌به‌گران‌بودن هزینه‌طرح ومشکلاتی که‌به‌آن‌اشاره‌شد ـ وهر کارشناس متعهدی میتواند به‌آسانی به‌آنها پی ببرد ـ مسئولینی که‌بعدازانقلاب این طرح را مورد رسیدگی قرار داده‌اند، لازم بودکه، ضمن گزارش‌هائی که به شورای اقتصاد وشورای انقلاب تقدیم نمودند، این‌مسائل را روشن میساختند وپرده‌استتار بر روی این نقائص نمی‌ـ کشیدند وبجای توجیه تنفیذ قرارداد و افزایش بهای تجهیزات، پیشنهاد می‌ـ کردند که‌قرارداد لغو گردد. می باید پیشنهاد میشد که موسسهٔ مهندسین مشاور مورداطمینان و با صلاحیتی انتخاب‌گردد، تا برای طرح مشخصات فنی صحیح وقابل اطمینانی تهیه‌کند. می‌باید پیشنهاد میشد که شرکت ملی فولاد ایران برای خرید تجهیزات و ماشین‌آلات از طریق مناقصهٔ بین ـ المللی ویامناقصه محدود، با دعوت از موسسات سازنده معتبر وذیصلاحیت و غیر وابسته به‌انحصارهای امپریالیستی اقدام نماید ودرقرارداد تضمین‌های لازم برای‌صحت‌اجرای آن درنظربگیرد.

اکنون که‌این‌کارها صورت نگرفته است، بنظر ما بازهم، برای رسیدگی دقیق‌به مشکلات امر و اتخاذ روش صحیح، باید شورائی مرکب از کار ـ شناسان‌متعهد و مسئول تشکیل شود، تا این مسائل ومشکلات را دقیقا مورد توجه قراردهد وبر اساس قراردادهای موجود، که‌میگوید قیمت‌ها باید با قیمت‌های بین‌المللی مطابقت داشته باشد، برای حفظ منافع کشور اقدامات قانونی رامعمول دارد.

امیداست‌که این تذکرات مورد توجه قرارگیرد وبرای نجات صنعت فولاد کشور از بحران‌های آتی، پیش‌ـ گیری‌های لازم به‌عمل آید.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد برای تصحیح روش‌های گذشته درطرح فولاد سازی مبارکه اصفهان

۱ـ گروه‌مهندسین مشاور باـ صلاحیت ومتعهد برای‌کنترل‌مشخصات طرح ونوع‌تجهیزات وماشین آلات خریداری شده وامکان‌اجرای طرح هر چه‌زودتر تعیین وبه‌ایتالیائی‌ها معرفی شود. (برای این‌کار از گروه مهندسین مشاور وباصلاحیتی، که‌درایجادصنایع فولاد کشورهای دوست همکاری‌داشته اند، نیزمیتوان‌استفاده‌کرد.)

۲ـ قراردادهای خرید ماشین‌ـ آلات توسط گروه‌مهندسین‌وکارشناسان ایرانی‌متعهد مورد بررسی قرارگیرد و نقاط ضعف آنها از نظر دیدگاه‌های جمهوری‌اسلامی ایران‌مشخص‌شود و با مذاکره باطرف قراردادها مرتفع گردد.

۳ـ فزونی قیمت‌های ماشین ـ آلات وخدمات نسبت به‌قیمت های‌ بین‌المللی مشخص‌شود وبراساس قرار‌ـ داد، از طریق مذاکره بافروشنده، تعدیل‌گردد.

۴ـ قبل از خرید واحدهای‌احیاء مستقیم ونصب کوره‌های‌الکتریکی و ریخته‌گری، بررسی دقیقی از نظر اطمینان‌بخشی کاربرد روش‌احیاء مستقیم جهت‌تولید ورق‌فولادی درظرفیت‌های بالا، بوسیله مهندسین‌مشاور ومسئول انجام‌گیرد.

۵ـ قبل از اجرای هرگونه‌برنامه ریزی درزمینهٔ نصب‌کوره‌های‌الکتریکی و ریخته‌گری، نسبت‌به بررسی مجموعهٔ طرح در محل جدید (مبارکهٔ‌اصفهان، که‌هرگز انجام‌نگرفته‌است) از نظر اطمینان ازتامین سنگ‌آهن، چگونگی حمل آن، تامین‌گاز و آب وبرق وسایر مسائل جنبی، باهمکاری سازمان های دولتی مسئول (وزارت‌نفت ـ وزارت‌راه ـ وزارت‌نیرو و...) صورت‌گیرد، تادر موقع پیاده‌کردن‌طرح مشکلات اساسی بروزنکند.

به‌نظر ما، انجام این‌پیشنهاد ها از وظایف اولیه‌واساسی سازمان‌برنامه و بودجه و وزارت معادن وفلزات‌است، و باتوجه‌به‌اهمیت طرح ونقش‌بنیادی آن دراقتصادکشور، هرگونه‌تعلل‌درتصحیح اقدامات‌گذشته، گناه‌بزرگی خواهدبود.

روش جدید ترابری درمجتمع فولادسازی کره‌دمکراتیک

چندی پیش کارخانهٔ فولادسازی "کیم‌چک"، در ساحل شمالی "جمهوری دمکراتیک خلق کره"، به خاطر روش‌های مدرن ترابری خوددرمطبوعات این کشور سروصدای فراوانی برانگیخت. این کارخانه در یازده سال اخیر (از ۱۹۷۰) تا کنون تولیدخودرا چهار برابر کرده‌است. فولاد ـ سازی "کیم‌چک"، که‌در دهه گذشته بکمک اتحاد شوروی نوسازی شد، اکنون سالانه ۱/۵ میلیون تن فولاد و ۲/۲ میلیون تن آهن تولید می‌کنند. برای حمل ونقل مواد خام کارخانه ازمعادن نزدیک به آن، از شاه ـ لوله‌هائی استفاده می‌شود، که سنگ آهن خردشده را بکمک آب و تلمبه خانه‌های ویژه به کارخانه می‌رساند.

توسعه صنایع آهن و فولادیکی ازاولویت‌های برنامه هفت ساله کنونی (۱۹۸۴ – ۱۹۷۸) بشمار می‌رود. قرار است که تولیدسالیانه فولاداز ۴ میلیون تن در سال ۱۹۷۸ به ۸ – ۷/۴ میلیون تن در سال ۱۹۸۴ برسد نوسازی وگسترش مراکز فولادسازی کره‌دمکراتیک چون "کیم‌چک"، "کونگ سون" و "هوانگهه" درسال ـ های اخیر پایه‌صنعت آهن وفولاد "جمهوری دمکراتیک خلق کره" را استوار ساخته است.

تنبیه بدنی درمدارس یک عمل ضد انسانی وضدتربیتی است

ازدانش‌آموزان‌برخی مدارس کشور شکایت‌می‌رسد که برخی‌مدیران‌و معلمان کودکان‌ونوجوانان را تنبیه بدنی می‌کنند.

بکار گرفتن این گونه روش های ضدانسانی وضدتربیتی درمدارس‌رژیم گذشته، غیرطبیعی‌نبود، زیرا که رژیم ددمنش پهلوی جز خردکردن‌شخصیت کودکان ونوجوانان‌و پرورش‌انسان‌های فرمانبردار و زبون، هدفی‌نداشت. ولی‌جای بسی‌تاسف است که پس از گذشت‌سه‌سال‌ازانقلاب‌اسلامی ایران، که‌محتوای مردمی‌آن یکی‌ازخصلت‌های اصلی‌آنست، ماهنوز شاهدتنبیه بدنی دانش‌آموزان باشیم.

خوشبختانه در سال گذشته تحصیلی، بخشنامه‌ای از سوی وزارت آموزش و پرورش مبنی بر ممنوع بودن تنبیه‌بدنی درمدارس صادرشد و به مدارس سراسر کشورابلاغ گردید. بنظر ماضروراست که‌مسئولین‌آموزش وپرورش ضمن تائید مجدد این‌بخشنامه، در اجرای دقیق‌آن‌نظارت کنند، از تنبیه بدنی دانش‌آموزان جداجلوگیری نمایند و به شکایات دانش‌آموزان و والدین‌آنهادراین زمینه رسیدگی‌کنند ومتخلفین را موردمواخذه جدی قرار دهند.

درعین حال ضرور و مفید است که مسئولین‌آموزش وپرورش شیوه‌های تربیتی‌قوی، منطبق باهدفهای‌یک‌نظام آموزشی‌انقلابی، تدوین‌کنند وازطریق جزوه، کتاب، سمینار و... به‌اطلاع معلمان ومربیان برسانند. می‌توان از تجربیات موفق‌کشورهای‌انقلابی دیگر نیز درتدوین روشهای تربیتی نوین استفاده‌کرد. نبایدتردید داشت که تنها با مبارزه بنیادی باروشهای‌کهنه ناسالم‌وغیرانسانی، ازجمله‌تنبیه‌بدنی وترویج‌روشهای نوین، سالم‌وانسانی می‌توان کودکان‌ونوجوانان‌نسل‌انقلاب رابرای‌انجام‌وظایف بزرگ انقلابی پرورش داد.

دراینجالازم می‌دانیم که جهت اطلاع آن دسته ازمدیران، معلمان و ... که ظاهرا از وجودبخشنامه وزارت آموزش و پرورش درمورد منع تنبیه بدنی دانش‌آموزان بی‌خبرند، عین‌متن بخشنامه رابه چاپ برسانیم:

"از آنجا که یکی‌ازهدف های اصلی آموزش وپرورش درنظام جمهوری اسلامی اعتلاء بخشیدن به شخصیت کودکان ونوجوانان وپرورش شخصیت انسانی و روحیه‌اسلامی دانش‌آموزان است وباتوجه‌به‌این اصل‌مسلم تربیتی‌که تنبیه‌بدنی دانش‌آموزان درتحقیر شخصیت وتزلزل روحیه وحس، بدبینی آنان تاثیر می‌گذارد، لذا باردیگر تاکیدمی‌شودکه‌مسئولان واولیاء مدارس بایدازتنبیه‌بدنی‌وتحقیرروحی دانش ـ آموزان خودداری کنند، درغیراین صورت‌شدیدا مواخذه خواهند شد. اینک توجه‌مسئولان را به‌ماده ۴۴ آئین نامهٔ‌انضباطی دبستان‌ها و مادهٔ ۴۵ آئین‌نامه انضباطی متوسطه معطوف می‌دارد:

به هیچ وجه نباید نسبت‌به دانش‌آموز تبعیض واستثناء قایل‌شد، یا توبیخ‌ها وتنبیه‌هائی که‌موجب آزار و شکنجه روحی‌وجسمی یاتحقیر و توهین دانش‌آموزان می‌گردد، درمدرسه به عمل آید. درانتخاب‌نوع‌تنبیه‌واجرای آن‌بایدنکات زیر رعایت‌گردد:

الف ـ تنبیه باخلافی‌که‌دانش‌ـ آموز مرتکب شده‌است، متناسب باشد.

ب ـ علت‌تنبیه‌برای دانش‌آموز روشن‌گردد.

ج ـ به‌توانائی‌روانی و جسمی دانش‌آموز توجه‌شود.

د ـ تنبیه وتوبیخ به‌هیچ‌وجه‌در حضور جمع انجام نگیرد.

هـ ـ به‌هیچ‌وجه تکالیف‌درسی را وسیله تنبیه‌قرار ندهند.

و ـ از تنبیه‌بدنی مطلقاخودداری شود.

درصورت تخلف‌ازاین‌بخشنامه و آئین‌نامه، مدیران‌مدارس موظفند مراتب رابه‌ادارهٔ آموزش وپرورش‌متبوع گزارش دهند. مدیران کل و روسای ادارات آموزش و پرورش مسئولیت اجرای دقیق این بخشنامه رابه عهده دارند".

نبرد کار و سرمایه در جهان

درسالهای هشتاد سده بیست میلادی وارد مرحلهٔ نهائی خود میشود

افراطی‌ترین محافل جنگ‌طلب امپریالیستی آمریکا و دیگر کشورهای بزرگ سرمایه‌داری، همراه محافل ارتجاعی سرمایه‌داری وفئودالی و پدر ـ سالاری کشورهای دیگر، باهول و هراس، درزیرپرچم "ستاره‌هاونوارها"ی آمریکا گردآمده‌اند، تاآخرین تلاش‌خود رابکاربرند وجلوی‌تکامل عینی‌تاریخی رابگیرند. تمام تلاشهای‌رنگارنگ سیاسی ـ نظامی آنها از زمان‌جنگ اول تا امروز برای حفظ "عصرطلائی" آقائی سرمایه‌داری عبث مانده‌است و اینک می‌خواهند به اتکاء تجارب گرد آمده، مهمترین تلاش خود را بعمل آورند.

مجتمع نظامی ـ صنعتی آمریکا و دیگر کشورهای اروپای غربی و ژاپن، کارتل بین‌المللی نفت، شرکت‌های چند ملیتی، شرکتهای‌نیرومندقاچاق بین ـ المللی، رژیمهای دست نشانده و فاشیستی امثال‌نمیری وحسنی‌مبارک و حسن و حسین و خالد و قابوس و ضیاء الحق وسوهارتو و پینوشه و امثال آنها، صهیونیسم بین‌المللی، پاپ رم‌و دستگاه‌کاتولیکی او، رژیم‌های‌نژادگرای امثال رژیم "پره‌توریا" با تمام‌امکانات مادی ونظامی عظیمی که‌دراختیاردارند، برای آخرین نبرد قطعی‌بسود سرمایه گردآمده‌اند. مجامع سری "تراست‌های مغزی" و مراکز استراتژیک، که‌به‌آخرین دستگاههای کامپیوتری مجهزند، با دریافت توصیه‌ها و "نصیحت‌ها" و بررسی شگردهای مختلف بازی درپس این‌نیروها قرار دارند.

هدف‌امپریالیست‌ها، بسرکردگی آمریکا، عبارتست ازحفظ سلطه غارت ـ گرانه برآنچه که‌دارندوبازپس‌گرفتن آنچه‌که‌ازدست‌داده‌اند. آنهابرای‌خود یک‌حق‌ازلی وابدی برای رهبری‌جهان قائلند. آنها برای ادامه‌اسارتگری و تاراجگری، آماده‌اندجهان را به ورطهٔ نابودکننده جنگ هسته‌ای بکشانند.

برخی‌ها (از قبیل سوسیال دموکراتهای اروپای غربی) نیمه جدی ـ نیمه سالوسانه درجستجوی یافتن "راه سوم" هستند، که مانند شاهین ترازو بین سوسیالیسم‌وسرمایه‌داری قرار گیرند و ازتضاد آن دواستفاده کنند و به کمک این روش سیادت امپریالیسم (بویژه امپریالیسم‌اروپای غربی) راحفظ نمایند. حکم مرکزی آنها این است: "بگذار ما ـ که وارث تمدن‌کهن اروپاهستیم‌وتجارب فراوان داریم ـ سهمی درحفظ تعادل جهانی داشته‌باشیم. مادیگر "لیدر بودن" واشنگتن را بدون قیدوشرط ودربست نمی‌توانیم بپذیریم، اگرچه کماکان به لطف و کرم ایالات متحده سخت نیازمندیم".

رهبری‌مائوئیستی چین در این میانه‌نوای‌خودرامی‌نوازد: او می‌خواهد ازتضادبین‌سوسیالیسم و سرمایه‌داری برای براه‌انداختن جنگ‌هسته‌ای استفاده‌کند، تاچین‌رابه‌دولت درجهٔ اول جهان بدل گرداند و آرزوی کنفوسیوس رادربارهٔ مرکزیت و برتری چین در جهان عملی‌سازد وبه وصیت مائوتسه‌دون جامه عمل بپوشاند. اتکاء رهبری‌مائوئیستی‌چین به نفوس انبوه کشور خود است.

کشورهای‌غیرمتعهدآسیا، آفریقا وآمریکای لاتین که زهرتلخ‌استعمارو نواستعمار راچشیده‌اند و کماکان می‌چشند، با آنکه بسیار متنوع هستند وازجهت استقلال وترقی در مواضع مختلف قرار دارند، با این حال نه سیاست جنگ و نه سیاست تاراج‌امپر ـ یالیسم را نمی‌توانند تائیدکنند. در میان‌آنهاهسته‌مرکزی‌نیرومندی وجود دارد که متحدطبیعی‌سوسیالیسم‌و دشمن سرسخت‌امپریالیسم است و با شجاعت بسود صلح واستقلال وآزادی می‌رزمد. میهن‌مانیزاکنون بیش‌ازپیش دراین‌مقام قرار می‌گیرد و به احتمال قوی‌درآینده نقش مهمی درمنطقه ودر "جهان‌سوم" وبویژه درگروه کشورهای اسلامی ایفا خواهدکرد.

چنین‌است منظره‌متنوع جهان، که‌ریچاردنیکسون زمانی‌آنرا به‌یک دنیای "پنج‌قطبی" تشبیه کرده بود، ولی در واقع در آن فقط دو قطب اساسی وجود دارد: قطب اسارتگران غارتگر وقطب کار و زحمت.

با روی کار آمدن‌کابینه ریگان ـ هیگ، که به افراطی‌ترین محافل سرمایه‌داری آمریکا وابسته است، با تشویق دائمی کابینه بانو تاچرودولت چین، امپریالیسم آمریکا، که بعد از انقلاب ایران بکلی‌تعادل خود را از دست‌داده، دست‌به‌ماجراهای عجیب زده است ومی‌زند و به‌اصطلاح عزم خودراجزم‌کرده‌است که ازنزول دائمی "حیثیت!" خودجلوگیری بعمل‌آورد.

تمرکزبیش ازهشتاد کشتی‌جنگی درخلیج‌فارس و دریای‌عمان، ایجاد پایگاه درجه اول و مدرن نظامی‌در جزیرهٔ مرجانی "دیه‌گوگارسیا"، تقویت واحدهای ناوگانی درمدیترانه و اقیانوس کبیر، وادار کردن ژاپن به بسط نیروهای نظامی، بندوبست‌نظامی باچین، تقویت مالی ونظامی‌پاکستان، ایجاد "سپاه‌واکنش سریع" تا حدود ۴۰۰هزارنفر، ایجادپایگاه‌های نقل‌و انتقال این‌سپاه درصحرای سینا ومصر وعمان وعربستان‌سعودی، فروش‌اسلحه وآواکس به عربستان‌سعودی و مصر، افکندن ارتش بعثی‌صدام به‌جان‌ایران، ساختن کلاهک‌های بمب‌ضدبشری نوترونی، استقرارموشکهای "پرشینگ" دراروپای غربی، تصمیم به بالا بردن تعداد هزار موشک‌جهان‌پیما (برخلاف قراردادسالت) به۱۵۰۰موشک، تصمیم به‌رساندن‌بودجه‌نظامی‌آمریکا برای‌پنج سال‌آینده به یک‌تریلیون‌ونیم دلار (!) باحذف بیش از۳۸میلیاردمخارج مختلف سالانه دربودجه‌کلاسیک‌آمریکا وغیره‌وغیره، چنین‌است سیاههٔ بسیار ناقصی ازاقدامات ایالات‌متحدهٔ‌آمریکا. گویا اربابی که خود را درخطر ازدست دادن مقام‌ممتاز پیشین‌می‌بیند، دچار نوعی‌جنون می‌شود که روانکاوان باید آنرا نامگذاری کنند، مثلا: "جنون سقوط"!

موافق ارزیابی "مرکزاستراتژیک" شهر "جرج‌تائون"، که مورد تائید "پنتاگون" و "ناتو" قرارگرفته، امپر ـ یالیسم می‌تواند باحداعلای تجهیز نیروهای خود، چرخ تاریخ را به عقب برگرداند: حمله به‌آنگولا، حملات هوائی به لیبی و کرهٔ دموکراتیک، تهدیددائمی جمهوری اسلامی ایران، غرت و غراب امثال‌نمیری‌ها وحسنی مبارک‌ها علیه کشور لیبی، اعمال‌فشار به‌سوریه، حمله‌به‌فلسطینی‌ها درلبنان، کشتارمردم درالسالوادور ویک سلسله اقدامات دیگر... همه نمودار آنست که ریگان قصد دارد درماه‌ها وسالهای نزدیک "عضلات" امپریالیسم‌آمریکا را نشان‌دهد وحریفان "فضول" راسرجای خودبنشاند. منتظرالحکومت‌های‌وطنی ما درخارج، امثال: نیم پهلوی‌ها، بختیارها، بنی‌صدرها، اویسی‌ها، آریاناها وغیره نیزمنتظر ارباب نشسته‌اند.

امپریالیسم آمریکا در صحنهٔ جهانی دست به حمله وسیع جنگ ـ آزمایانه زده‌است. اکنون‌این‌سوال‌ها مطرح‌می‌شود:

آیاکاخ‌سفید در این حمله عظیم نظامی ـ سیاسی پیروز خواهدشد؟

آیا آمریکا خواهدتوانست متحدان‌متزلزل‌خودرادراروپای غربی‌و ژاپن بدنبال‌خودبکشد؟

آیا دولت ریگان‌خواهد توانست رقابت‌های بازارجهانی، تزلزل دلار وبطورکلی وضع بداقتصادی آمریکا را بهبود بخشد و از شدت‌انتقادات به سیاست اقتصادی ـ اجتماعی خود در درون کشور وحتی سنا بکاهد؟

آیا امپریالیسم آمریکا خواهد توانست کشورهای غیرمتعهدرا بترساند و ارادهٔ خود را برآنها تحمیل کند؟

آیاآمریکاخواهدتوانست‌کشور ـ های‌سوسیالیستی‌رامرعوب‌سازدوارادهٔ خود را بر آنها دیکته کند و از عامل لهستان وافغانستان برای پیشرفت دیپلماسی‌خود استفاده‌کند؟

آیاآمریکاخواهدتوانست جنگ نوترونی محدود (آنطورکه‌اوخیال‌می ـ کند) برای مرعوب ساختن جهانیان به سود پیشرفت سیاست خود براه اندازد؟

تردیدی نیست که "مهره چینی‌ها"ی امپریالیسم آمریکادر شطرنج جهانی باحداکثر ولع پیروز شدن بعمل‌آمده است. ولی سرشت این سیاست با حرکت عینی‌تاریخ (که خواستارمحوبهره‌کشی واستعماراست) ناسازگار است. امپریالیسم آمریکا قوی است، ولی‌مخالفان او نیز ابدا کم و ضعیف نیستند. مخالفان امپریالیسم آمریکا هم‌مشکلات دارند، ولی آخر مشکلات خودامپریالیسم نیز ابدا کم نیست. لذادراین‌واقعیت‌هم‌تردیدی نبایدداشت که درسالهای هشتادنبرد تاریخی بزرگ کارو سرمایه به سود سرمایه، بسودامپریالیسم‌آمریکا تمام نخواهدشد.

واقعیات درسهای‌عبرت‌آموزی‌به این امپریالیسم تجربه ناپذیر خواهد آموخت.

تفسیر وقایع...

بقیه‌ازصفحه۵

آنچه‌راکه دراین‌هزیمت میتوان نجات داد، نجات‌دهند، به‌عمال خود در لهستان‌روحیه‌بدهند و از حوادث لهستان حداکثر بهره‌برداری را بسود نظام‌غارتگران بکنند.

اجلاس ناتودربارهٔ لهستان

ریگان ودارو دسته‌اش نقشه‌های وسیعی برای بهره‌برداری از حوادث لهستان‌درجهت دامن‌زدن به تشنج ـ فزائی، توسعه مسابقهٔ‌تسلیحاتی، ایجادجو سیاسی ناسالم در اروپا و جهان‌واستفاده از آن برای مداخله‌در اموداخلی سایر کشورها کشیده‌بودند اماحوادث لهستان درمجرای‌پیش‌بینی های‌آنان‌پیش‌نرفت‌ونمیتوانست پیش برود، کوته‌بینی وآزمندی‌از خصائص سیاستگران دنیای سرمایه‌داری، بویژه کسانی از رده‌ماجراجویانی نظیرریگان وسایر اعضای دولت فعلی امریکاست.

حوادث لهستان نه‌تنها ازلحاظ داخلی، بلکه ازجهت تاثیربین‌المللی آن‌نیز در مسیر دلخواه هیگ و ریگان پیش نرفت. هم پیمانان امریکادر اروپای‌غربی حاضرنشدند بخاطرامریکا روابط اقتصادی خودرا با کشور های سوسیالیستی تقلیل دهند. دولت امریکا بخصوص خواهان آن بود که بزرگترین معامله کشورهای اروپای غربی با اتحاد شوروی را بر سر فروش گاز سیبری به‌این‌کشورها برهم‌زنند. آلمان‌غربی‌وفرانسه دربرابراین‌تقاضای ریگان وهیگ با قاطعیت‌اعلام‌کردندکه به‌هیچ‌قیمتی‌حاضرنیستند این‌معامله راکه‌بسودآنهاست، بخاطرامریکا برهم زنند. امریکا در وضع بسیار بدی قرار گرفت‌ومجازات‌های‌اعلان‌شده‌از طرف ریگان بدون هیچ پشتیبانی موثر از سوی سایر کشورها، حتی نزدیکترین دوستان امریکا، درهوامعلق ماند.

تشکیل اجلاس "ناتو"برای‌مذاکره دربارهٔ‌لهستان قبل ازهرچیز تلاشی بودکه‌ازجانب رهبران امریکا برای "حفظ‌آبروی" خودشان صورت‌گرفت. هیگ کوشیدتادر این‌اجلاس اعلامیه شدیداللحن بی‌پشتوانه‌ای را که قبلا نوشته وباخود آورده‌بود، به تصویب برساند. ازآنچه دراین‌اجلاس‌گفته‌شد وشنیده‌شد، خبری نداریم، زیرا مذاکرات درپشت‌درهای بسته صورت گرفت. اما دراعلامیه نهائی اجلاس "ناتو" گفته‌میشودکه کشورهای "ناتو" اتحاد شوروی رامسئول‌حوادث‌لهستان میدانند. واگر لهستان به ساز پیمان "ناتو" نرقصد، ایالات‌متحده‌امریکا ممکن‌است گفتگو دربارهٔ مسائل‌مهم، ازجمله‌مذاکره دربارهٔ محدود ساختن تسلیحات‌هسته‌ای رامتوقف‌کند. در اعلامیه اجلاس "ناتو" همچنین تکالیفی برای دولت لهستان تعیین شده‌است که چه‌باید بکند وچه نباید بکند!

دولت لهستان واکنش شدیدی دربرابر این‌اقدام "ناتو" نشان‌داد و آنرایک‌اقدام‌ننگینی برای دولت‌های عضوپیمان "ناتو" ویک عمل اهانت‌آور برای خلق لهستان‌نامید. دولت لهستان اعلام‌داشت‌که‌تصمیم درباره مسائل داخلی لهستان صرفا حق خودمردم‌لهستان است‌وبهیچ‌دولت خارجی‌اجازه‌نمیدهدکه چنین بی ـ شرمانه در امور داخلی آنان مداخله‌و برای ملت لهستان تکلیف تعیین‌کند. دولت‌لهستان یادآورگردیدکه تصمیم دربارهٔ‌اعلام‌حکومت‌نظامی یگانه تصمیم درست برای متوقف‌ساختن فاجعه‌ای بوده‌است که عوامل ضد ـ انقلاب، به‌تحریک وپشتیبانی خارجی درصدد گستردن آن‌بودند. خلق لهستان نظام سوسیالیستی را خود برگزیده‌وبرای دفاع‌از آن در برابرهر گونه توطئهٔ‌خارجی ایستاده‌است.

خبرگزاری "تاس" نیزطی‌اعلامیه ای‌تصمیمات‌اجلاس "ناتو" رامداخله ناهنجار درامور یک کشور دیگرنامیدو مقاصد واشنگتون را از ایجاد جو مصنوعی پیرامون‌حوادث لهستان برای دامن‌زدن به‌تشنج‌فزایی و بهره ـ گیری ازآن‌درجهت‌توسعهٔ مسابقه تسلیحاتی افشانمود. "تاس" در مورد تهدید "ناتو" به‌قطع مذاکره دربارهٔ محدودساختن تسلیحات‌هسته ای چنین‌گفته‌است:

"کسانی که‌به‌چنین تهدیدهائی متوسل‌میشوند، باید این‌حقیقت‌ساده رادرک‌کنندکه‌کشورهای‌سرمایه‌داری به همان‌اندازه‌به‌قطع مسابقهٔ تسلیحاتی وجلوگیری از وقوع جنگ وقبل از همه جنگ‌هسته‌ای نیازمندند، که اتحاد شوروی ودوستانش به این امر احتیاج دارند... اتحادشوروی و دیگرکشور ـ های‌سوسیالیستی‌طرفداراادامه‌وتحکیم روند تشنج‌زدائی‌و صلح قاره اروپا و سراسر جهان بطور کلی هستند واین سیاست را دنبال کرده وخواهندکرد".

سیاست امپریالیسم امریکا در موردکشیدن اروپای غربی به مسابقه تسلیحاتی و تشنج‌فزائی بامقاومت جدی خلقها وحتی دولت‌های‌اروپای غربی روبروشده‌است.

درهمانحال‌که‌وزیران خارجهٔ کشورهای عضوپیمان "ناتو" اعلامیهٔ اجلاس اخیر خودشان را امضا می ـ کردند، وزیران اقتصاد آنها سرگرم تهیه پروتکل مبادلات بازرگانی بین کشورهایشان باکشورهای‌سوسیالیستی بودند! کشورهای‌اروپای‌غربی عضو پیمان "ناتو" از سیاست تشنج زدائی چنان‌سودبرده‌اند که حاضر نیستند به‌سادگی بخاطر آمریکا ـ بزرگترین رقیب‌اقتصادی‌خودشان ـ از معاملات خود با اتحادشوروی و سایرکشورهای سوسیالیستی دست‌بردارند.

مجلس ملی جمهوری فدرال آلمان (بوندستاگ) درنشست خود پس از اجلاس "ناتو" تصویب کرد که دولت آلمان فدرال‌از مجازات‌های اقتصادی دولت امریکا تبعیت نکندو همچنان‌به‌روابط حسنه خود بالهستان ادامه‌دهد. هلموت‌اشمیت صدر اعظم آلمان فدرال دراین جلسه پارلمان گفت:

"مانخواهیم گذاشت که‌مناسبات دوستانه مابالهستان، که‌شالوده آن با امضای قرارداد ۱۹۷۰ بین دوکشور ریخته‌شده‌است، آسیب ببیند."

ازسوی‌دیگر، هیئت اقتصادی شوروی، که برای مذاکره‌دربارهٔ‌لوله‌گاز سیبری‌به‌فرانسه‌آمده‌است، کارخود را درپاریس آغاز نمود. فرانسه‌اعلام کرده‌است که‌حاضر نیست، به پیروی از امریکا، ازانعقاد این‌قراردادصرف نظرکند. ریگان خودش‌مانده‌است‌و مجازات‌هایش! علی مانده‌است‌و حوضش!

انزوای دولت ریگان، نماینده هارترین جناح مجتمع صنعتی ـ نظامی درصحنهٔ‌بین‌المللی، بسودتمام‌خلق ـ های‌جهان وقبل ازهمه بسودکشور ماست، که درمعرض شدیدترین‌توطئه ـ های امپریالیسم امریکا، این جانور خونخوار قرارگرفته‌است. ریگان ودار ودسته‌اش‌هر روز برای ماخوابی‌می ـ بینند.

بیشرمی، آنهم تا کجا؟

سخنگوی وزارت امور خارجهٔ امریکا گفته‌است‌که:

"دولت ریگان، علی رغم اختلافاتی که‌با ایران در بسیاری از زمینه‌ها دارد، ازاستقلال و تمامیت ارضی‌ایران‌دربرابر صدور انقلاب شوروی به‌ایران دفاع‌خواهد کرد." (نقل از برنامهٔ‌انگلیسی "صدای‌امریکا" ساعت ½ ۷ روزاول بهمن ۶۰).

صدورانقلاب شوروی" نسخهٔ بدل "خطرکمونیسم" است، که امریکا ـ ئیها به‌این بهانه درامور تمام‌کشور ـ های‌دیگرجهان‌گستاخانه مداخله‌می ـ کنند.

تصمیم دولت امریکا به "دفاع ازاستقلال‌وتمامیت ارضی ایران!" همزمان با تبلیغات گسترده‌ای که در سراسر امریکا، ازجمله درهمین‌مصاحبه رانبرگ سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا، در دگرگون جلوه‌دادن ماهیت انقلابی نظام‌جمهوری‌اسلامی ایران‌به عمل‌می‌آید، زنگ‌خطربزرگی‌را به صدا درمیاورد. امریکائی‌ها در کجا وبه چه وسیله‌میخواهنداز‌استقلال و تمامیت ارضی ما دربرابر ادعای‌موهوم "صدور انقلاب شوروی" دفاع کنند؟ درجنوب؟ درشمال‌غربی کشور؟ در جنوب‌شرقی؟ درقوس‌طرح‌شده درنقشه "تریپ‌وایر"؟ وچرا اکنون که جنگ با عراق به‌مراحل نهائی خود نزدیک میشود، به فکر "دفاع ازاستقلال وتمامیت ارضی‌ایران" افتاده‌اند؟!

امریکائی‌ها قریب‌چهل‌سال بر کشور ما، به‌بهانه "جلوگیری از نفوذ کمونیسم" درایران، حکومت کردندو این‌حکومت به‌قیمت‌پایمال‌شدن‌استقلال ازبین رفتن آزادی وغارت ثروت ملی مردم، تمام شد. خلق‌ما بپاخاست، هزاران کشته و زخمی‌داد تاشانهٔ خود را از زیر باراین سلطهٔ‌جهنمی امریکا بیرون‌ببرد. اکنون‌باز آقایان به‌میدان آمده‌اند ومدعی دفاع ازاستقلال و تمامیت ارضی، شده‌اند. بیشرمی، آن ـ هم تاکجا!

حرکت دشوار...

بقیه از صفحه ۱

ـهای مصرفی باشند. می‌گویند:

"ما کالاهای مصرفی را تولید می‌کنیم. شما معدنیات و محصولات کشاورزی و انرژی زا را به ما بدهید و از ما کالا بخرید (البته ارزان بفروشید وگران بخرید!) وسپس به تناسب آنچه می‌فروشید، با مصرف کردن هر چه بیشتر کالاهای ما، زندگی کنید".

براساس این "منطق "راهزنانه، در رژیم پهلوی کار بجائی رسیده بود که سالانه نزدیک به ۴۰۰ میلیون تن نفت به‌بهای ارزان (سالیان دراز به بهای هرچلیکی یک تا سه دلار!) صادر میشد واین اواخر قریب ۴۰ میلیارد دلار کالای مصرفی (کالای مصرفی بی‌مصرف!) از تجملی گرفته تا بنجل، واردمی‌گردید، درحالیکه صادرات غیر ـ نفتی ما، دربهترین حالت، به قریب دومیلیارد دلار می‌رسید.

برای "مصرفی "کردن یک‌جامعه امپریالیسم شگرد "سیاست درهای باز" رابکار می‌برد، یعنی در واقع دست‌های امپریالیسم را برای غارتگری باید باز گذاشت که نه فقط ازمتروپلها (مراکزامپریالیستی) کالای خود را صادر کند، بلکه ازکشورهای دست‌نشانده‌خود (امثال کرهٔ جنوبی و فیلیپین) برای شما شوفر وکلفت‌هم واردنماید، تابه‌آنها "کمک" رسانده باشد وبه‌اصطلاح به چاکران خود از "کیسه خلیفه بخشیده باشد". یا چاکر را به حفظ چاکری چاکر دیگر وادارد!

اسم اینهارا امپریالیسم میگذارد "منافع مشروع ما" ! وهروقت‌این‌منافع "مشروع!" و "عادلانه!" مورد "خطر" واقع شود، اوبخود حق می‌دهدکه ناوگان کشی کند، بمب نوترونی را به میدان بیاورد، عملیات "نورآبی" و مانور "ستاره درخشان" رابراه‌اندازد. واقعا چقدر شاعرانه! چقدر انسانی!

جامعه مصرفی، که فاقد پایهٔ تولیدی است، جامعه‌ایست وابسته. این‌وابستگی سرمایه‌داری مصرفی‌محلی به سرمایه‌داری‌تولیدی‌جهانی، باعث میشود که هرگاه‌امپریالیسم اراده کندو "بندناف "وابستگی را ببندد، کودک می‌میرد. بدین‌طریق امپریالیسم فکر می‌کند که مسئله "استقلال "را به‌خیال خام بدل کرده‌است.

اختراع دیپلماتیک انگلستان (که البته ابتکاری هم نیست واز زمان رم باستانی مرسوم بود): "تفرقه بیندازو حکومت کن!" است.

اختراع دیپلماتیک پسر عمویش (ایالات متحده‌آمریکا)، که کاملا در روح بورژوائی است: "ورشکست کن و حکومت کن!" است.

امپریالیسم آمریکا این سیاست رادرمورد ایران از "میسیون دکتر میلسپو" پس ازجنگ دوم جهانی آغاز کرد (میسیون شوستر و میسیون‌اول میلسپو هم درهمین روح بود). کاربه جائی رسید که ایران نمی‌توانست بدون گرفتن وام زندگی کندوهرگزهم موفق نمی‌شدحتی بهره‌وامهارابپردازد، یعنی‌وامدار ابدی!

وقتی دولت دکترمصدق خواست اقتصاد بدون‌نفت رادراین شرایط به راه اندازد، درمانده‌شد. بندهای اسارت سخت محکم بود.

این سیاست پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با شدت تعقیب گردیدو به اوج ممکن خودرسید.

کشاورزی ایران هم درجهت خاصی قرارگرفت، تاآنجا که‌درسال‌های‌اخیرایران‌یکی‌ازخریداران‌درجهٔ اول‌محصولات‌کشاورزی‌صادراتی‌آمریکا بود.

"پترودلار"، یاپول‌نفت، صرف خریداسلحه، محصولات کشاورزی، کالاهای‌لوکس‌وبنجل‌های بی‌مصرف و ابزارهای یدکی می‌شد. بعلاوه‌انواع خدمات هم با مخارج گزاف، ازهتل و آموزشگاه و بیمارستان تا دفترهای مشاوره فنی وقضائی وغیره برآن مزید گردید.

دراثر رقابت باجهان سوسیالیسم، امپریالیسم که‌درچارچوب سیاست استعماری خود مطلقا نمی‌خواست مستعمرات‌صنعتی‌شوند، در چارچوب سیاست‌نواستعماری، مجبورشد به حد معینی‌ازصنایع دراین‌کشورهاتن دردهد.

این‌صنایع بطور عمده‌واساسی صنایع مونتاژ بود. مارک‌ها وپاتنت‌های‌کهنه‌شده، که‌آب‌کردن محصول نهائی‌ویدکی‌آنهادر بازار کشورهای امپریالیستی‌محال بود (زیرا رقیب بهترش راآورده بود)، برای مونتاژبا برچسب‌های‌ایرانی، تحویل‌می‌شد.

"کمپرادوریسم "نوع تازه‌ای از این راه درمقیاس بسیار بزرگ‌یامتوسط یاکوچک پدید آمد. بیمه‌هاوبانک‌ها، چنگ اختاپوسی خود رابهرسوگشودند.

مقصودمابررسی اقتصاد وابسته رژیم‌گذشته نیست. (با اینکه این بررسی بسیار جالب وضرور است و باید با جامعیت کامل‌انجام‌گیرد، زیرانمونه‌ایران‌یکی ازبارزترین نمونه‌هاست) مقصود این است‌که پایه اقتصادی یک کشور داشتن زیرساز (انفراستروکتور) و رشته‌های اساسی تولیدی (برای تولیدوسایل تولید و وسائل مصرف) است. به پنج حکم زیرین توجه‌کنید:

۱ـ بدون‌استقلال‌اقتصادی، استقلال سیاسی پوچ است.

۲ـ بدون استقلال اقتصادی و سیاسی، کشورهای تاراجگرامپریالیستی خیلی‌ساده‌وسهل، درپس میزمذاکرات، اراده‌خودراتحمیل‌می‌کنندآن‌هم به صرفه خود و به زیان شما.

۳ـ بدون‌استقلال، تنظیم‌برنامه معقول تکامل ملی‌محال است.

۴ـ بدون برنامه معقول تکامل ملی، پیشرفت‌منسجم‌یک‌جامعه و نیل آن‌به سطح‌جهانی محال‌است.

۵ـ بدون‌نیل‌به سطح جهانی، یک‌کشور، یک‌ملت، همیشه‌مقوله "دست دوم" و "دست سوم" می‌ماندو افزار بیجانی‌در چنگ نیات دیگران‌است.

مطلب اینقدرجدی‌است!

قاجارها وپهلوی‌هابه‌امپریالیست‌ها (بویژه‌انگلوساکسون‌ها) آن.

چنان‌چاکرانه یاری رساندند، که کاری که‌امیر کبیر درنیمه‌اول سدهٔ‌گذشتهٔ میلادی آغازکرد، تاکنون، که‌نیمه‌دوم سده‌بیستم میلادی‌است، انجام نگرفته است. حتی درمواردی‌بدترشده‌است.

ازسالهای ۶۰ و ۷۰ سده‌میلادی گذشته، زمان "سلطان‌صاحبقران!"، تبدیل ایران به نیمه‌مستعمره شروع شد. "قهرمانان "این روند ننگین ناصرالدین‌شاه، رضاشاه، و بویژه محمدرضاشاه‌هستند.

پس از امیرکبیر، اینک‌تازه پس از پیروزی‌انقلاب‌اسلامی‌ایران‌است‌که تلاش برای خودسازی‌وخودکفائی، در جهنمی ازخرابکاریها ودسایس امپریالیسم‌وسرمایه‌داری‌وابسته به‌آنها، آغازشده‌است.

بزرگ مالکان وبازرگانان بزرگ واردکننده (که نوع قدیم وردهٔ اول کمپرادوری‌است که مدتهاست در ایران‌پدیدشده) باتمام نیرومیکوشند کدانقلاب رادرچارچوب دلبخواه‌خود (که‌عملا آنرا نابودخواهدکرد) نگاه دارند. "استدلال "آنها این است: "دست بماو منافع ما نزنید! والا ایران در مرداب قحطی خفه خواهد شد".

آقایان احتکارو گرانفروشی و قحطی سازی و ورشکست مالی‌کشور را باتمام‌نیروشروع‌کرده‌اند. بزرگ‌مالکان باچماقداران خودبجان "رعیت بی‌قابلیت" افتاده‌اند.

عمال‌مستقیم وآلتهای غیرمستقیم امپریالیسم، که در دستگاه اداری ما نفوذ دارند ونفوذ کرده‌اند، به‌این‌روند کمک می‌رسانند.

واما نکته‌مهمتردیگر:

هرمیهن‌دوست‌وانقلابی‌عاقلی می‌داندکه روند دگر سازی اقتصادی، آنهم تاحد یک نظام کامل جدید، کار بازی نیست.

خود روند دشوار است، بویژه آنکه‌امپریالیسم، بزرگ‌مالکان، بزرگ تاجران‌واردکننده، عناصری ازدستگاه اداری و روحانی نمایان وابسته‌به‌آنها باکوهی از تجربه درخرابکاری‌ودسیسه‌چینی، آن‌بخش از مردم ناآگاه، که زودآلت دست‌قرارمی‌گیرند، این‌روند بخودی‌خود مشکل رامشکل‌ترمی‌کنند.

لذا ما از آن بدوریم که‌فکرکنیم تحول‌اقتصادی جامعهٔ ما ازمصرفی‌به تولیدی خودکفا، کاری‌است مستقیم‌الخط و بایدبکوب‌بکوب جلو رفت.

ما درک می‌کنیم که در اینجا توقف، عقب‌نشینی، حرکتهای کند، حرکت دورانی و غیره ضروراست، یا ناگزیرمی‌شود.

ولی‌وقتی‌ما بادقت حوادث را (درپیوند آن باحوادث جهان) دنبال‌می‌کنیم، به‌این‌نتیجه‌می‌رسیم که همه‌چیز را نمی‌توان توجیه کرد. همه چیز را نمی‌توان مقدر دانست. هرچه که می‌شود، دارای‌مبنای‌کافی منطقی‌و مصلحتی‌نیست.

خواه درسیاست ارضی‌وکشاورزی، خواه درمسئله‌دولتی‌کردن بازرگانی خارجی، خواه درمسئله‌نظارت‌بر توزیع داخلی، خواه درامرتعاونی‌ها، درهمهٔ این‌عرصه‌هامیتوان‌موثرتر وکاراترعمل نمود. اینجامسئله‌نیت های صادقانه مطرح‌نیست. مسئله‌نتیجه عینی‌کار مطرح‌است. ما راجع به نیت ما یا تردید نداریم، یا لااقل حق غیب‌گوئی بخودنمی‌دهیم. ماچشم به راه اطلاع بیشترازنقشه‌هائی‌هستیم که‌آقای نخست‌وزیر ازآن‌صحبت‌کرده‌است.

البته‌این‌نبرداست. دراین‌نبرد باید تا آنجا پیش‌رفت که ضدانقلاب نتواند خود انقلاب را دچار شکست‌سازدیا مسخ کند. بایدبا احتیاط عمل کرد. دراین حرفی‌نیست.

ولی‌اگر انقلاب به‌مردم‌محصول مشخص‌خودراعرضه‌نکند، خطر دیگری رخ‌می‌دهد: خطررمیدن‌مردم‌ازانقلاب، خطر منفردشدن هسته رهبری کننده انقلابی نهضت.

حرکت در میان این دو خطر، حرکت دشواری‌است. آری! نبایدتند رفت وجامعه را دچار هرج و مرج و قحطی ساخت، ونباید کند رفت و جامعه را دچار سرخوردگی وانقلاب را گرفتار افت و شکست ویامسخ نمود.

دراینجاست که‌خردسیاسی و اقتصادی انقلابی ضروراست. اگر انقلاب ما در این عرصه از دشمن‌مکار وآزموده کم بیاورد، بتدریج رو به ضعف می‌رود، واین‌هدف‌اصلی استراتژهای "سیا" و "اینتلجنس سرویس" و "موساد" است‌که، بقول‌برژینسکی، برای انقلاب ایران‌نقشه پانرده ساله دارند!

آن بخش ازجامعه، که سرنوشت خودرابا انقلاب‌پیونددداده، نگران است وبحق انتظار داردکه برای رفع نگرانیش اقدامات مشخصی بشود.

ملت گرائی...

بقیه از صفحه ۱

بدینسان‌ملت‌گرائی بورژوائی با هدف‌های غائی توده‌های زحمتکش: کارگران، دهقانان، افزارمندان و روشنفکران زحمتکش مخالف است و. خواستار امحاء بهره‌کشی انسان‌ازانسان نیست، یعنی‌برخلاف دمکرات‌های انقلابی‌که‌بانفوذاقتصادی‌امپریالیستی‌و راه‌رشد سرمایه‌داری وابسته به مقابله برمی‌خیزندوبرخلاف‌انقلابیون‌کارگری، که خواستار استقرارنظام سوسیالیستی هستند.

در دوران‌امپریالیسم (بویژه پس از دومین‌جنگ‌جهانی) درکشورهای وابستهٔ آسیا، آفریقا وآمریکای لاتین، جنبش رهائی بخش ملی روزبروز دامنه و اوج بیشتری یافته‌و می‌یابد. این جنبش نه تنها‌علیه امپریالیسم‌است، بلکه بناگزیرعلیه فئودالها وسرمایه‌داری وابسته نیز هست، زیرا خان‌ها و فئودالها وسرمایه‌داران بزرگ‌وابسته پایگاه‌طبقاتی امپریالیسم دراین‌کشورها هستند و با بودن آنها درحاکمیت و بقاءمواضع اقتصادی‌آنهادرجامعه، به‌هیچ استقلال واقعی سیاسی‌واقتصادی نمی‌توان‌دست یافت.

ایدئولوژی وسیاست‌این‌جنبش‌ها برحسب اینکه در زیر رهبری دمکراتهای‌انقلابی (سیاستمداران خلقی برخاسته ازمیان‌قشرهای‌متوسط و پائین جامعه) باشد، یا زیررهبری انقلابیون کارگری، تفاوت‌هائی می‌کند، ولی دارای وجوه‌مشترک‌مهمی‌است‌که عبارتست از: جنبهٔ‌ضدامپریالیستی، ضداستبدادی‌ودفاع‌ازعدالت‌اجتماعی ومبارزه با فئودالیسم و سرمایه داری وابسته.

این‌دیگرآن‌ملت‌گرائی تنگ و محدودبورژوائی نیست، بلکه دارای محتوای میهن‌دوستانه‌ودمکراتیک‌است که‌برمطالبات‌حیاتی‌اکثریت‌مردم‌مبتنی است.

در دوران ضعف‌همگانی امپریالیسم واوج باز هم بیشتر جنبش‌های رهائیبخش که بویژه ازدههٔ‌گذشته آغاز شد مضمون میهن دوستانه‌ودموکراتیک درجنبش رهائی‌بخش ملی بسط یافت ودمکراتهای‌انقلابی، مبارزه‌علیه‌ستمگری امپریالیستی را با مبارزه‌علیه ستمگری بهره‌کشان داخلی‌همراه‌میسازند.

اکنون‌که به مفهوم ملت‌گرائی و حالات‌مختلف مضمونی‌آن درشرایط گوناگون‌زمانی ومکانی پی بردیم ببینیم که‌میهن‌دوستی به چه‌معنی‌است.

میهن‌دوستی عشق به‌میهن و مردم آنست‌و پدیده‌ایست‌اجتماعی‌و تاریخی، که در ادوار مختلف تاریخ مضمون‌های‌اجتماعی‌مختلفی کسب می‌کند.

اولین‌بارمسئله‌میهن دوستی در دوران‌مبارزه بورژوازی‌علیه‌خان‌ها و فئودالها دراختلاط باملت‌گرائی تبلور می‌یابد.

دربرخی‌کشورهای‌اروپائی مسئلهٔ "وحدت‌سرزمین‌وطن" مطرح‌بود (مانند آمریکا، آلمان، ایتالیا). دربرخی دیگر مسئله‌تامین حاکمیت وتمامیت ارضی کشورمطرح می‌گردید.

بورژوازی دراین‌دوران‌سخنگوی ملت وبیانگر میهن‌دوستی شده بود. ولی این "میهن‌دوستی "ازهمان آغاز تابع‌اغراض ومقاصد سودجویانه‌محدود طبقاتی بورژوازی‌بود. بورژوازی "وطن" خودرامی‌خواست، تادرآن "بازارفروش خود" رابوجود آورد و "ثروت‌های‌ملی خود" را تحت‌اختیار گیرد.

ولی در دوران‌امپریالیسم، پس از آنکه دیگرمدتهاست که بورژوازی‌به غارتگر وستمگراصلی‌جامعهٔ‌خود مبدل شده، ونیز در دوران گسترش‌جنبش‌های رهائی‌بخش ملی درکشورهای "جهان‌سوم"، محتوی "میهن‌دوستی" بورژوازی رنگ‌می‌بازد. بورژوازی برای نجات خود در قبال امواج انقلابات ملی‌واجتماعی چنگ در دامن "حامی نیرومندتر" و "ارباب‌قویتر" می‌زند. امپریالیسم‌آمریکابرای‌بورژوازی‌جهانی سکاندارو تکیه‌گاه‌می‌شود. اورابه‌رهبری وفرماندهی می‌پذیرند وآستان‌بوسش می‌شوند. ایالات‌متحدهٔ‌آمریکابه "وطن وطن‌ها" برای بورژوازی‌جهانی مبدل می‌گردد.

میهن‌دوستان "دروغین بورژوازی ایران، که به‌گرد "شاهنشاه!" جمع شده بودند، درقبال امواج انقلاب اکنون در کجا هستند؟ می‌گویند بیش از یک میلیون آنها‌کشورهای‌تحت فرمان‌امپریالیسم را، از لوس‌آنجلس تاشهر وان درترکیه، پر ساخته‌اند! کاخ نیاوران به "بوری‌هیل و "بلر" منتقل‌شده‌است! "میهن‌عزیز!" یعنی دلار، درجریان انقلاب درچمدان‌ها جاگرفت و راهی دیار مغرب زمین‌شد. حتی‌گاه "میهن‌عزیز!" رابه صورت دانه‌های‌درشت‌الماس ومروارید در لای "انجیرخشک" و "لیموی‌عمانی" جای‌می‌دهندوبعنوان معصومانه و "میهن‌دوستانه!" ارسال "آجیل و محصولات‌ایرانی برای فرزند عزیز، که درآمریکامشغول‌تحصیل است"، می‌گذشته‌تا از مرزهای گمرک‌هوائی ایران، بی‌سروصدا ردکنند، و در واقع نیز چقدر "میهن!" که‌ازاین‌طریق‌متقلبانه فرارداده شده‌است!

میهن‌دوستی واقعی، که‌از عشق به سعادت‌اجتماعی، اقتصادی ورهائی سیاسی وتکامل فرهنگی‌وسیع ترین‌توده‌های‌مردم‌تفکیک ناپذیراست، ازاین "میهن‌دوستی "ادعائی‌اویسی‌ها و آریاناها، بختیارها‌وبنی صدرها، نفرت دارد.

اکنون‌حاملان‌واقعی‌میهن‌دوستی مردمند، که‌خواستار استقلال و آزادی واقعی‌وترقی‌وعدالت اجتماعی‌هستندو درانقلابهای‌رهائی بخش ملی و در انقلابهای‌اجتماعی قهرمان واقعی بشمارند.

این‌میهن‌دوستی از قید و بند محدود "ملت‌گرائی" بورژوائی خارج می‌شود وهوادار دوستی‌وهمبستگی همه‌خلقهای جهان‌علیه جور وستم امپریالیستی، سرمایه‌داری وفئودالی است. این‌میهن‌دوستی بین وارستگی ملی (استقلال) و همبستگی خلق‌ها تضادی نمی‌بیند و تنها با وابستگی سازش‌می‌کند.

دردرک‌تفاوت مضمون‌همبستگی‌و وابستگی‌نیزتعمدالوث وخلط میکنند.

مثلا حکومت جمهوری اسلامی ایران، درعین علاقه‌به حفظ‌استقلال کشور، از ایجاد وحدت عمل وهمبستگی‌باکشورهای‌ضد امپریالیستی نه‌تنهااحتراز ندارد، بلکه‌بسوی‌آن‌گام برمیدارد. روش‌جمهوری‌اسلامی ایران درموردقدس وفلسطین، در مورد قراردادهای‌کمپ دیویدو طرح فهد، در مورد تجاوز اسرائیل وتصرف‌گستاخانه بلندیهای‌جولان، درمورد تجاوزات بیشرمانه‌آمریکا به لیبی چه روشی است؟ همبستگی انقلابی‌بسود خلقها و علیه‌امپریالیسم. واین‌تنهاروش‌درست بسوداستقلال‌ماوهمه خلقها، بسود دوستی‌ما باهمهٔ‌خلقهاست.

ولی عمال در پرده‌وبی پرده امپریالیسم وارتجاع ضدانقلابی‌ایران وگاه‌متاسفانه برخی‌افراد‌سالم، ولی گمراه، همین‌احساس همبستگی را در مورد پیروان سوسیالیسم علمی به "وابستگی "حمل می‌کنند! عجبا! کسانی که در غارتگری با امپریالیسم جهانی مانند بورژواها و فئودال‌ها "شریک المال" هستند و از این راه به انواع‌امتیازات مقامی‌ومالی‌رسیده‌اند، "میهن‌دوستند"، ولی‌پیروان‌راستین سوسیالیسم علمی، که‌بعلت دفاع پیگیر از منافع مردم درمیهن‌خود ودر سراسرجهان، جززجروتیره‌روزی‌ودربدری نصیبی‌نداشته‌اند، "وابسته" اند!

. هرکس این نسبت شوم را به انقلابیون واقعی‌می‌دهد، اگر طعمه‌یک گمراهی‌عمیق نباشد، بدون شک خود از "وابستگان" به امپریالیسم وارتجاع است، زیرا جز این متصورنیست. هر هرعاقلی که‌ازذره‌ای‌وجدان‌بهره‌مند باشد، از خود می‌پرسد: پیروان سوسیالیسم علمی طی‌صدوپنجاه سال گذشته، از اعتقاد به‌ضرورت‌همبستگی بین‌المللی چه بهرهٔ‌شخصی‌برده‌اند؟ آیاآنهانخستین‌زندانیان و قربانیان فاشیست‌ها، نژادگرایان، امپریالیست‌ها، میلیتاریست‌ها، استثمارگران و بلعمیان‌زمانه نبوده‌اند و نیستند؟ (اصطلاح "بلعمیان" درسرود رسمی اسلامی درتلویزیون خوانده‌می‌شود و اشاره‌است به‌مسلمان‌نمایان وابسته به ارتجاع)

این‌اتهام صاف وساده‌خنده‌آور است، نفرت‌آوراست.

درکشورهائی ماندکشور ما، میهن‌دوستان اصیل، مانند پیروان خط‌امام وپیروان‌سوسیالیسم علمی، می‌توانند دارای‌نظریات سیاسی و یا بینش های فلسفی ومذهبی مختلفی باشند؛ولی آنهابر سر منافع اساسی میهن، یعنی‌استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی و ترقی، نه برای دوران‌های کوتاه "تاکتیکی"، بلکه برای دوران‌های دراز استراتژیک متحدند و باید براساس این اتحادعمل‌کنند.

ما بویژه مایلیم که مسلمانان انقلابی‌پیرو خط‌امام، که ما آنها را میهن‌دوست بمعنای‌حدی‌کلمه‌میدانیم به‌این‌بحث ماتوجه‌کنند. غرض ورزی‌از جانب‌دشمنان‌انقلاب‌مفهوم‌است، ولی‌داوری‌غیرعادلانه‌از زبان‌دوستان وهواداران انقلاب درباره‌بخشی دیگر از این‌دوستان وهواداران، هم‌زیان‌بخش وهم دردناک‌است.

امام خمینی:
هرچه سریعتر در بازگشائی دانشگاه‌ها کوشش نمائید

هفته‌ٔگذشته امام خمینی، رهبر انقلاب وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، دوعضو جدید ستاد انقلاب فرهنگی را تعیین وحکم آنها راصادر کردند.

امام خمینی در حکم حجج‌اسلام مهدوی‌کنی و احمد احمدی، اعضای جدید "ستاد انقلاب فرهنگی "تاکید کردند:

"امید است با همکاری و هم‌فکری با اعضای محترم این ستادونیز افراد صاحب‌نظر متعهد واساتید و دانشجویان محترم ومسئول در هرچه سریعتر بازگشائی دانشگاههای کشور کوشش‌نمائید. انشاءاله ملت شریف ایران درآینده‌ای‌نزدیک‌شاهدفعالیت علمی دانشگاهی درسراسرایران باشند".

بدینسان رهبرانقلاب باردیگر خواست مردم وعموم فرهنگیان‌راباز-گوکردند. ومردم و فرهنگیان در انتظارند که فرمان امام خمینی هر چه زودتر اجراشود.

دشمن اصلی-آمریکا برخصومت پامی فشارد

دشمن اصلی خلقهای جهان، امپریالیسم‌جهانی بسرکردگی‌آمریکا، پیوسته برخصومت خود با انقلاب اسلامی ایران پامی‌فشارد و از هیچ فرصتی برای زدن ضربه به انقلاب اسلامی ایران خودداری نمی‌کند.

اکنون، درسالگرد آزادی کروگان‌های‌جاسوس‌آمریکائی اعلام میشودکه‌یانکی‌ها از "بیانیه‌الجزایر" تخلفات‌متعددکرده‌اند، تا حدی که تقریبا هیچ یک ازتعهدات خودرا در قبال آزادی "گروگان‌ها" به انجام‌نرسانده‌اند.

هفته‌ٔگذشته، بهزادنبوی، وزیر مشاور درامور اجرائی، این تخلفات‌را اعلام‌کرد. اوگفت که امریکا بسیاری‌از اموال ودارائی‌های ایران راپس‌نداده وازتوقیف وبازگرداندن اموال شاه خائن وخانواده‌اش به‌ایران نیز خود-داری کرده‌است.

همان‌روزکه "گروگان‌ها"ی‌جاسوس آزادشدند، برهمگان روشن بود که سرمایه‌داران غارتگر حاکم بر امریکا با تمام نیرو خواهند کوشید که از اجرای تعهدات خود در "بیانیه‌الجزایر" خودداری‌کنند وکسب حقوق ایران از آمریکا، میدان‌نبرد تازه‌ای علیه‌دشمن اصلی‌است. اکنون نیز ایران باید با استفاده ازهمه امکانات جهانی، ضمن افشای تخلفات‌شیطان‌بزرگ، نبرد بزرگی را برای‌احقاق حقوق ایران تدارک ببیند.

هشدار به همکاران
کفتار درنده جهانی-آمریکا- درمنطقه

امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا درمنطقه تدارک وسیعی علیه ایران‌انقلابی به عمل می‌آورد. امپریالیست‌ها با کمک دست‌نشاندگان خود درخلیج فارس مدتهاست توطئه‌ٔ وسیعی رادنبال‌می‌کنند.

درخطبه‌های نماز جمعه‌ٔ هفته‌ٔ گذشته، حجت‌الاسلام‌هاشمی‌رفسنجانی خطاب به دست نشاندگان آمریکا در منطقه هشدار داد:

"وبه‌برادران عرب مخصوصامی-گویم، به‌کشورهایی مثل عربستان، کویت، اردن، به‌کشورهای کوچک خلیج فارس‌به‌مصر به‌اینها می‌گویم، آمریکا ثابت‌کرده‌که دشمن شماست، یعنی‌آمریکا بانهایت‌پرروبی درمقابل شماکه‌دامن-تان‌راباز‌کرده‌اید وآمریکا را زیر دامن خودتان آورده‌اید‌ودردامن خودتان نشانده‌اید‌وبانفتتان وباراَیتان و با ارتشتان وبا مردمتان دارید مصالح آمریکا را توی منطقه حفظ می‌کنید، شمابه‌خاطر آمریکا دارید باجمهوری اسلامی می‌جنگید وبا اسلام داریدمی-جنگید.

آمریکا دیگر با این پررویی به‌شما گفت که من دشمن شماهستم. اگر روزی‌هشت میلیون، ده‌میلیون بشکه‌نفت عربستان سعودی‌ودومیلیون نفت کویت‌ومجموعا روزی بیست وپنج میلیون تاسی‌میلیون بشکه‌نفت دنیای‌اسلام برای آمریکا ارزش اخم کردن به‌اسرائیل راندارد و ارزش یک‌تنبیه اسرائیل را ندارد، شماهاباچه‌امیدی با این کفتار درنده جهانی همکاری می‌کنید؟ شمابه‌ملتتان چه‌جوابی‌می‌دهید؟ شما جواب خدا را چه می دهید؟ اگرمسلمانید؟ اگر مسلمان‌نیستید، جواب‌مردمتان را چه می‌دهید؟جواب چهارمیلیون‌آواره فلسطین راچه‌می‌دهید؟جواب مردم گرفتار جنگ سوریه‌راچه می دهید؟"
(جمهوری‌اسلامی، ۳۰بهمن ۶۰)

این هشدار بجا نشان‌می دهدکه مقامات مسئول ایران از خطر بزرگی که میهن‌انقلابی ماراتهدید‌میکند، بخوبی واقفند. برای مقابله با این خطر، ایران نیز باید درسطحی هرچه‌وسیع‌تر بانیروهای انقلابی جهان ودر رأس آنهاکشورهای مترقی منطقه‌متحدوبرای نبرددشوار آینده آماده‌شود.

درهفته‌ای که گذشت:

۲۰۰ هزارقاچاقچی افغانی درایران!

[illegible] اسلامی "خبرداد:

"طی مراسمی که باحضورحجت الاسلام‌ناطق نوری ورئیس شهربانی و معاونین این سازمان‌در اداره‌ٔ مواد مخدر برگزارشد، اعلام‌شد که اداره‌ٔ مواد مخدر موفق به‌کشف ۳۶۰ کیلو تریاک و ۶۴۰کیلو هروئین شده‌است. بگزارش خبرنگارما، رئیس اداره مواد گفت، حاج‌عبدالغنی ازجمله‌قاچاق-چیانی‌است که ۲۰ سال سابقه در امر فروش‌مواد مخدر دارد وباداشتن ۵ هزار عامل مسلح بدام‌افتاده‌است. وی گفت چندین‌نفر، که‌صلاح‌نیست‌نامشان رابببرم، برای آزادی این فرد، که میلیونها جوان رامعتاد ونابود کرده است، اقدام‌کرده‌اند... سرهنگ بختگان‌دریک‌مصاحبه‌گفت‌مشکل دیگر، این‌دومیلیون‌پناهنده‌افغانی‌هستند که‌اگرمن‌خیلی‌خوش‌بین‌باشم، میگویم ۲۰۰هزارنفرازاین‌پناهندگان افغانی هستند ونقش فعالی‌در واردکردن‌مواد مخدر به‌ایران‌دارند." (جمهوری اسلامی - ۲۷دی ۱۳۶۰)

به‌نظر ما، این سخنان یکی از مسئولان شهربانی‌نیازی به‌تفسیرندارد. این‌سخنان باردیگر نشان‌داد‌که ضد-انقلابیون افغانی درچه‌مقیاس وسیعی درایران علیه مردم ما وانقلاب ما فعالیت‌می‌کنند، که‌تنهایک قلم آنهارا تازه‌آنهم با "خوش‌بینی" ۲۰۰۰ هزار افغانی - یعنی یک‌لشکر بزرگ ضد - انقلابی - تشکیل‌می دهد. جالب‌تراین که، "کسانی که‌صلاح نیست نامشان برده‌شود"، خواستارآزادی‌یک‌قاچاق-چی‌هستند‌که "میلیون‌هاجوان‌رامعتادو نابودکرده‌است"!

راستی کیستنداینان که‌نابود - کننده‌ٔ میلیون‌هاانسان را می خواهند آزادکنند؟!

همه سخنها درباره مستضعفان

هفته‌ٔگذشته‌مسئله‌ٔ رسیدگی به مستضعفان درراس سخنان‌همه‌مسئولان درجه‌اول کشور قرارداشت.

حجت‌الاسلام سیدعلی‌خامنه‌ای رئیس‌جمهور، دردیدار با مسئولین دفتر مرکزی و سرپرستان مناطق‌مختلف کمیته‌ٔ امداد‌امام خمینی، گفت:

"امام‌نیز به‌این مطلب قویا اهتمام دارند وما اگر بخواهیم دربرابر توطئه‌های داخلی‌وخارجی مقاومت‌خود رابالاببریم، ناگزیر بایدضمن نگه-داشتن‌اکثریت‌مردم درصحنه، آنها را همچنان معتقدومومن‌ووفادار به‌انقلاب کنیم و وفاداری به انقلاب در صورتی است که‌مردم ازانقلاب یک‌چیزی‌ببینند"
(اطلاعات- ۲۷ دی ۶۰)

رئیس جمهور اضافه‌کرد:

"برای رسیدگی به‌مستضعفین، سه‌نوع‌کار بلندمدت، میان‌مدت‌وکوتاه مدت باید انجام‌گیرد. اکثریت کسانی که‌بار انقلاب را بدوش می کشند، مستضعفین، مستمندان وطبقات پائین ومتوسط جامعه‌هستند وچنانچه‌انقلاب به‌این‌هارسیدگی‌نکند ویانوید رسیدگی درآینده رابدهد، این درست‌نیست."
(همانجا)

یک‌نفر نباید ازگرسنگی بمیرد یک‌نفر ازسیری...

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس‌مجلس شورای اسلامی وامام‌جمعه موقت تهران نیز درسخنان خود در خطبه‌های نمازجمعه هفته گذشته از جمله‌گفت:

"اسلام‌بشدت با دوقطبی شدن جامعه‌مخالف‌است که‌قطب مستضعف‌در کنار قطب مستکبر، قطب مسرف در کنار قطب محروم‌وایجاد یک کانال‌وسیع [illegible] که یک نفر ازگرسنگی بمیرد و [illegible] جمهوری اسلامی - ۳بهمن ۶۰)

رئیس مجلس اضافه‌کرد:

"اسلام باشدت بااستثمار وبهره کشی انسان‌ازانسان مخالف‌است. بطور کلی عمیقا مخالف است‌که ثمره‌ٔحق‌کار یک‌نفر بدون رضایت‌خودش به جیب انسان‌دیگری برود." (همانجا)

همه‌چیزدرجهت منافع مستضعفان

وبرای رسیدن به‌این هدف‌است که‌آیت‌اله‌موسوی‌اردبیلی رئیس‌دیوان-عالی‌کشور، درپنجمین‌روزبرگزاری سمینار "جهاد سازندگی" تاکیدکرد:

"کشورما یک‌نظام سرمایه داری غربی بود وهمه‌چیز بنابه این نظام فاسدتنظیم شده‌بود. جهتش خدمت برای منافع مستکبرین وفئودال‌هاویک تُرخان احتماع بود. ماچنین‌جامعه-ای راداشتیم وحالا می‌خواهیم همه‌چیز راجهت منافع مشروع مستضعفین بسیج کنیم." (کیهان - ۱ بهمن ۱۳۶۰)

رئیس دیوانعالی کشور افزود:

"شمانیروهای مردمی یک‌کشورانقلابی وظیفه‌دارید، تاموقعی که‌مااین‌چیزهارا درجهت منافع مستضعفین‌می‌چرخانیم شمانگذارید این‌مستضعفین از دست مابروند." (همانجا)

مشکلات بیداد می‌کند

مسئولان‌کشوردرشرایطی‌خواستار انجام‌اقدامات‌اساسی‌بسود محرومان هستندکه‌مشکلات‌کشور-که‌سهم‌عمده‌ٔ آن‌میراث‌رژیم‌جنایتکار پهلوی و ثمره‌ٔ توطئه‌های امپریالیسم‌بسرکردگی‌امریکا بعدازپیروزی انقلاب است - به‌راستی بیداد می‌کند. بیهوده‌نیست‌که آقای محمداخلاقی‌نیا نماینده‌مردم سیرجان درجلسه‌ٔ علنی ۲۷دی‌مجلس، میگوید:

"مسئله‌ٔ مسکن‌همچنان بیدادمی‌کند و زمین‌همچنان سیر صعودی‌خود رامی - پیماید." (جمهوری‌اسلامی - ۲۸ دی ۱۳۶۰) واضافه‌می‌کند:

"این بسیار دردآوراست که هنوز خان وفئودال دستش‌برای‌چپاول مردم محروم بازباشد." (همانجا)

وآقای مرتضی محمودی‌نماینده‌ٔ مردم‌قصر شیرین در مجلس شورای اسلامی، درمصاحبه باروزنامه کیهان می‌گوید:

"این‌دلیلی نیست که‌مجلس و دولت فقر وحشتناکی راکه‌این‌عزیزان باآن دست وپنجه‌نرم‌می‌کنند، از یاد ببرند و فراموش‌کنند که آنهادرآلونک ها وبیغوله‌ها زندگی می‌کنند و دزدان وابسته به رژیم شاه، که‌نسبت‌به‌انقلاب بغض می‌ورزند وبرای‌بازگشت امریکا دقیقه‌شماری می‌کنند، هنوز یک خانواده سه‌نفری در خانه‌های بسیار وسیع زندگی کنند وبه انقلاب و انقلابیون‌مومن‌ومکتبی‌پوزخندبزنند..." (۲۷ دی ۱۳۶۰)

وروزنامه‌ٔ "صبح‌آزادگان"، در سرمقاله روز ۳۰ دی ۶۰ خود، بعداز شرح‌مفصلی درباره‌ٔگرانی قیمت‌ها، نتیجه‌می‌گیرد:

"محرومین ومستضعفانی که فرزندانشان درجبهه‌های حق وباطل به‌مقابله با صدامیان پرداخته‌و درراه حفظ انقلاب واسلام ایثارگرانه به شهادت‌می‌رسند، هدف مستقیم‌گران-فروشان‌وگرانی‌می‌باشند. امروز اگر جلوی چنین‌اعمال ضدانسانی از جانب مسئولین مسدودنشود، مردم‌که برعلیه‌شاه قیام‌کرده ورژیم منحوس ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی راسرنگون کردند، برای سرکوب گرانفروشان‌و محتکرین وحامیانشان دست به کار خواهند شد، زیرامقابله باتروریست-های‌اقتصادی وبازوهای‌اقتصادی‌امریکا کمک‌مستقیم به‌مردمی می‌باشد، که به فرموده‌ٔامام‌صاحبان اصلی انقلاب هستند."

چرا لوایح محوری متوقف است؟

برای غلبه بر این وضع و برای رسیدن به‌اهداف مردمی انقلاب، که برخی از آنها را [illegible] در حد اول کار خود درهفته‌ٔگذشته بخاطر که در بالا آمده بارهم تائیدکرده‌اند. قدم اول‌تصویب لوایح محوری‌است، که اکنون برخی ازآنهانزدیک به‌یک‌سال است‌که درمجلس‌متوقف‌مانده‌است. در همین‌زمینه‌است که آقای محمداخلاقی نماینده‌ٔ مردم سیرجان، درسخنان پیش ازدستورخود، در واقع سوأل مردم رامطرح میکندکه:

"بیش ازسه‌ماه‌از اجازه‌ٔ امام به مجلس درمورد تصویب‌قوانینی که میتواند رافع عسر و حرج باشد وتاخیر درتصویب آنهازیان‌بار است، می - گذرد. خصوصا باتوجه به‌اینکه‌درپاسخ امام به‌نامه ریاست محترم مجلس، تصویب واجرامجاز شمرده‌شده‌است، تاکنون کدام‌عملی در این جهت قطعیت‌یافته؟" (جمهوری اسلامی - ۲۸ دی ۱۳۶۰)

حجت‌الاسلام‌هاشمی‌رفسنجانی، درمصاحبه‌خود باروزنامه‌ٔ اطلاعات، درمورداین لوایح‌می‌گوید:

"متاسفانه دید وبینش شورای نگهبان دربعضی مسائل با اکثریت مجلس یک‌کمی، گاهی باهم‌نمی‌خواند، وهمین‌باعث‌شدکه چند تا ازمصوبات مهم‌حیاتی مجلس هنوز متوقف‌مانده است." (اطلاعات - ۱ بهمن ۱۳۶۰)

ودرهمین‌حال اخبار جسته و گریخته نشان‌می دهد که متاسفانه لوایح مهم وحیاتی، ازجمله لایحه‌ٔ اصلاحات‌ارضی ولایحه‌ٔ دولتی‌کردن بازرگانی‌خارجی، همچنان‌درکمیسیون های‌مجلس "تحت‌بررسی" است.

تأخیرکافیست

چنانکه‌همه‌ٔ مسئولان درجه‌اول کشور، مردم‌انقلابی ما و نیروهای مدافع انقلاب بارها وبارها تاکید کرده‌اند ومی‌کنند. این تاخیرطولانی کافی‌است. بقول رئیس‌جمهور، چنانچه انقلاب به‌اینهارسیدگی نکند ویا نوید رسیدگی درآینده‌بدهد، این درست نیست.

همه‌ٔ مردم‌ایران امیدوارند که، همانطورکه‌آیت‌اله‌مشکینی درنماز جمعه این‌هفته‌ٔ قم ابراز امیدواری‌کرد، بند "ج" هرچه زودتر درمجلس تصویب وبرای‌اجرا بدولت‌ابلاغ شود.

ماهم مانند همه‌ٔ مردم ایران امیدواریم که‌این‌سخنان‌رئیس مجلس شورای‌اسلامی هرچه‌زودتر جامه عمل بپوشد که:

"ما لایحه‌ٔاراضی شهری را با همان‌راهنمایی (امام) از لحاظ مجلس کارش راتمام‌کردیم. ایرادی هم‌که‌شورای‌نگهبان گرفته، زیاد مهم نیست و به‌نظرمن‌قابل‌حل‌است. به‌نظر می‌رسد این مسئله را ماحل می‌کنیم‌وبه زودی ازاین‌عقبه عبورمی‌کنیم. بعد ازاین‌هم اراضی‌کشاورزی راداریم."
(اطلاعات- ۱بهمن ۱۳۶۰)

باتوطئه‌های ضدانقلاب درصنایع نفت مقابله‌کنیم

- خواستهای کارگران مبارز صنایع نفت را برآورده سازیم
- ازکم‌کاری وتحصن واعتصاب جلوگیری‌کنیم وتولیدرا افزایش دهیم

اخبار رسیده حاکیست که ضدانقلاب، باسوء استفاده از خواستهای بحق و قانونی کارگران صنایع نفت، و همچنین ناآگاهی بخشی از کارگران و برخوردنادرست وندانم کاری‌برخی‌ازمسئولان، می‌کوشد کارگران رابه کم-کاری و تحصن و اعتصاب بکشاند وبدینسان درصنایع نفت، که بویژه درشرایط کنونی دارای حساسیت و اهمیت فوق العاده است، اختلال ایجادکند.

درشرایط جنگ تحمیلی‌و محاصره اقتصادی وتوطئه های رنگارنگ دیگرامپریالیسم‌آمریکا علیه‌انقلاب وجمهوری اسلامی ایران، وباتوجه به حساسیت واهمیت صنایع نفت برای اقتصادکشورما، مسلماست که ایجاد هرگونه اختلال درصنایع نفت وهرگونه کم کاری‌وتحصن واعتصاب، بهربهانه ای که باشد، بسودضدانقلاب است، که خود از پشت پرده چنین اعمالی را سازمان می‌دهد و تشویق می‌کند.

ما مطمئنیم که کارگران صنایع نفت، که‌همواره نمونه - های درخشانی از آگاهی و پیکارجوئی در دفاع‌ازانقلاب وجمهوری اسلامی ایران از خودنشان داده‌اند، باتجهیز همه نیروهای کارگری برای ازدیاد تولید و بهبود و پیشرفت‌کار درصنایع‌نفت با خود داری از کم کاری و تحصن واعتصاب و با مقابله با هرگونه تلاشی‌دراین زمینه توطئه ضدانقلاب را عقیم خواهند گذاشت.

کارگران آگاه و مبارز صنایع‌نفت‌بخوبی میدانند که‌در این شرایط باید‌ازراه مذاکره بامقامات مسئول صنایع‌نفت‌و ایجادمحیط تفاهم‌وهمکاری‌بین خود و آنها به خواستهای به حق و قانونی خود تحقق بخشند.

در همانحال مقامات مسئول صنایع نفت‌نیز باید برای ایجادمحیط تفاهم و همکاری باکارگران، برای تحقق خواستهای بحق‌وقانونی آنان برای کمک به ایجاد سازمانهای صنفی‌کارگران - که مهمترین ومناسب‌ترین وسیله برای حل مسائل در محیط های کاراست - مسئولانه صادقانه وپیگیرانه تلاش کنند.

تردیدی نباید داشت که طبقه کارگر قهرمان‌میهن ما - که "ستون فقرات کشورو انقلابند" - و در پیشاپیش آنها نفتگران مبارز وفداکار همچنان ستون فقرات کشورو انقلاب باقی خواهند ماند.

درشورای امنیت

آمریکا با وتوی خود بار دیگر به یاری اسرائیل شتافت

در "شورای امنیت" سازمان‌ملل متحد، ایالات‌متحده آمریکا پیش‌نویس قطعنامه کشورهای غیرمتعهد را درباره اعمال تحریم داوطلبانه علیه اسرائیل بخاطر "الحاق "بلندی"های جولان به‌کشور خود، "وتو" کرد. این پیش‌نویس ازاعضای‌سازمان ملل متحد خواسته‌بودکه به "**اتخاذ اقدامات‌موثر علیه‌اسرائیل**" بپردازند واز همکاری با "تل‌آویو" سرباززنند.

نماینده‌ٔاردن گفت که‌کشورهای غیرمتعهد از "مجمع عمومی" خواهند خواست، تا در اجلاسی فوق‌العاده سیاست "ضمیمه‌سازی" اسرائیل رابررسی‌کند.

عبدالمحسن‌ابومیزر، یکی از مقامات‌بلندپایه "سازمان‌آزادی‌بخش فلسطین"، وتوی آمریکا را در "شورای امنیت" "**پشتیبانی بلاشرط از جنایات اسرائیل علیه فلسطینی‌ها و دیگرخلق‌های عرب**" خواند.

روزنامه "الاتحاد" (امارات متحده عربی) ازکشورهای عرب خواست، تاتحریمی یکروزه را علیه ایالات‌متحده امریکا سازمان‌دهند.

اتحادشوروی وسوریه تصمیم دولت اسرائیل را درباره "الحاق" بلندیهای جولان به خاک‌خود محکوم کردند. این‌مطلب دربیانیه مشترک وزیران خارجه اتحادشوروی وسوریه، آندره‌گرومیکووعبدالحلیم‌خدام، در مسکو آمده‌است. در این بیانیه‌گفته می‌شود:

"**این‌گام‌اسرائیل نقض‌آشکار منشوروومصوبات‌سازمان‌ملل‌متحداست وتهدیدجدی برای صلح به‌شمارمی‌رود.**"

دو وزیر خارجه نقشه‌اسرائیل وآمریکا را درباره تامین سلطه‌ایالات متحده وگسترش‌جویی اسرائیل علیه اعراب محکوم ساختند. به‌گفته‌آنها، "**صلح درخاورمیانه تنهاهنگامی ممکن‌است که نیروهای اسرائیل‌سرزمین‌های‌اشغالی عرب را ترک‌گویندو حقوق فلسطینی‌ها، ازجمله تاسیس کشوری مستقل، تامین‌گردد.**"

آندره‌گرومیکو وعبدالحلیم خدام اظهار داشتند:

"**هدف سیاست‌ایالات‌متحده‌ٔ آمریکاافزایش تنش بین‌المللی و مداخله در امور دیگر کشورهاست.**"

یاسرعرفات، رهبر "سازمان آزادیبخش‌فلسطین"، هشدارداد که اسرائیل عملیات نظامی گسترده‌ای‌را علیه لبنان‌وجنبش‌مقاومت فلسطین تدارک‌می‌بیند. یاسرعرفات درسخن‌رانی خود در بیروت گفت‌که، مقامات اسرائیلی این نقشه راباالکساندرهیگ درملاقات‌اخیر خود با وزیرخارجه آمریکا درمیان‌نهادند.

چگونه توطئه جنایتکارانه آفریقای جنوبی علیه مردم آنگولا شکست خورد؟!

* این توطئه بار دیگر ثابت‌کرد که امپریالیسم، استعمارونژادپرستی‌علیه خلق‌های به‌پاخاسته از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کنند.

۲۶ آذر ۱۳۶۰ (۱۷دسامبر ۸۱)، درست درشرایطی که روزها از هجوم وحشیانه‌مزدوران‌مسلح آفریقای‌جنوبی به‌کشورانقلابی‌آنگولا می‌گذشت، نژادپرستان آفریقای جنوبی، که تا بن دندان ازسوی‌امپریالیسم‌آمریکا مسلح شده‌اند، ماموریت یافتند تا جنایت بزرگی را علیه خلق آنگولا به انجام رسانند. هدف این حمله، قتل عام مردم‌لواندا، پایتخت‌آنگولا، بود. قصد آن‌بود که، ۸۷۵۰۰۰ شهروند آنگولایی در گرداب جنایتی عظیم غرق شود. بدین‌منظور یک گروه کماندویی از آفریقای جنوبی روز۹ آذر۱۳۶۰ (۳۰نوامبر۸۱) پالایشگاه "پترآنگول"، نزدیک لواندا، را مورد یورش خود قرار داد... واین تنها آغازی‌براجرای یکی‌ازهولناک‌ترین‌جنایات عمال‌امپریالیسم‌آمریکا بود...

جزئیات توطئه‌قتل‌عام

مدتی‌از نیمه‌شب‌گذشته‌بود ومردم لواندا، پس از گذراندن یک‌روزدیگر درکار صلح‌آمیز، در خواب بودند. آن‌ها با آن‌که از همان اولین‌لحظات دست‌یابی به‌استقلال‌وآزادی خویش، جنایتکاران و مزدوران امپریالیسم آمریکا و قداره‌بندان رژیم‌نژادپرست آفریقای‌جنوبی‌را روبروی‌خویش دیده بودند وتوطئه‌ها، تحریکات‌وتجاوزات بی‌شمار آنان را همه‌روزه تجربه‌می‌کردند، نمی‌دانستند که در آن‌لحظه این مزدوران چه توطئه شومی راعلیه آنان تدارک دیده بودند. درست‌در لحظاتی‌که عقربه‌ساعت به‌نزدیکی یک نیمه‌شب رسیده بود، صدای چندین انفجار درمنابع بنزین، مازوت‌و...، آرامش‌شهررا درهم شکست، زبانه‌های آتش فضای‌شهررا روشن‌ساخت وشعله‌های آن به‌زودی باپیشروی خود به‌۳۰ متری منبع عظیم "سرب‌تترااتیل" (ماده فوق‌العاده سمی) رسید، منبع عظیمی‌که درصورت انفجار می‌توانست صدها قربانی برجای گذارد. نقشه کماندوهای‌آفریقای‌جنوبی کاملا دقیق و حساب‌شده بود. آن‌ها به‌خوبی‌می‌دانستندکه‌اگر۲۴دینامیت شارژشده، که درنقاط مختلف پالایشگاه با دقتی زیاد نصب شده بودند، در یک زمان منفجر می‌شدند، قادر بودند تمام محلات پرجمعیت جنب پالایشگاه‌را، که هزاران سکنه‌ٔ لواندایی را در خود جای‌داده‌بودند، نابودکنندوباپخش رسوبات ماده سمی "سرب‌تترااتیل" ابری مسموم‌کننده در سراسر شهر به وجودآورند. بدین‌گونه نقشه‌قتل‌عام صدها هزار شهروند آنگولایی عملی می‌شد. آری، جنایتکاران تمام‌مراحل این‌جنایت هولناک را از پیش مشخص کرده و تمام عوامل و نقاط ابهام آن را مورد بررسی دقیق و ارزیابی‌های مکرر قرار داده بودند، ولی تنها یک‌عامل را درمحاسبات‌خود نادیده گرفتند، تنها عاملی که امپریالیسم و مزدورانش هرگز قادر به‌احتسابش نیستند، و آن عزم‌راسخ، شجاعت‌و ازخودگذشتگی و ایثار بی‌حد وحصر مردمی است‌که تمام‌وجودشان‌را وقف دفاع‌ازانقلاب‌پیروزمندو دست‌آوردهای بی‌شمار و گران‌قدرش کرده‌اند.

کارگران، زحمتکشان و مردم‌لواندا در آن‌شب، باوجود گرمای فوق‌العاده آتش و خطرات‌فوق‌العاده ناشی از آن آتش‌سوزی عظیم، ایثارگرانه درمدتی کوتاه‌چندین‌هزاربشکه "سرب‌تترااتیل" (از این ماده سمی تنها در تعیین اندیس‌اکتان بنزین استفاده می‌شود) را جابه‌جا کردند و بار دیگر بریک توطئه جنایتکارانه امپریالیسم آمریکا و نژادپرستان آفریقای جنوبی مهر شکست زدند. آن‌ها توانستند باکمک سرویس امنیتی کشور، حضور گروه کماندویی‌را کشف‌کنند ومانع‌ازگسترش ابعاد جنایت شوند. بدین‌ترتیب جنایتکاران توانستند تنها بخشی از توطئه خود را عملی سازند.

پس از خنثی کردن توطئه، جسد دو کماندو در محل انفجار پیداشد، بقیه اعضای این گروه کماندویی، که چند تن‌مجروح نیز باخودداشتند، بنا به اظهارات مقامات آنگولایی، موفق‌شدند خود را به‌ساحل برسانند و در آن‌جا به کمک یک زیردریایی آفریقای‌جنوبی، که انتظار آنان را می‌کشید، به‌مقر طرح‌ریزی جنایت، آفریقای جنوبی، بازگردند.

اکنون دلایل بی‌شمار و غیرقابل انکار، به‌خوبی ثابت می‌کند که این توطئه جنایتکارانه توسط نژادپرستان آفریقای جنوبی طراحی و به‌مورداجرا گذاشته شده بود و تنها براثر هوش‌یاری و ازخودگذشتگی خلق آنگولا با شکست مواجه گشت. این توطئه بار دیگر نشان‌دادکه‌امپریالیسم، استعمار و نژادپرستی و در راس همه‌ٔ آن‌ها امپریالیسم‌آمریکا چگونه‌برای درهم‌شکستن انقلاب‌های رهائی‌بخش همه روش‌های جنایتکارانه، رذیلانه و فاشیستی خود را به‌کار می‌بندند.

وقایع مهم جهان در یک هفته

باتشکیل "شورای نظامی رستگاری ملی" درلهستان

نقشه‌کودتای ضدانقلابی درلهستان در روز ۱۹ آذر ۶۰ شکست خورد

● وزیرخارجه سوریه مداخله ریگان را درلهستان محکوم ساخت

مردم ورشو سی وهفتمین سالگردآزادسازی شهر خود را در جنگ دوم‌جهانی بوسیله‌ٔ نیروهای‌شوروی و لهستانی جشن‌گرفتند. آنهاد سته‌ها وحلقه‌های گل فراوان بر قبرسربازان شوروی نهادند.

میروسلاوهرماشوسکی، کیهان‌نوردلهستانی وعضو "شورای نظامی رستگاری‌ملی"، در گردهمایی درورشو سخن‌گفت. به‌گفته‌وی:

"**لهستان سی‌وهفتمین سالگرد آزادسازی‌ورشو را در شرایطی‌ویژه جشن‌می‌گیرد. نیروهای‌مسلح‌به‌مقابله باضدانقلابیون برخاسته‌وازاحراز قدرت از سوی آنها جلوگیری‌کرده‌اند.**"

"پراودا" (اتحادشوروی) نوشت:

"**مردم‌لهستان اکنون می‌توانند امیدوارباشند که‌مسائل اجتماعی و اقتصادی‌آنهاحل خواهد شد. گام‌های "شورای نظامی رستگاری ملی" برقراری قانون ونظم را تامین‌می‌کندو اقتصادبرون‌رفت از بحران را آغاز نموده است. دیگر کشورهای سوسیالیستی، بویژه‌اتحاد شوروی، به عادی‌سازی اوضاع در کشور کمک‌می‌رسانند.**"

ازسوی دیگر، نهادهاوسازمان‌های‌حزبی درلهستان فعالیت خودرا درکشورگسترش‌می‌دهندوازاین راه‌به تثبیت اوضاع وبهبود اقتصادملی کمک‌می‌کنند. مطبوعات لهستان از افزایش فعالیت‌های مردم سخن‌می‌گویند. تاکنون‌هزاران "کمیته‌رستگاری ملی"، مرکب ازاعضای "حزب متحد کارگری‌لهستان" ودیگر احزاب و سازمان‌های اجتماعی، در سراسر کشور برپا شده‌است.

به‌نوشته‌ٔ "تریبونالودو" (لهستان):

"**برقراری‌حکومت نظامی برای جلوگیری‌ازکودتای‌ضدانقلابی‌صورت گرفت، که‌رهبران "همبستگی" آن را تدارک‌دیده‌بودند. برخی ازاینان آشکارا ازتهیه‌ٔ چوب دار برای کمونیست‌ها سخن‌می‌گفتند. قرار بود در۱۷دسامبر۸۱ (۱۹ آذر ۶۰) افراطیون "همبستگی" به‌خیابان‌های ورشوبریزند ورادیو و تلویزیون را تصرف کنند. "همبستگی" همچنین میخواست‌یک به اصطلاح "شورای همگانی اقتصاد" برپاسازد، که بعدها به "دولت‌موقت" بدل‌گردد.**"

برونو کرایسکی، صدر اعظم اتریش، رهبری ایالات‌متحده‌امریکارا به‌اتخاذ "**مشی‌مزورانه**" در قبال رویدادهای لهستان متهم کرد. کرایسکی در یک‌گردهمایی مرکب از اعضای با سابقه‌ٔ "حزب‌سوسیالیست اتریش" گفت:

"**آنهاکه‌ماموران نظارت بر ترابری هوایی را درآمریکا دست‌بند زده‌می بینند، به‌هیچ‌روی به‌همدردی رهبران آمریکا با "همبستگی" باور نمی‌کنند.**"

"واتیکان" گفته‌ٔ ریگان، رئیس جمهورامریکا، رامبنی براینکه پاپ‌در پیام‌خودبه‌او به‌هواداری از تحریم لهستان‌پرداخته‌بود، تکذیب‌کرد. به گزارش "واتیکان"، در پیام نامبرده سخنی ازتحریم به‌میان نیامده‌بود. خبرگزاری‌ها خبردادند که بعقیده‌ٔ "واتیکان"، اقدامات تحریم آمیز ایالات‌متحده‌ٔامریکا تنهابه‌افزایش دشواری‌های‌مردم لهستان خواهد انجامید.

مادام‌کولت فلش، نخست وزیر لوکزامبورگ، معتقد است که‌انگیزه اقدامات‌تبعیض‌آمیز ایالات متحده‌ٔ آمریکاعلیه‌لهستان واتحادشوروی را باید در "**هدف‌های‌خودپسندانه‌ٔ آمریکا**" جستجو کرد، که "**به‌هیچ‌روی پاسخگوی‌منافع کشورهای‌بازارمشترک نیست.**"

عبدالحلیم‌خدام، وزیرخارجه سوریه، مداخله ریگان را در امور داخلی لهستان محکوم‌کرد.

ریگان باردیگر به مداخله گستاخانه در امور داخلی لهستان پرداخت. وی در یک کنفرانس مطبوعاتی درواشینگتن ادعاکرد، که "اوضاع‌لهستان‌وخیم‌تر شده‌است و اتحادشوروی مسئول‌آنست." ریگان هیچگونه‌سندی برای اثبات این ادعای خودارائه‌نداشت، ولی خاطرنشان‌ساخت که احتمالا مسئله‌گسترش اقدامات‌تبعیض‌آمیز آمریکا را علیه اتحادشوروی ولهستان‌بررسی‌خواهد کرد.

آغاز "عملیات تنبیهی" جدید "خونتا" درسان‌سالوادور

گیرمومانوئل‌اونگو، رهبر "جبهه‌ٔ دمکراتیک‌انقلابی السالوادور"، در مصاحبه‌ای با "پرنسالاتینا" در پاریس گفت:

"**دخالت فزاینده‌ٔ ایالات‌متحده امریکا در السالوادور به پشتیبانی از رژیم غیر دمکراتیک مهم‌ترین سد در برابر حل مسائل‌کشوراست**"

اونگو به‌نشانه‌های شکست رژیم وابسته به‌آمریکای‌السالوادور اشارکرد. وی درآین‌زمینه ازگسیل سربازان‌السالوادوری برای آموزش در آمریکا، بسیج پسران دوازده‌ساله وشکست‌های نظامی درجبهه‌ای پهناور سخن‌گفت.

در لیما (پرو) "**کنفرانس قاره‌ای برای صلح، حقوق‌بشر و حق مردم السالوادور برای تعیین سرنوشت‌خویش**" برگزار شد. ساندرس پرس، رئیس جمهوراسبق‌ونزوئلا، درسخنرانی‌گشایشی خود سیاست آمریکارادرآمریکای مرکزی وکارائیب محکوم ساخت. به‌گفته‌ٔاو. "**ریگان‌میخواهد جهان را به دوران جنگ‌سرد بازگرداند.**"

به‌گزارش مقامات کلیسای السالوادور، تنها در دو هفته‌ٔاول سال ۱۹۸۲دست کم ۳۸۲ تن در آن‌کشور جان خودراازدست دادند.

آلفردو واسکس، وزیرخارجه‌پیشین کلمبیا، گفت:

"**درالسالوادور هیچگونه‌تامینی برای آزادی سیاسی وحقوق بشر وجود ندارد.**"

ازسوی دیگر، خبر رسید که‌نیروهای "خونتا" "**عملیات تنبیهی**" جدیدی را در سان‌سالوادور آغاز کرده‌اند.

پس‌ازآمریکا، چین هم به سودان اسلحه میدهد

"جانا"، خبرگزاری لیبی، گزارش دادکه‌کوششی برای ترور جعفر نمیری، رئیس جمهور سودان، صورت‌گرفت. بگزارش "جانا"، نمیری در ستیزه‌ای با چندتن‌از افسران بلندپایه در خارطوم دوبار تیرخورد. خبرگزاری لیبیائی‌اوضاع پایتخت را "**متشنج**" توصیف‌کرد. و از تیراندازی‌های خیابانی سخن‌گفت.

خبرگزاری‌سودانی "سونا" گزارش‌ترور نمیری را تکذیب‌کرد.

ازسوی دیگر، درخارطوم‌گفتگو میان مقامات رسمی سودان‌ویک‌هیئت نظامی چین‌آغاز شد. بگزارش "سونا" دراین دیدار دوطرف به بررسی "**گسترش همکاری نظامی**" میان دوکشور پرداختند. پیش ازاین، ایالات متحده‌امریکا قول داده‌بودکه بیش از ۱۵۰ میلیون دلار اسلحه در اختیار سودان‌بگذارد.

نظامیگری نمیری به وخامت اوضاع‌اقتصادی سودان دامن‌زده و به تظاهرات‌وسیع علیه دولت انجامیده‌است.

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:
محمود اعتمادزاده (م. ا. به‌آذین)
آدرس: تهران، منطقهٔ ۱۳ پستی
صندوق پستی ۳۱۴/۱۱۱۷